
ایمان
و آثار سازنده آن
جعفر سبحانی


بسم الله الرحمن الرحیم

ایمان و آثار سازنده آن

نویسنده:

آیت الله العظمی جعفر سبحانی (دام ظله)

ناشر چاپی:

موسسه امام صادق (ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
ایمان و آثار سازنده آن ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
پیش گفتار ----- ۶
بخش نخست : دلایل توحید ----- ۸
۱- خداشناسی در انسان نهادینه است ----- ۸
۲- نظم و محاسبه در جهان آفرینش ----- ۱۵
۳- راه یابی جانداران ----- ۱۹
۴-جهان ماده آغاز و پایانی دارد ----- ۲۵
۵- پدیده حیات و کره آتشین زمین ----- ۲۷
۶-جهان هدفدار، و دخالت علم و آگاهی ----- ۲۹
۷-خاصیت ماده و نظم هدفدار ----- ۳۱
۸- برهان نظم، برهان تجربی نیست ----- ۳۴
بخش دوم : آثار سازنده ایمان به خدا از دیدگاه قرآن ----- ۳۵
آثار فردی و اجتماعی ایمان به خدا ----- ۳۵
۱- اخلاص در عمل در پرتو ایمان ----- ۳۶
۲-جانبازی و فداکاری در راه هدف ----- ۴۲
۳- محبوبیت در دل مردم ----- ۴۴
۴- اتحاد و اتفاق و همبستگی ----- ۴۶
۵- احساس مسئولیت ----- ۴۹
۶- انضباط و نظم پذیری ----- ۵۵
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۵۸

ایمان و آثار سازنده آن

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : ایمان و آثار سازنده آن/ تالیف جعفر سبحانی

مشخصات نشر : قم: موسسه امام صادق ، ۱۳۸۴

مشخصات ظاهری : ۱۷۵ص.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ دوم

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۹۳۸۵۶

پیش گفتار

پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحیم عصر بازگشت به ایمان

بروز جنگ های وحشت آور جهانی در اوائل و نیمه های قرن بیستم، که منجر به نابودی ده ها میلیون نفوس انسانی گردید، اندیشه جایگزین شدن خرد و تکنیك و یا فلسفه و تجربه را به جای مذهب و معنویت که در قرن ۱۸ و ۱۹ افکار دانشمندان مغرب زمین را به خود مشغول ساخته بود، از مغزها بیرون راند، و روشن شد که اندیشه مزبور رؤیایی بیش نبوده و هنوز دوران مذهب و معنویت سپری نگردیده است، و همین بشر متمدن و به ظاهر مؤدب، هنگام طغیان احساسات، درنده ای بیش نیست. و این صنعت و تکنیک که به آن می نازند و حقاً که شعاع قدرت او را در سطح جهان گسترش داده است، او را با یك سلسله مشکلات بغرنج و «لاینحل» روبرو ساخته است.

---------------------- صفحه ۱۲

درست است که میلیون ها بشر در اواخر هفتمین دهه قرن بیستم، با دیدگان خود در تلویزیون دیدند که انسان ماه را زیر پای خود نهاد، ولی این پیروزی نه تنها گره از کار او نگشود بلکه انسان خاکی را با مصائب و بحران های خاصی روبرو ساخت که بر هوشمندان پنهان نیست. هنگامی که دانشمندان دانشگاه (هاروارد) در یک آزمایشگاه موفق شدند که (ژن ها) را که عامل وراثت و ناقل صفات و روحیات می باشند مجزا سازند، و راه را برای ساختن انسان دلخواه باز کنند، بلافاصله اعلام کردند زیان این کار از نظر اخلاقی و سیاسی بیش از سود آن است.(۱) اصولاً مشکل عصر ماشین یکی دو تا نیست، مگر عصر ماشین توانسته است مشکل رهبری جوانان، مشکل «بیتلیسم»، «هیپیسم»، مشکل مواد مخدر، مشکل مشروبات الکلی، مشکل غوغای موسیقی های عصب کش را حل کند. آیا بشر با تجهیزات علمی و مغزهای الکترونیکی توانسته به فاجعه «خاورمیانه» و به مشکل سر در گم بیکاری فزون از حد، به موضوع گرسنگی و کمبود مواد غذایی در قسمت اعظم از جهان و ...خاتمه دهد؟ تا آنجا که رئیس جمهوری اسبق فرانسه (پمپیدو) در پیام خود به

----

۱ . کیهان، شماره ۹۳۴۵ نقل از اکسپرس.

-------------------- صفحه ۱۳

پارلمان چنین گفت: همه چیز دست به دست هم داده تا جامعه را به یک مسابقه سرگیجه آور ترقی مادی، ترقی ای که حدود آن

معلوم نیست و هیچ پاسخی به آمال قلبی بشریت نمی دهد، بکشاند.(۱) رئیس جمهوری فرانسه، نخستین کسی نیست که این حقیقت تلخ را بازگو می کند، بلکه پاره ای از نویسندگان محقق جهان مغرب به این حقیقت اعتراف کرده و می نویسند: طی دو قرن، مردم باختر گمان می کردند که فقط به مدد نبوغ بشر، می توان تمام مسائل حیات اجتماعی و فردی را حل کرد، یا دست کم در پرتو علوم تجربی و دستگاه های بزرگ فلسفی چنین امیدی را تجویز کرد. ولی شکست کلی این دستگاه های فلسفی،نتایج وحشت آور برخی از ترقیات علمی، عجز علم را از حل کامل تمام مسائل انسانی ثابت نمود، اکنون برای دنیای مغرب پس از یک بحران یأس، یک امکان باقی مانده و آن بررسی مجدد ارزش های مذهبی است.(۲) فیلسوف معروف آلمانی «امانوئل کانت» می گوید: اگر علم نتواند همه مشکلات انسانی را حل کند، اگر هیچ دستگاه مخلوق اجتماع بشری، نتواند سعادت و هماهنگی را با اطمینان تأمین کند(و همه این اگرها مسلم شده است) چگونه باید از بی نظمی ظاهری رهایی یافت، فقط یک امکان باقی است و آن این است که این اصل

---

۱ . کیهان، شماره ۹۳۴۵ نقل از اکسپرس. ۲ . حس مذهبی ترجمه مهندس بیانی، ص ۱۴.

---------------- صفحه ۱۴

عالی به عهده خارج از عالم بشری و ارضی گذارده شود، تا در نتیجه از هر گونه خدشه و انتقاد پیراسته گردد.(۱) سرخوردگی غرب از صنعت و زندگی «ماشینی» و کوتاهی و نارسایی علم از تفسیر و توضیح بسیاری از مشکلات و ترمیم بیچارگی ها ،موضوعی است که بسیاری از دانشمندان درباره آن سخن گفته و همگی اذعان دارند این گره سر در گم که در زندگی ملت مغرب زمین پیدا شده، اثر مستقیم طرد ارزش های اخلاقی و مذهبی و اخراج دین و توجه به معنویت، از صحنه زندگی و گرایش کامل به ماده و ماشین و تکنولوژی است. معنویت شرق

اکنون این مطلب کم و بیش در مطبوعات مغرب زمین منعکس است که راه و چاره منحصر برای جلوگیری از اعمال عجیب و خلاف عقل، جز توسل به معنویت شرقی چیزی نیست(۲) و باید آینده را آغاز بازگشت انسان به مذهب و خدا دانست.(۳) در میان دانشمندان شرقی، فرید وجدی مصری از افرادی است که عصر کنونی را دوران رجوع و بازگشت انسان به فطرت نامیده

---

۱ . همان . ۲ . کیهان، مورخ ۹ دی ماه ۱۳۴۸. ۳ . مجلّه فردوسی، شماره ۹۳۳.

------------------ صفحه ۱۵

می گوید: عقاید و آراء بشر در اعصار گذشته روی یکی از سه اصل استوار بود، روزگاری موهومات و افسانه ها بر افکار بشر حکومت می کرد و با پدید آمدن مکاتب فلسفی در ایران و یونان و هند عصر اوهام سپری گردید: و فلسفه جایگزین خرافات شد، تا روزی که مغرب زمین تکانی به خود داد و با کشف آلات و ادوات علمی، نوسازی عقاید بر اساس علوم و دانش آغاز یافت، ولی پس از قصور و عجز و کوتاهی دانش های مادی از گشودن بسیاری از گره ها هنگام آن رسیده است که بشر تمام آراء و عقاید و قوانین و سنن خود را بر اساس مقتضیات فطرت بنا کند و گام از آن فراتر ننهاد.(۱) این نوع اعترافات حاکی است که جهان غرب، از زندگی ماشینی به شدت سرخورده است، بار دیگر به فکر تجدید سازمان زندگی معنوی افتاده است، و در این قسمت ناچار است دست گدایی به معنویت شرق دراز کند زیرا در محیط خود جز دود و گاز، و لوله های سر به فلک کشیده کارخانه ها، و غوغای زندگی سینمایی و کاباره ای، چیز دیگر نمی بیند و لذا ناچار می شود که بگوید: «غرب باید از معنویت شرق استفاده کند و شرق تا آن جا که می تواند از صنایع غرب».(۲)

---

۱ . دایرهٔ المعارف فرید وجدی، ماده «فطر». ۲ . این جمله را یکی از دانشمندان خارجی هنگام سخنرانی پیرامون روابط فرهنگی شرق و غرب گفت، و جراید نیز نوشتند.

---------------- صفحه ۱۶

ظهور «بیتلیسم» و «هیپیسم» حاکی از یک نوع وازدگی از زندگی غربی است و می رساند که تفوق غربی ها بر ما تنها یک تفوق صنعتی است، و بر خلاف اندیشه گروهی از خودباختگان تمدن غربی، یک تفوق همه جانبه در تمام شئون زندگی نیست، حتی خود غربی ها نیز چنین تصور نمی کنند. هدف از نگارش این کتاب

انگیزه ما برای نگارش این کتاب همان دعوت به معنویت شرق و روحانیت آیین مقدس اسلام است. پایه معنویت را ایمان به خدا تشکیل می دهد و هرگز بدون اعتقاد به این «اصل» کاخ معنویت استوار نمی گردد و اصول اخلاقی، در دل ها ریشه نمی دواند. از این جهت نخستین بخش این کتاب را دلایل لزوم ایمان به خدا تشکیل می دهد و مسأله وجود صانع از طرق گوناگون و راه های مختلفی تعقیب شده و هر نوع شک و تردید را از دل شکاکان عصر که در روشن ترین مسائل تردید می کنند،می زداید. در بخش دوم به تشریح آثار و ویژگی های ایمان به خدا پرداخته شده و از میان آثار بی شمار، به تشریح قسمت ناچیزی از آنها پرداخته ایم، و آیاتی را که متکفل بیان برخی از ویژگی های ایمان به خدا است موضوع بحث قرار داده و به تحلیل آنها پرداخته ایم.

--------------------------- صفحه ۱۷

در آغاز بخش دوم یادآور شده ایم که بحث وسیع و گسترده و گردآوری تمام آیات مربوط به آثار ایمان، و تجزیه و تحلیل همه آنها به تشکیل لجنه ای نیاز دارد که بتواند در پرتو امکانات علمی و وقت وسیع خود به خوبی از عهده این کار برآید و کار ما جز ارائه نمونه از این طرح، چیزی نیست. ۱۰رجب۱۳۹۵برابر ۲۹تیرماه ۱۳۵۴ *** کتاب حاضر سی سال پیش در فضای خاصی که زنجیر بر قلم ها حکومت می کرد نگارش و انتشار یافته است. اکنون بر اثر گذشتن بیش از یک ربع قرن، با ویرایش و افزایش عناوین و مطالب گوناگون تقدیم خوانندگان گرامی می شود، امید است چراغی فرا راه جویندگان حقیقت و پویندگان راه کمال انسانی باشد. طوفان کاترینا در جنوب امریکا که در شهریورماه سال ۱۳۸۴ رخ داد و خشم دریا که به نوعی مظهر خشم الهی است با یک نوردیدن هزاران خانوار را بی خانه و آشیانه ساخت گروهی را به اعماق دریا فرستاد و گروه دیگری را در گل و لای پنهان کرد. این طوفان بار دیگر اهمیت معنویت و تأثیر شگرف ایمان را در احیای عواطف انسانی و کمک رسانی به آسیب دیدگان آشکار ساخت، زیرا مطابق گزارش خبرگزاری های جهان آسیب دیدگان طوفان کاترینا از دزدان و یغماگران

--------------------------- صفحه ۱۸

فرصت طلب منطقه بیش از خسارت طوفان متحمل ضررهای جانی و مالی شدند تو گویی نور عواطف در این منطقه به افول گراییده و روح بشر دوستی رخ بربسته است. تنها روح دینی و علایق معنوی می تواند روح بشر دوستی را در انسان پرورش دهد و انسان ها را برای نجات مصیبت زدگان اعزام دارد. از این جهت بار دیگر آثار سازنده ایمان در این حوادث به خوبی روشن می شود. قم ـ مؤسسه امام صادق (علیه السلام) جعفر سبحانی ۱۸/۷/۱۳۸۴

--------------------------- صفحه ۱۹

بخش نخست : دلایل توحید

۱– خداشناسی در انسان نهادینه است

توحید فطری ۱– خداشناسی در انسان نهادینه است

خداشناسی و توجه به جهان غیب، برای جوان بلکه برای تمام افراد بشر، از مسائل بسیار حساس و اساسی است و تمام فضایل اخلاقی و ارزش های انسانی بر این اساس استوار می باشد. درباره خداشناسی از دو راه می توان سخن گفت: ۱. راه فطرت و دل. ۲. راه برهان واستدلال. راه فطرت: منظور از راه فطرت این است که انسان بدون دلیل و برهان ، بدون این که تحت تأثیر تعلیم و یا تبلیغ کسی قرار گیرد، خود به خود به سوی خدا کشیده شود، و در این توجه و کشش عاملی جز فطرت و نهاد او نباشد. مقصود از راه دوم این است که انسان از راه دلیل و استدلال، از

-------------------- صفحه ۲۲

طریق براهین عقلی و فلسفی راهی به سوی خدا پیدا کند، و راهنمای او به سوی وجود خدا همین براهین باشد و بس. موضوع گفتار ما در این بخش، خداشناسی از راه فطرت است، درباره راه دوم بعداً سخن خواهیم گفت. برای روشن شدن معنی «فطری بودن خداشناسی» لازم است امور فطری را در امور عادی تحت یک قانون کلی باز شناخته و آنها را از هم جدا سازیم. توضیح این که: انسان مبدأ دو نوع کار است: ۱. فطری و نهادی ۲. کارهای عادی و معمولی کارهای فطری همان است که از ذات انسان سرچشمه می گیرد مانند تنفس و دفاع از خویش موقع توجه خطر، و مانند اینها. این نوع کارهای انسان، بسان لانه سازی زنبور عسل و مورچگان است که بی آن که تحت تأثیر عوامل خارج از وجود خویش قرار گیرند به شگفت انگیزترین کارها دست می زنند. مقصود از کارهای عادی، کاری است که ریشه فطری ندارند و بشر در پرتو عوامل خارج از ذات خویش، توان انجام آنها را دارد. اکنون برای روشن شدن کارهای فطری مثال هایی مطرح می کنیم: ۱. حس جنسی و تمایل دو جنس مخالف به یکدیگر، از امور فطری است که در تمام افراد سالم در سنین خاصی جلوه می کند، و

-------------------- صفحه ۲۳

تمام انسان ها بدون استثناء در این فصل از عمر، به ازدواج و آمیزش جنسی میل پیدا می نمایند، بی آن که کسی آنها را به این کار دعوت کند. ۲. علاقه به منصب و موقعیت های اجتماعی از جمله امور فطری است که از نهاد انسان سرچشمه می گیرد، و حکومت و فرمانروایی بر مردم، چیزی نیست که انسانی آن را نخواهد، و یا نیاز به تعلیم و آموزش و تذکر و یادآوری داشته باشد. ۳. علاقه به ثروت و گردآوری مال، از امور فطری و سرشت انسان است، و هیچ گاه انسان از جمع ثروت خسته و ناتوان نمی گردد تو گویی سرشت او با دنیا خواهی خمیر گردیده است. در برابر این امور یک رشته امور عادی داریم که پیوسته در حال تغییر و دگرگونی است مثلاً هر گاه اصل پوشش برای بشر امر فطری، باشد ولی کیفیت و فرم لباس هیچ گاه امر نهادی نیست برای همین جهت شکل لباس در میان ملت ها مختلف است و اکنون روابط ملل جهان با یکدیگر تشدید یافته است مدل لباس در هر سال در غالب نقاط جهان، عوض شده، و فرم های جدیدی جایگزین فرم پیشین می گردد. آرایش زنان و دختران، دکوراسیون خانه، و مغازه و فروشگاه ها و تماشاخانه ها در هر سال دستخوش دگرگونی است، و هر ملتی برای

-------------------- صفحه ۲۴

خود شیوه نوی را انتخاب می کند. با توجه به مثال هایی که برای هر دو نوع بیان شد، می توان امور فطری را با علائم زیر از امور عادی و معمولی تمیز داد: ضوابط چهارگانه برای امور فطری

۱. کارهای فطری چون ریشه انسانی دارد گسترده و عمومی است، و هیچ انسانی فاقد آنها نخواهد بود. ۲. امور فطری به رهبری فطرت انجام می گیرند، و نیازی به تعلیم و تعلم ندارند. ۳. هر فکر و عملی که ریشه فطری دارد تحت تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی قرار نمی گیرد، و شعاع کار آن، از این عوامل دور است. ۴. تبلیغات پی گیر بر ضد فطرت، ممکن است از نمو و رشد آن بکاهد، ولی هرگز آن را ریشه کن نمی سازد، و تأثیر تبلیغات بر خلاف آن، به کندی صورت می گیرد ولی امور عادی در این قسمت ها درست در نقطه مقابل امور فطری قرار می گیرند. اکنون باید دید حس مذهبی و خداجویی واجد این ضوابط می باشد یا

نه، اینک در این باره به طور فشرده بحث و گفتگو می کنیم:

------------------ صفحه ۲۵

۱. حس خداجویی حس عمومی وجهانی است

حس خداشناسی و تمایل به ماوراء طبیعت، به زمان و یا نقطه خاصی از جهان اختصاص ندارد، بلکه به گواهی تاریخ و آثار باستانی که از اقوام و ملل مختلف جهان اعم از متمدن و وحشی به دست آمده است، اعتقاد به خدا و مبدأ جهان، پیوسته در میان تمام ملل، به صورت یک اندیشه زنده وجود داشته است و در حفاری ها و کاوش هایی که به وسیله دانشمندان باستان شناس برای آگاهی از طرز زندگی و پایه تمدن و افکار و عقاید اقوام گذشته انجام گرفته است، مجسمه ها و علایم و خطوط، گواهی می دهند، که آنان دارای معابدی بوده اند که در آن نقاط به عبادت معبودهای خود می پرداخته اند و گروهی از آنها بت ها را به عنوان معبود، می پرستیدند و به قول دانشمند مصری «فرید وجدی»: نتیجه کاوش در طبقات زمین می رساند که وثنیت و بت پرستی از روشن ترین و بارزترین ادراکات بشر بوده تو گویی اعتقاد به مبدأ همراه با پیدایش بشر به وجود آمده است.(۱) حس دینی هم اکنون در میان ملل متمدن جهان یک حس طبیعی است که دارای تجلیات خاصی می باشد به طوری که الآن قسمت مهمی از روی زمین را معابد و کلیساها و مساجد اشغال کرده است،

----

۱ . دایرةُ المعارف، ماده «وثن». البته بت پرستی، انحرافی از یگانه پرستی بوده است.

------------------ صفحه ۲۶

و ندای «اللّه اکبر» در روزهای جمعه از گلدسته های مساجد مسلمانان و زنگ ناقوس کلیساها در روزهای یک شنبه به گوش همه جهانیان می رسد و اگر با هواپیما از فراز قاره های مختلف جهان عبور کنیم، تجلیات این حس را هم در میان غنی ترین کشورهای جهان، و هم در میان فقیرترین و عقب مانده ترین ملل عالم، با دیدگان خود مشاهده می نماییم. آیا یک چنین اندیشه و احساس جهانی در تمام اعصار و قرون در میان تمام ملل جهان از غنی و فقیر، نشانه فطری بودن نیست؟ گذشته از این هر فرد منصفی بدون توجه به مسائل سیاسی و فلسفی، حتی گفته های خداپرستان و مادی ها در موقع گرفتاری و بیچارگی در اعماق دل خود احساس می کند که به طور ناخودآگاه به سوی یک نیروی مرموز مافوق الطبیعه، به سوی یک قدرت ازلی و ابدی، قدرتی که می تواند نیازمندی و بیچارگی او را برطرف سازد، کشیده می شود، و بی اختیار از او استمداد می طلبد. ۲. فطرت انسان، بهترین راهنماست حس خداجویی بسان سایر احساسات درونی، بدون تعلیم و رهبری کسی در درون انسان بیدار می شود همان طور که انسان در اوقات خاصی از عمر به یک سلسله از مسائل مانند منصب و مقام،

------------------ صفحه ۲۷

ثروت و پول، زیبایی و امور جنسی توجه پیدا می کند و توجه به این امور به طور ناخودآگاه بدون تعلیم کسی در باطن آنها پیدا می شود، همچنین خداجویی در انسان در آستانه بلوغ نمایان تر و آشکارتر می شود، تا آنجایی که همه روان شناسان در این مطلب متفقند که میان «بحران تکلیف» و «جهش ناگهانی احساسات مذهبی» ارتباطی وجود دارد. در این اوقات یک نوع نهضت مذهبی حتی نزد کسانی دیده می شود که قبل از آن به مسائل مربوط به مذهب و ایمان «لاقید» بوده اند و در سنین بعد نیز دوباره «لاقید» و بی اعتنا می شوند. طبق نظر (استانلی هال) حداکثر این احساسات در حدود۱۶سالگی پیدا می شود. در نزد کسانی که در دوران کودکی تعلیم و تربیت مذهبی داشته اند(۱) چنین نهضت ناگهانی وجود ندارد.(۲) پیدایش ناگهانی میل به مذهب بدون تعلیم و توجه دادن، نشانه فطری بودن آن است و می رساند که این حس بسان احساسات دیگر انسان، در شرایط خاصی از قوه به فعلیت می رسد، و به صورت یک امر ناگهانی بیدار می شود، ولی از یک نکته نباید غفلت نمود که اگر مراقبت های صحیحی از این حس و

یا احساسات دیگر به عمل نیاید

----

۱ . لابـد مقصود این است که این حس برای آنـان تـازگی نـدارد و آن را دنبـاله تعلیمات مـذهبی سابق تلقی می کننـد. ۲ . چه می دانم؟، بلوغ، ص ۱۱۹ـ ۱۱۸، ترجمه حسن صفاری.

----------------- صفحه ۲۸

به طور حتم یک سلسـله انحرافات در آن پدیـد می آیـد. آری گاهی توجه زیاد به لذایذ مادی سـبب می شود که حس خداخواهی کم فروغ گردد، ولی در مواقع شدایـد و مصـایب زنگ و غبار از روی این حس زدوده شـده و حس خـدایابی به صورت یک حس زنده بر روح و روان انسان حکومت می کند، هواپیمایی که سـینه فضا را می شکافد، در مواقعی که دچار حوادث می گردد و مانند پر کاهی از این سو به آن سو پرتاب می گردد، و مهماندار هواپیما با رنگ پریده دسـتور بستن کمربندها را به مسافران می دهد، در این موقع کلیه مسافران با داشـتن عقایـد و مـذاهب مختلف به سوی خـدا توجه نموده و هر فردی در انتظار مدد غیبی به سـر می برد. قرآن مجیـد درباره مسافران دریایی که با خطر غرق روبرو می گردند چنین می فرماید: هنگامی که در کشتی قرار می گیرند خدا را بـا اخلاـص کامـل می خواننـد، وقتی خداونـد آنـان را به ساحـل نجـات رسانیـد بار دیگر خـدا را فراموش کرده و راه شـرک را می پیمایند.(۱) آری هنگـامی که کشتی در کـام امواج دریـا قرار می گیرد و امواج کوه پیکر آب، کشتی را احـاطه می کنـد و شکسـته شدن کشتی قطعی به نظر می رسد، در این موقع ناپاک ترین افراد، ملحدترین اشخاص که

----

۱ . (فَإِذا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُ اللّه مُخْلِصـينَ لَهُ الدِّين فَلَمّا نَجاهُمْ إِلى البرّ إِذا هُمْ يشـرِكُون)(عنکبوت، آیه۶۵):«هنگامی که بر کشتی بنشینند خدا را با کمال اخلاص می خوانند، وقتی که آنان را نجات داد، همگی شرک میورزند».

----------------- صفحه ۲۹

توجه به امور مادی همواره آنها را از یاد خـدا غافل کرده است از صـمیم دل، متوجه خـدا می گردنـد. تنها حس خدایابی نیست که گاهی بی فروغ و یا کم فروغ گردد بلکه توجه بیش از حد به یک حس، حس دیگر را تحت الشـعاع خود قرار می دهد. بشـر همان طور که حس خـداجویی دارد حس ثروت اندوزی نیز دارد، چنان که حس جنسـی نیز در نهاد او نهفته است، ناگفته پیداست اعمال یـک حس بـه صـورت بییش از حـد، سـبب می شـود، کـه احساسـات دیگر تحـت الشـعاع قرار گیرنـد، و از هر نـوع جلـوه گری و خودنمایی باز بماننـد. چه بسا در طول زنـدگی افرادی را دیده ایم که دوره ای از عمر خود به انکار خدا و نفی ماوراء طبیعت تظاهر می کنند ولی همین افراد در مواقع بیچارگی دست به دامن خدا می شوند. حتی گاهی همین افراد ناخودآگاه در مقالات و نوشته ها و سـخنرانی ها و کنفرانس ها به گونه ای حس خداجویی خود را نشان می دهند. مثلاً دانشـمندی که می گوید: «طبیعت برای انسان دو کلیه آفریـده است تـا اگر یکی از کـار افتـاد از دیگری به عنـوان زاپـاس اسـتفاده شود» همین شـخص ناخودآگـاه به وجود خـدا اعتراف می کنـد، زیرا او بـا این عبـارت به طور صـریح می رسانـد که بر این جهـان وبالأـخص خلقت انسـان انـدیشه و فکر عظیمی حکومت می کند، به طوری که از نحوه فعالیت کلیه و مقدار فرسودگی آن کاملاً آگاه بوده است. از این جهت

----------------- صفحه ۳۰

فرسودگی کلیه را پیش بینی کرده و آن را جفت آفریده است. آیا یک چنین فکر و یک چنین طرح و نقشه از طبیعت کور و کر، از ماده بی عقل و بی شعور که به صورت اتم های بی شـمار در این جهان موجودند، ساخته است؟! بنابراین، دانشمند یاد شده به جای این که بگویـد «خـدا» لفـظ «طبیعت» را به کار برده است، ولی در حقیقت فعل خـدا را در ظاهر به طبیعت نسـبت می دهـد. ۳. حس مذهبی مولود عوامل مادّی نیست...

از این که مـا می بینیم حس خـداجویی در تمـام نقـاط گیتی و در همه اعصار وجود داشـته است نتیجه می گیریم که این حس یک ندای باطنی است و محرکی جز فطرت ندارد، زیرا اگر مولود شـرایط جغرافیایی و یا عامل دیگری بود، باید در یک قسمت از جهان و در یک قشـر از مردم که شـرایط واحـدی از نظر اقتصادی و سیاسـی دارند، وجود داشـته باشد، در صورتی که کاملاً عکس آن را مشاهده می کنیم، ولی باید توجه داشت که فطری بودن یک حس دلیل بر آن نیست که همواره تجلی بخش باشد و در همه شرایط مورد توجه قرار گیرد، چه بسـا ممکن است علاـقه انسـان به جـاه و مقام و سـر گرمی های خوش زنـدگی، او را از بسـیاری از فضائل اخلاقی و امور فطری که همگی سرچشمه درونی دارند غافل سازد، اصولاً امور فطری انسان

------------------- صفحه ۳۱

منحصـر به خداخواهی نیست بلکه غیر از آن، انسان دارای غرایز ذاتی و طبیعی دیگری است و توجه بیشتر به اعمال یک غریزه، طبعاً انسـان را از دیگری بـاز می دارد. شـما ملاـحظه بفرماییـد: کنجکاوی و کشف رازهای نهفته طبیعت از امور فطری انسان است، و هر فردی به تحقیق و کاوش علمی در امور گوناگون، علاقه فطری دارد. ولی به طور مسـلم این شـعور باطنی در هر محیطی شکوفا نمی گردد، بلکه این حس در محیط مناسب و با وجود دوسـتان همفکر به طور فطری انجام وظیفه می کند، در شـرایط نامناسب آن چنان خاموش و آرام می شود که چه بسا اگر شـرایط نامناسب ادامه یابد، خود این حس به دست فراموشی سپرده می شود، همچنین است علاقه به همسـر و ازدواج و یا گرایش به کسب مال و مقام که مورد علاقه انسانند، و همگی ریشه فطری دارند، ولی در هر شـرایطی قدرت رشد و نمو ندارند، چه بسا اشباع یکی از این غرایز، موجب فراموشی بقیه می گردد. حس خداجویی نیز بسان این امور است، چه بسا سـر گرمی ها و ماده پرستی، غرق شـدن در شـهوات و توجه به لذایـذ سـبب می شود که انسان از برخی از اموری که به طور طبیعی به آنها علاقه منـد است غفلت ورزد، چه بسا انسان در مواقع خاصـی گرسـنگی و تشـنگی و تمایلات جنسـی خود را فراموش می کند، تا وقتی که عوامل فراموشی که پرده نسیان بر روی فطرت و غریزه افکنده اند از بین بروند، فطرت

------------------- صفحه ۳۲

خود را نشان می دهد. میان امور معنوی مانند توجه به خداوند و به کار بسـتن اصول اخلاقی و غرق شدن در تمایلات نفسانی تضادّ وجود دارد، و اگر کفه تمایلات نفسانی به قـدری سـنگینی کنـد، که همه محیط روح و روان ما را فرا گیرد، دیگر مجالی برای سایر تمایلات فطری باقی نمی مانـد. مصائب و شدایـد از عوامل تکان دهنـده ای هسـتند که انسان غفلت زده را از خواب سـنگین مادیت بیـدار می کنـد و هر نوع زنگی را که برصـفحه دل نشسـته است پاک نموده و محیط را برای تجلی فطرت (توجه به خـدا) آماده می سازد و لـذا افراد غافل در شداید و هنگام فشار و سـختی، به یاد خدا افتاده و صـمیمانه متوجه او می گردند. درست است گروهی از مردم فقـط هنگـام ترس و فشـار به سوی خـدا متوجه می گردنـد، ولی در برابر آنـان بزرگانی هسـتند که برای توجه و احساس دینی آنـان وقت معینی نیست،تو گویی ریشه هـای قلوب آنـان بـا جهـان ابـدیت پیونـد دارد و درک این مطلب برای کسـانی که احساس مـذهبی آنان به عللی کم فروغ گردیـده تا حدی مشـکل است و به قول «آلبرت انیشـتن» من آن را احساس مذهبی آفرینش یا وجود می دانم ـ بسـیار مشکل است که این احسـاس را برای کسـی که کاملاً فاقـد آن است توضیـح دهم... در این مـذهب، فرد کوچکی آمال و

------------------- صفحه ۳۳

هدف های بشر، و عظمت و جلالی که در ماوراء امور و پدیده ها در طبیعت تظاهر می نماید، را حس می کند.(۱) انسان سرگرم به لذایـد و غافل از خدا، بسان کودک بازی گوشـی است که سـرگرم بازی می شود و از پدر و یا مادر مهربان خود که در همه کانون وجود او جـای دارنـد، غفلت میورزد، امّـا همین که اتفـاق بـدی برای او رخ می دهـد، فوراً به یـاد آنهـا افتاده و از آنها اسـتمداد می جویـد. وقتی که بشـر زنـدگی بسـیار مرفهی پیـدا کرد اشـتغالات روزانه او را از توجه به عـالم دیگر بـاز می دارد، ولی ناگاه با بروز

حادثه ای که می خواهد آهنگ یک نواخت زندگی را قطع کند، و خود را برابر آن عاجز و ناتوان می یابد ـ در این لحظه ـ واکنشی در روح او پدید می آید، که او را به جهانی برتر و نیرویی عظیم توجه می دهد. از این نظر هنگام هجوم بلا، موقع طوفانی بودن دریا، احتمال سقوط هواپیما و یا لحظه یأس و نومیدی از بهبودی، تمام افراد بشر اعم از الهی و مادی، به یاد خدا افتاده و از آن مقام عظیم استمداد می طلبند، تو گویی فشار و رنج و بلا، زنگار قلوب را پاک کرده و حس خداجویی در حالی که به وسیله رنج و درد صیقلی شده است در دل آنها بیدار می شود.

---

۱ . دنیایی که من می بینم، ص ۵۶.

---------------- صفحه ۳۴

۴. تبلیغات مخالف آن را ریشه کن نمی سازد

در میان ملل و اقوام جهان افرادی پیدا می شوند که بر اثر ریاضت های شاق می توانند از نمو و رشد یک حس درونی بکاهند، مثلاً میل جنسی، یک ندای فطری و باطنی است ولی تارکان دنیای مسیحی، و مرتاضان هند، با تحمل رنج ها از قدرت این حس به قدری می کاهند که کمتر به فکر مسائل جنسی می افتند ولی همین افراد اگر در شرایط دیگری قرار گیرند، این حس خفته بار دیگر در آنها بیدار شده و شروع به فعالیت می نماید. بنابراین معنی فطری بودن یک مسأله این نیست که در هر شرایطی جلوه کند بلکه کلیه نداهای فطری در صورتی تجلی می کنند که حجابی در برابر آنها قرار نگیرد. ما که می گوییم توحید و حس خداجویی از امور درونی و باطنی است نه به آن معنی است که هیچ عاملی از قبیل تبلیغات و محیط در شدت و ضعف آن مؤثر نیست بلکه برای بروز این حس، بسان سایر احساسات زمینه های مساعدی لازم است که برای جلوه فطرت در آن شرایط مانعی نباشد. شکی نیست که تبلیغات از رشد و نمو بسیاری از نداهای درونی می کاهد، ولی ریشه آن را نمی سوزاند حتی در اوج قدرت مارکسیسم که قدرت آن بر یک سوم از مردم جهان سایه افکنده بود و گروهی

---------------- صفحه ۳۵

می کوشیدند که حس مذهبی را در اقوام و مللی نابود سازند مع الوصف موفقیت آنها در این مبارزه ناچیز بود و نتوانستند قلوب توده ها را از این حس خالی کنند. با این که تاکنون پنجاه و چهار سال از انقلاب کمونیستی در جماهیر شوروی می گذرد(۱) هنوز حس مذهبی و مذهب خواهی و توجه به معنویت قدرت خود را در اعماق قلوب بسیاری از مردم شوروی سابق حفظ کرده است و برای همین جهت در اواخر عمر رژیم بلشویکی به مسیحیان و مسلمانان تا حدودی آزادی داده شده بود که تحت شرایطی مراسم مذهبی را برگزار کنند. بسیار مناسب است کلماتی از دانشمندان و پی افکنان علوم درباره حس خدایابی بشر نقل شود. دانشمند موشکی آمریکا آقای «فون برون» که او را پدر علوم موشکی امریکا می نامند و او بود که با قدرت علمی خود و سیستم موشکی خاص خویش توانست سفینه های فضایی را در کرات آسمانی پیاده کند، ضمن مصاحبه جالبی که اخیراً با او به عمل آمد، درباره خداشناسی چنین گفت:«خوب گوش کنید من با بسیاری از دانشمندان جهان آشنا شده ام و تعداد زیادی از آنان را می شناسم ولی

---

۱ . حکومت تزار با انقلاب هواداران مکتب کمونیسم در اکتبر ۱۹۱۷ درهم پیچیده شد. رقم بالاـ مربوط به دوران نگارش کتاب است، ولی با فروپاشی شوروی، و بازگشت به سرمایه داری، انقلاب دیگری جای انقلاب اکتبر را گرفت.

---------------- صفحه ۳۶

هرگز به دانشمندی برخورد نکرده ام که شایستگی عنوان دانشمند را داشته باشد و بتواند طبیعت را توجیه و تفسیر کند بی آن که پای خدا را به میان آورد و به نحوی از انحاء دخالت خداوند را در جهان آفرینش و آنچه که دانشمندان با کلمه طبیعت از آن نام

می برنـد، نادیـده انگارد. علم در جسـتجوی درک آفریـدگار است و هیـچ کس نمی توانـد کاری بکنـد جز این که در صدد درک خالق باشد، دانشمندی که تصور می کند جز این کاری بکند باید خیلی بیچاره و درمانده باشد، دانشمندی که فقط به تماس سطحی با مسائل اکتفاء می کنـد و به عمق آن نظر نمی افکند آدم بدبختی است من شـخصاً سـعی می کنم همیشه به عمق نگاه کنم و با آن عمق چیزهـا را خوب ببینم».(۱) دکتر الکسـیس کـارل می گویـد: «احساس عرفانی جنبشـی است که از اعماق فطرت سرچشـمه می گیرد در حقیقت یک غریزه اصـلی انسانی است همان طور که انسان به آب و اکسـیژن نیاز دارد، به اعتقاد به خدا نیز نیازمند است». پاسـکال می گویـد: «به وجود خداونـد دل گواهی می دهـد نه عقـل، وایمان از این راه به دست می آیـد». ویل دورانت می گویـد: «ایمان امری طبیعی است و مستقیماً زاییده نیازمندی های غریزی و احساساتی ما است».

----

۱ . کیهان شماره ۷۶۸۱، صفحه ۶.

-----------------صفحه ۳۷

مجموع این بیانـات روشن نمود که در روح انسـانی بعـدی به نام حس خـداجویی و خـداخواهی هست و تمام افراد بشـر به مقتضای سرشت خویش خواه نـاخواه به سوی آن کشـیده می شونـد، از آن جـا که یک چنین توجه، امری غریزی و فطری است و عاملی جز نهاد انسان نـدارد، هر نوع جذبه و کشـش محصول آن می باشد. یک چنین ایمان را که به قوانین علمی و اسـتدلالات فنی و فلسـفی متکی نیست، توحیـدفطری می نامنـد و حسـاب آن بـا توحیـد اسـتدلالی که بر دلایل عقلی و علمی اسـتوار است جـدا است اگر چه بسـیاری از دانشـمندان میان این دو نوع توحید چندان فرقی نمی گذارند. توحیدی فطری و کشیده شدن بشر به سوی خدا آن هم به صورت ناخودآگـاه، بسـان میـل کودک و علاـقه او به پسـتان مـادر است که بی اختیـار به سوی آن کشـیده می شود و هنگـامی که کودک گریه می کنـد نمی دانـد گمشـده او چیست امّـا خواه نـاخواه دنبـال این گمشـده می گردد تا به آن برسـد و به قول مولوی: همچو میـل کودکان با مـادران *** سرّ میـل خـود نـدانـند در لبـان همچو میـل مفـرط هر نو مـریـد *** سـوی آن پیـر جـوانبخت مجیـد اینجا از تذکر نکته ای ناگزیریم و آن این که تمام ملل جهان با

-----------------صفحه ۳۸

عقاید گوناگونی که دارند همگی به دنبال خدا هسـتند. چیزی که هست، گروهی بر اثر راهنمایی عقل و پیامبران الهی خدای واقعی را از خـدا نمایـان تمیز می دهنـد، ولی گروهی بر اثر جهـل و نـادانی بت را به جـای خـدای واقعی می پذیرنـد و به قول حافظ «چو ندیدند حقیقت ره افسانه زدند». اگر یک رهبر آسـمانی به زبان تمام افراد بشر آشنا باشد می تواند به همه این اختلافات خاتمه دهد و همه را به سوی خـدای واحـد بخوانـد و بگویـد همه شـما دنبال یک مقصود و یک مرام هستید چیزی که کعبه دل شـما و معشوق قلب شـما است. این بت و این جرم آسـمانی نیست، بلکه گمشده شـما همان خدای جهان است که آفریدگار هر دو می باشد و نزاع شماها درباره معبود بسان نزاع آن چهار نفر است که همگی می خواسـتند که با یک درهم یک چیز بخرنـد. چون زبان یکـدیگر را نمی دانسـتند و هر کدام تصور می کرد که مطلوب وی غیر از خواسـته آن سه نفر دیگر است پس به جنگ و نزاع برخاسـته و مشت هـا را برای هم گره می کردنـد. مولوی این حقیقت را در قـالب داسـتانی ریخته می گویـد: چارکس را داد مردی یک درم *** هر یکی از شهری افتاده به هم ***

-----------------صفحه ۳۹

فارسـی و ترک و رومی و عرب *** جمله با هم در نزاع و در غضب فارسی گفتا از این من وارهیم *** هم بیا کاین را به انگوری دهیم آن عرب گفتـا معـاذ اللّه لاـ *** من عنب خواهم نه انگور ای دغا آن یکی کز ترک بود گفت ای گزم *** من نمی خواهم عنب خواهم ازوم در تنـازع مشت بر هم می زدنـد *** که ز سـر نام ها غافل بدنـد مشت بر هم می زدنـد از ابلهی *** پر بدنـد از

جهل، وزدانش تهی صاحب سری عزیزی صد زبان *** گر بدی آنجا، بدادی صلحشان پس بگفتی او که من ز این یک درم *** آرزوی جمله تان را می خرم(۱) این خلاصه گفتار ما بود درباره توحید فطری و احساس قلبی بشر نسبت به آفریدگار جهان.

----

۱ . مثنوی، دفتر دوم، ص ۱۹۶ـ ۱۹۵. صفحه ۴۰

۲- نظم و محاسبه در جهان آفرینش

توحید استدلالی

۲- نظم و محاسبه در جهان آفرینش

روشن ترین و همگانی ترین راه برای اثبات صانع، وجود نظم در جهان آفرینش می باشد.همان طور که وجود اثر، گواه بر وجود مؤثر است، همچنین صفات آن، دلیل و راهنما بر صفات مؤثر می باشد. مثلاً: اگر وجود اتومبیل گواه بر وجود سازنده آن است، همچنین خصوصیات و نظام صنعتی آن، شاهد زنده بر اطلاعات وسیع سازنده آن از علوم مربوط به اتومبیل سازی است. این خصوصیات نه تنها ما را به سازنده آن رهبری می کنند بلکه گواهی می دهند که پدید آرنده های این مصنوع، از علوم ریاضی و طبیعی و یا فرهنگی و هنری کاملاً آگاه بوده، و در پرتو عقل و اندیشه دست بر آفرینش چنین آثاری زده اند.

----------------- صفحه ۴۱

توضیح این که: در جهان دو نوع فاعل داریم: ۱. فاعل عاقل و خردمند که تمام کارهای خود را از روی نقشه و فکر انجام می دهد، قطعاً مصنوع یک چنین صانع، از نظم و انتظام برخوردار بوده، و همه کارهای او حساب شده خواهد بود. ۲. فاعل فاقد شعور به نام «تصادف»، اثر یک چنین فاعل طبعاً فاقد نظم و نقشه خواهد بود. مثلاً: هرگاه یک میلیون تن مصالح ساختمانی را در اختیار مهندس قرا دهیم اثر کار او ساختمان چند طبقه ای خواهد بود که همه چیز آن تنظیم شده و هر چیزی از آن در جایگاه خود قرار خواهد داشت. اگر همین مصالح در اختیار سیل و یا انفجارهای اتمی و یا زلزله قرار گیرد جز هرج و مرج و نفله شدن مصالح، نتیجه دیگری نخواهد داشت. مطالعه جهان آفرینش ما را به نظم دقیق و بسیار حساب شده ای رهبری می کند، نظمی که مطالعه دقیق یک ذره ناچیز آن، به نام اتم و سلول نیاز به تخصص و تحصیل سالیان دراز دارد. هنوز بشر با این قدرت چشم گیر علمی به رموز نهفته در واحد حیات (سلول) دست نیافته است و قسمتی از اسرار آن زیر پرده جهل انسانی نهفته می باشد.

----------------- صفحه ۴۲

در بدن انسان میلیاردها سلول زنده که هر کدام با نظام پیچیده ای آفریده شده اند وجود دارد، و هر یک به تنهایی می تواند ما را به وجود صانع دانا و توانا رهبری نماید، در این صورت به تعداد سلول های بدن هر انسان، دلیل بر وجود صانع عالم و دانا داریم. تعداد سلول های بدن یک انسان، متجاوز از سه میلیارد است. از ساختمان سلول بگذریم، هر یک از اعضاء مختلف بدن انسان با نظم و نقشه بس عجیبی آفریده شده که آشنایی به خصوصیت هر یک از اعضاء مانند قلب، کبد، چشم و گوش و دیگر اعضاء نیاز به تخصص در آن رشته دارد و هرگز نمی توان گفت که این نظامات معلول تصادف و انفجار ماده نخستین بوده است. اگر در محیط خارج از حوزه بدن خود، به مطالعه و بررسی بپردازیم پی می بریم که نظامات عجیب جهان بالا، یعنی منظومه شمسی و کهکشانی که منظومه ما جزء ناچیزی از آن است، با یک نظم حیرت زا و حرکات منظم و فواصل حساب شده و دیگر مسائل مربوط به اوضاع فلکی اداره می شوند، که هرگز احتمال این که این نظامات، مخلوق تصادف و انفجار ماده نخست بوده، در نظر انسان جز افسانه چیز دیگری نخواهد بود. فواصل خورشید در منظومه ما (منظومه شمسی) با سیاراتی که دور آن می چرخند آن چنان حساب شده است که اگر فاصله آنها به

------------------ صفحه ۴۳

غیر این صورت بود، یعنی کمتر یا زیادتر بود، نظم منظومه دستخوش اختلال می گردید، یا سیارات از خورشید جدا شده به نقطه بس دوری پرت می شدند و یا این که بر اثر نزدیکی سیارات به خورشید تحت تأثیر جاذبه آن قرار گرفته، و با آن برخورد می کردند. از نظامات جهان بالا بگذریم ساختمان هر گل و گیاهی و یا نهال و درختی، به قدری منظم و حساب شده است که حیرت و تعجب هر گیاه شناسی را برمی انگیزد، دستگاه تغذیه و لوله کشی هر یک از گیاهان، آن چنان روی برنامه است که آب و هوا و غذا به تمام نقاط گیاه و درخت می رسد بدون این که در این میان جزئی از درخت به حقوق اجزاء دیگر دست اجحاف دراز کند. مهم تر از همه نظام «تلقیح» آنها است که حیرت انسان را برانگیخته و انسان بی اختیار انگشت تعجب به دندان می گیرد. نظامی که بر مطلق جانداران حکومت می کند و همچنین تناسب ساختمان بدنی هر جانداری با نحوه زندگی و محیط زیست آن، گواه بر مداخله عقل و تدبیر در خلقت آنها است. هر قلبی که در سینه جانداری می تپد، خود گواه بر نظارت خالقی دانا و توانا بر آفرینش آنها است از این جهت به تعداد قلب هایی که در سینه های جانداران می تپند، دلیل بر وجود خدای دانا و توانا داریم. هرگاه پیوند قلب به علم و دانش و قدرت و توانایی نیاز دارد،

------------------ صفحه ۴۴

ساختن خود قلب و به کار انداختن آن قطعاً به علم و قدرت بیشتری نیاز خواهد داشت. شگفت این جا است که ما هرگز باور نمی کنیم که عمل پیوند قلب خود به خود انجام بگیرد و یا معلول تصادف باشد بلکه می گوییم این کار باید زیر نظر تیم پزشکی متخصص عمل جراحی قلب، صورت بپذیرد ـ مع الوصف ـ چگونه احتمال می دهیم که ساختمان قلب تمام این جانداران از نخستین روز تاکنون معلول تصادف کور و کر بوده، و هرگز روی نقشه و برنامه انجام نگرفته است. هر رشته ای از رشته های علوم طبیعی متکفل بیان نظم و قوانین ثابت و استوار جهان آفرینش است در این صورت به تعداد فرمول های علمی و قوانین ثابت شده جهان گواه بر وجود خدای عالم و دانا داریم. علوم طبیعی بسان سکه دو رویه است یک طرف آن از قوانین جاری و حاکم در عالم آفرینش سخن می گوید، طرف دیگر آن ما را به خدای جهان که با علم نامتناهی و قدرت نامحدود خود به ماده نخست سر و صورت و نظم و نظام بخشیده است، رهبری می نماید. روشن ترین و همگانی ترین دلیل بر وجود خدای جهان برهان «نظام» در جهان آفرینش است از این نظر، در قرآن مجید و احادیث پیشوایان معصوم روی این دلیل بیش از دلایل دیگر تکیه شده و

------------------ صفحه ۴۵

بسیاری از ریزه کاری های جهان خلقت را تشریح کرده است. مفضل بن عمر از شاگردان برجسته امام صادق(علیه السلام) است. وی روزی مذاکره «ابن ابی العوجاء» (مادی دوران خود) را با فردی از همفکرانش در کنار قبر پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم)، شنید و از جمله سخنان او این بود: جهان بدون صانع و سازنده و تدبیر و اندیشه ای پدید آمده و این نظام و صورتگری همگی خاصیت ذاتی خود ماده است بدون این که تدبیری در میان باشد.(۱) مفضل از این جریان و این که کفر و الحاد به مرکز اسلام و محل نزول وحی راه یافته است سخت متأثر شد و پس از انتقاد کوتاهی از منطق «ابن ابی العوجاء» فوراً حضور امام صادق(علیه السلام) رسید و او را از آنچه دیده و شنیده بود آگاه ساخت. امام به وی وعده داد که با تشریح نظام خلقت و اسرار آفرینش، و شک را از دل او بزداید، از این جهت دستور داد: فردا صبح هر چه زودتر با امام ملاقات کند. مفضل می گوید: من از شوق در پوست نمی گنجیدم و دقیقه شماری می کردم که فجر صادق طلوع کند و آفتاب بالا آید تا حضور امام شرفیاب گردم. من برای این که سخنان امام را به خوبی ضبط کنم قلم و کاغذی همراه خود برده و چهار روز متوالی در اتاق خلوتی مجموع املاهای

----

۱ . انّ ذلک باهمال لا صنعهٔ فیه ولا تقدیر ولا صانع ولا مدبر بل الأشیاء تتکون من ذاتها بلا مدبر وعلی هذا کانت الدنیا لم تزل ولا

تزال. بحار، ج۳، ص ۵۷.

---------------- صفحه ۴۶

امام را شنیده و ضبط نمودم و به صورت کتابی درآوردم.(۱) امام(علیه السلام) در این چهار مجلس تنها روی برهان نظم تکیه کرده و قسمتی از اسرار جهان آفرینش و نظام شگرف عالم را تشریح کرده و نتیجه گرفته است که یک چنین نظامات دقیق بدون صانع مدبر که از روی نقشه و برنامه اساس خلقت را پی ریزی کند، امکان پذیر نیست. *** ما درباره برهان نظم بیش از این سخن نمی گوییم زیرا هر رشته ای از علوم طبیعی ما را به دریای بی کران نظم رهبری کرده و عقل و خرد نیز گواهی می دهند که یک میلیاردم نظم گیتی نمی تواند معلول تصادف و انفجار ماده نخستین باشد. فرض کنید وارد اتاقی می شویم و می بینیم که یک فرمول ریاضی و یا شیمی روی تخته سیاه به دقت نوشته شده است و اعداد و علایم به نظم خاصی کنار یکدیگر قرار گرفته اند. آیا هیچ عاقلی احتمال می دهد که صورت مسئله و یا فرمول های ریاضی به وسیله کودک خردسالی که بهره ای از خواندن و نوشتن ندارد، به طور تصادف و در حالت بازی با گچ، بر روی تخته سیاه نوشته شده است.

----

۱. توحید مفضل که بزرگ ترین کتاب توحیدی عصر حضرت صادق(علیه السلام) است و همه این مباحث را در چهار جلسه املاء کرده و مفضل نوشته است. در بحارالأنوار درج شده است، به ج۳، ص ۷۵ـ ۱۵۱ مراجعه شود.

---------------- صفحه ۴۷

هرگاه «خودرو» زیر پای خود را اوراق کنیم و تمام ابزار و لوازم آن را در میان بشکه بسیار بزرگی بریزیم و هزاران مرتبه آن را تکان دهیم آیا احتمال می دهیم که هر یک از آن ابزار گوناگون، در جای خود قرار گرفته و به صورت یک «خودرو» صحیح و یا نیمه صحیح درآید. یک ماشین حساب که در مدت کمی فرضیه ها و معادلات مشکل دو بعدی را حل می کند نیاز به مبتکر و عقل و اندیشه دارد آیا مغز هر یک از افراد بشر که هزاران مرتبه از یک مغز الکترونیکی پیچیده تر و نیرومندتر است بدون یک طراح علیم و حکیم می تواند به وجود آید. به راستی هیچ دانشمندی نمی تواند اسرار شگفتی های جهان طبیعت را بدون استمداد از نیروی غیبی به درستی تفسیر و تشریح کند. راهنمایی قرآن

قرآن مجید در آیات فراوانی روی برهان نظم تکیه کرده و نظر ما را به نظام بدیع خلقت جلب نموده است. اینک به نقل و ترجمه یک آیه به پایان می رسانیم: (إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّیلِ وَالنَّهار وَالفُلْکِ الّتی تَجْری فِی الْبَحْرِ بِما یَنْفَعُ النّاس وَما أَنْزَل اللّه مِنَ السَّماءِ مِنْ ماء فَأَحیا بِهِ الأَرضَ بَعْدَ مَوْتِها وَبَثَّ فِیها

---------------- صفحه ۴۸

مِنْ کُلِّ دابَّةٍ وَتَصریفِ الرِّیاحِ وَالسَّحابِ المُسَخَّر بَیْنَ السَّماءِ وَالأَرْضِ لآیات لِقَوم یَعْقِلُون).(۱) «به راستی در آفرینش آسمان ها و زمین، و اختلاف شب و روز، و گردش کشتی در دریا به صورتی که مردم بهره می برند و در بارانی که خداوند از آسمان فرو فرستاده، و در پرتو آن زمین های مرده را زنده ساخته، و جنبدگانی را در روی زمین پخش کرده است، و وزش بادها و ابرهایی که در میان آسمان و زمین مسخر نموده است، برای خردمندان آیات و نشانه های از خداوند است». بررسی نظام و اسرار هر یک از این موضوعات (مانند آفرینش آسمان ها،زمین، اختلاف شب و روز، گردش کشتی در دریا، ریزش آب از آسمان، پخش جنبندگان در سطح زمین، وزش بادها و تسخیر ابرها میان آسمان و زمین) ما را به خدای جهان پدید آرنده این نظام رهبری می کند. دریافت انسان های عادی از نظام جهان هر چند سطحی و غیر عمیق است و آنان جز یک رشته جریان های منظم، چیزی را درک نمی کنند ـ مع الوصف ـ همین دریافت در هدایت و رهبری آنان به سوی خدا کافی است تا چه رسد که این نظامات از دریچه علوم روز

----

۱ . سوره بقره، آیه ۱۶۴.

------------------ صفحه ۴۹

مورد بررسی قرار گیرند. در این صورت تشریح هر یک از مواد که در آیه وارد شده است به نوشتن کتاب قطور همراه با تخصص شایان توجه، نیاز دارد. *** پاسخ دو سؤال

اکنون که برهان نظم به گونه ای تشریح گردید شایسته است پاسخ دو سؤالی را که پیرامون برهان نظم وجود دارد بگوییم: این دو سؤال از حربه های مادی های امروز به شمار می رود. اینک سؤال نخست: آنان می گویند: روشن ترین دلیل شما بر وجود صانع نظم جهان آفرینش است ولی کسی می تواند آفرینش جهان را منظم معرفی کند، که بر تمام اسرار آفرینش واقف باشد. شما هنگامی می توانید نظام جهان را ثابت کنید که بر سراسر جهان، محیط و مسلط باشید، در صورتی که با این علم محدود، چگونه می توانید تسلط خود را بر جهان ثابت نمایید، و با این علم محدود چگونه می توانید جهان نامحدود را منظم و حساب شده معرفی کنید؟ و به عبارت دیگر: درست است که بشر تا آنجا که از گیتی فهمیده است جز نظم، چیز دیگری دستگیرش نشده است، امّا

------------------ صفحه ۵۰

معلومات بشر نسبت به مجهولات وی بسیار ناچیز و حکم صفر را دارد، از کجا معلوم که در آن قسمت مجهول جهان، نظم و حساب برقرار باشد. بنابراین، تا بشر بر تمام اسرار گیتی مسلط نشود هرگز نخواهد توانست داوری کند که همه جهان خلقت روی حساب و برنامه آفریده شده است زیرا چه بسا احتمال می دهیم که در آن قسمت دیگر جهان، هرج و مرج و «لانظامی» حکم فرما باشد. پاسخ

هرگز ما نمی گوییم: با پیشرفت قابل توجه علم، همه اسرار این جهان، برای بشر معلوم گشته است، و تمام معماهای هستی حل گردیده است، بلکه چنان که دانشمندان می گویند: هر اندازه بر حجم معلومات بشر افزوده می شود به همان اندازه بر حجم معلومات بشر افزوده می شود به همان اندازه تعداد مجهولات او نیز افزایش می یابد. بلکه ما می خواهیم ثابت کنیم این جهان (تا آنجا که علم را کشف کرده و پرده از روی آن برداشته است)دارای نظم حکیمانه و حیرت انگیزی است و ما هرگز درباره آنچه از نظر علوم، مستور مانده نمی خواهیم داوری کنیم، بلکه ما می گوییم قلمروی که علم روشن کرده سراسر نظم است و حساب، البته این دایره گرچه در برابر

------------------ صفحه ۵۱

مجموع اسرار جهان خلقت حکم «صفر» را دارد، ولی نسبت به خود وسیع و قابل توجه است و همین اندازه برای اثبات وجود خداوند حکیم و دانا کافی است. زیرا نمی توان یک میلیاردم نظمی را که علم روشن ساخته است، معلول تصادف طبیعت فاقد شعور دانست بلکه می توان آن را نمونه ای از بقیه سازمان جهان هستی قرار داد. بد نیست برای روشن شدن مطلب این مثال را در نظر بگیرید: فرض کنید کتاب فوق العاده قطوری در یکی از زیرزمین های مربوط به زمان های گذشته، به دست ما افتاد، و پس از سال ها کوشش و تلاش مداوم و استفاده از صدها کتاب دیگر و استاد، موفق شدیم چند صفحه ای از آن را بفهمیم و در همین چند صفحه یک دنیا حقایق و اسرار بلکه در هر سطری نکته ای پر مغز و مطالبی عالی و پرارزش بیابیم،ما اگر چه از مطالب بقیه کتاب و از صحت و سقم آن به کلی بی خبریم، ولی اجمالاً از همین چند صفحه می توانیم پی ببریم که این کتاب اثر یک نابغه جهان علم، و یک دانشمند لایق و برجسته بوده است، از همین چند صفحه اجمالاً می توانیم بفهمیم که در صفحات ناخوانده هزاران اسرار و نکات پر مغز علمی است که ما هنوز شایستگی درک آن را نداریم. ***

------------------ صفحه ۵۲

پرسش دوم

هرگاه این نظامات به طور دفعی پدید آمده باشند، در این صورت چاره ای جز این نیست که بگوییم با دخالت یک اندیشه بزرگ و علم و قدرت نامحدود، نقشه این جهان طراحی شده است. و با محاسبات دقیق، خلقت انجام گرفته است، ولی هرگاه به طور تدریج و در پرتو یک سلسله تصادف های تدریجی ،به طور بی نهایت پدید آمده باشند، در این موقع وجود نظم گواه بر مداخله خالق دانایی نخواهد بود بلکه یک سلسله تصادف های بی شماری، موجب این نظامات گردیده است. این اندیشه موقعی قوت گرفت که «داروینیسم» تکامل تدریجی انواع را با اصول چهارگانه خود که مهم آن انتخاب طبیعی و بقاء اصلح است ارائه داد، زیرا در این فرضیه در هر تصادفی موجودات جهان به طور طبیعی غربال می شوند و در میان آنها آنچه که قابلیت بیشتری برای بقا دارد، باقی می ماند، روی این اساس می توان گفت رشته تکامل های تدریجی بی نهایت، در سراسر جهان آفرینش، منجر به این نظامات شگرف در آسمان و زمین گردیده است. امّا پاسخ این سؤال نیز روشن است زیرا درست است که برخی از تکامل های تدریجی موجب پیروزی موجود در میدان تنازع می گردد، مانند پیدایش پرده شنای انگشتان برخی از مرغها که سبب می شود در

---------------- صفحه ۵۳

آب نیز بسان خشکی زندگی کنند، ولی برخی از دستگاه های عظیم و پر پیچ، تنها در صورتی می تواند برای موجود مایه پیروزی شود که همه آن دستگاه با خصوصیات خود یک جا و همزمان بوجود آید، و در غیر این صورت اجزاء ناقص آن کوچک ترین سودی به حال آن نخواهد داشت مانند دستگاه عظیم بینایی که در صورتی مفید واقع می شود که همه طبقات چشم از پرده های مختلف و آب های گوناگون در یک آن بوجود آمده باشد هرگاه یک چنین تکاملی در ظرف میلیون ها سال انجام گیرد چون تحولات قبلی بدون پدید آمدن آخرین مرحله، به حال موجود مفید واقع نخواهد شد، از این نظر موجب پیروی و بقا انتخاب او نخواهد گردید. به عبارت دیگر «تغییرات مولد قابلیت تغییر فردی، چون همیشه خفیف و ناچیزند، سود یا زیان آنها هم اجباراً بسیار کوچک است آیا این تغییرات می توانند تحولی به منظور انتخاب فرد لایق تر و مستعدتر انجام دهند؟ هیچ کس نمی تواند بپذیرد که شاخی درازتر از چند میلی متر، و پرده هایی به ضخامت دو یا سه میلی متر می تواند صاحب خود را از گزند حوادث برهاند. تنازع بقا میدان مسابقات «المپیک» نیست و نمی توان آن را به مسابقات اسب دوانی که در ازای سر اسب هم در پیروزی دخیل است تشبیه کرد فقط تغییرات بزرگ محاسن یا معایب کافی را برای انجام انتخاب انسب پدید می آورد از این رو

---------------- صفحه ۵۴

امتیازات فردی دارای اهمیتی بسیار کوچک می باشد».(۱) کرسی موریسن پس از بحث در ساختمان عجیب چشم به این حقیقت در کتاب خود اشاره نموده می گوید: باید دانست که همه تشکیلات عجیب از مردمک دیده گرفته تا شمش ها و مخروط ها و اعصاب، با یکدیگر و در آن واحد به وجود آمده اند زیرا اگر یکی از نظامات پیچیده ناقص باشد چشم غیر مقدور خواهد بود و با این وصف آیا می شود تصور کرد که همه این عوامل خود جمع آمده و هر یک از آنها وضع نور را طوری تنظیم کرده است که به کار یکدیکر بخورد و حوایج آنها را رفع کند. *** گذشته از این پیدایش این نظام حیرت آور، از طریق تصادفات بی نهایت، نیاز به زمان بس نامتناهی دارد که حدوث منظومه شمسی و مقدار عمر کوتاه آفتاب و زمین مانع از صحت چنین فرضیه است. طولانی ترین فرضیه برای عمر زمین از روی محاسبه مواد (رادیو اکتیو) در سنگ ها همان سه میلیارد سال است با این وضع چگونه می توان گفت: این نظام بر اثر تصادف های پیاپی در زمان های نامحدود پدید آمده است؟!

----

۱ . بنیاد انواع، ص ۶۲، وی در ص ۱۳۴ در تفسیر پیدایش اعضاء برجسته بدن از طریق تصادف بیان شیوایی دارد.

---------------- صفحه ۵۵

۳- راه یابی جانداران

۳- راه یابی جانداران

ابتکارات راه یابی عجیب حشرات و سایر جانداران یکی از نشانه های روشن وجود «او» است. یکی از براهین خداشناسی، حس «راه یابی» است که دستگاه آفرینش در نهاد هر جانداری گذارده است به طوری که هر موجود زنده، هنگامی که چشم به جهان هستی می گشاید، در پرتو یک نیروی مرموز به راه زندگی آشنا می گردد، و می تواند به خود و هدفی که برای آن آفریده شده است برسد. موسی بن عمران(علیه السلام) به هنگام دعوت فرعون به این برهان اشاره

------------------ صفحه ۵۶

می کند، وقتی فرعون از خدای موسی سؤال کرد وی در پاسخ چنین گفت : (الّذی أَعْطی کُلّ شَیْء خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی)(۱) «خدایی که موجودات جهان را آفریده، سپس او را به هدفی که برای آن آفریده شده است راهنمایی نمود». اساس این برهان را مسئله راه یابی و هدایت این موجودات تشکیل می دهد، و از وجود چنین نیروی مرموز که به اصطلاح قرآن وحی الهی نامیده می شود پی به «الهام دهنده» آن می برم، بالأخره این نیروی مرموز و این آشنایی به راه و رسم زندگی، آن هم بدون تربیت در مکتبی، طبعاً الهام دهنده ای لازم دارد. ما هم اکنون با طرح چند مثال نمونه هایی از این هدایت تکوینی را در این جا یادآور می شویم البته طرح این نمونه ها نباید موجب تعجب گردد یا به نظر کوچکی به آنها بنگریم زیرا دانشمندان از بررسی موارد جزئی، قوانین کلی را استکشاف می نمایند. نیوتن قانون جاذبه عمومی را از سقوط یک سیب از درخت کشف نمود. ارشمیدس اصول مربوط به وزن مخصوص را از سبکی وزن جسم در آب بدست آورد. و گالیله از مشاهده چهل چراغ کلیسا قانون کلی طبیعی «سقوط

----

۱ . سوره طه، آیه ۵۰.

------------------ صفحه ۵۷

اجسام» را بدست آورد.(۱) از این نظر نباید از موارد جزئی غفلت نمود، و یا نسبت به آنها بی اعتنایی نشان داد. اینک مواردی چند از این هدایت تکوینی و الهام غیبی را که در جهان جانداران وجود دارد، از نظر شما می گذرانیم. ۱. اگر به مورچه هایی که در گوشه و کنار خانه های ما ، زندگی می کنند، نگاهی بیفکنیم غوغایی از زندگی و تمدن در لانه های آنها مشاهده می کنیم، این حشره سر از تخم درمی آورد، بدون راهنمایی معلمی و آموزگاری به کلیه نیازمندی های خود آشناست و راه برطرف کردن آن را می داند. مثلاً ـ در لانه سازی، تخم گذاری، جمع دانه و دو نیم کردن دانه ها، و استفاده از حیوانات اهلی ریز و کشت و زرع و... کاملاً مهارت دارد، تا آن جا که گاه بیگاه به تفریح پرداخته، و مجالس انس و تفریحی برای خود تشکیل می دهد. این حشره آن چنان به اصول کشاورزی و خصوصیات دانه ها آشنا است که می داند باید برخی را دو نیم و برخی دیگر را مثلاً چهار نیم کند، و بدون کوچک ترین خطا، کارهای مربوط به زمستان را در تابستان به نحو احسن انجام می دهد. طول لانه های این حشره نسبت به منطقه های مختلف متفاوت است، در مناطقی مانند استرالیا، گاهی طول لانه آنها به ۸متر

----

۱ . تاریخ علوم، صفحه ۱۸۸.

------------------ صفحه ۵۸

می رسد، همین حشره برای اتاق هایی که می سازد دو پنجره می گذارد و در مواقع گرمی هوا آنها را باز نموده و در فصل سرما آنها را می بندد. ۲. موریانه، این حشره ریز با هوش مخصوص خود، برای لانه سازی از سیمانی استفاده می کند که بزرگ ترین مهندسان زمین شناس، به این سیمان دست نیافته اند، و اگر بشر روزی به این سیمان دست یابد، خانه های محکم و نیرومند او جز با

دینامیت نابود نمی گردد. اکنون این سؤال پیش می آید که آنها این علوم و دانش های مربوط به معماری و کشاورزی و به طور کلی امور مربوط به زندگی را در کدام مکتب و دانشگاه فرا گرفته اند؟ چه قدرت مرموزی آنان را با این راه و رسم آشنا ساخته است؟ اگر گفته شود این علوم، از طریق وراثت به آنان رسیده است این اندیشه افسانه ای بیش نیست زیرا علوم پدران و مادران هیچ گاه از طریق وراثت به فرزندان منتقل نمی شود و هرگز دیده نشده است فرزند معماری، مهندسی، آهنگری، بدون این که این رشته ها را تحصیل کند، معمار، مهندس و یا آهنگر گردد. اینجاست که بشر انگشت تعجب به دندان گرفته و درباره الهام دهنده این علوم به حیوانات کوچک سر تعظیم فرود می آورد و با خود می گوید این دانش ها و این الهامات هرگز بدون یک مربی در نهاد اینها تحقق نمی پذیرد.

-------------------- صفحه ۵۹

۳. زنبور عسل این حشره شهدنوش با فعالیت خستگی ناپذیر از لحظه ای که سر از تخم درآورده و برای پرواز در بیرون «کندو» پر و بال پیدا می کند با هوش مرموزی به سوی گل ها و درخت ها پرواز می کند، و شیره های آنها را به طرز خاصی می مکد و برای بشر لذیذترین شهد را می سازد. لانه سازی این حشره از عجایب خلقت و شاهکار آفرینش است. لانه آن به صورت مسدس و آن چنان منظم و مرتب است که فواصل هر یک از خانه های آن با دیگری، به اندازه یک میکرون (۱/۱۰۰۰میلی متر) تفاوت ندارد. به طور مسلم این هدایت تکوینی که در قرآن کریم از آن به لفظ «وحی» نام می برد بی علت نبوده و حتماً به یک مبدئی مرتبط می باشد. قرآن مجید درباره این حشره چنین می گوید: (وَأَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ اَن اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمّا یَعْرِشُون* ثُمَّ کُلی مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ فَاسْلُکی سُبُلَ رَبِّکِ ذُللاً-یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِیهِ شَفاءٌ لِلنّاس إِنَّ فِی ذلِکَ لآیةً لِقَوم یَتَفَکَّرُون).(۱) «خدا به زنبور عسل الهام کرد که از کوه ها و درختان و نقاط بلند، لانه بگیر، و از میوه های شیرین، تغذیه کن، و راه پروردگارت را به نرمی بپیما آن گاه از درون او شربت شیرین به رنگ های مختلف

----

۱ . سوره نحل، آیه های ۶۸-۶۹.

-------------------- صفحه ۶۰

بیرون می آید که در آن برای مردم شفا است، و در این برای گروه متفکر، آیتی موجود است». ۴. درباره حشره ای به نام «آموفیل»، دانشمند کرسی موریسن مطلب عجیبی را نقل می کند، وی می گوید: «آن حیوان کرمی را شکار می کند، و به نقطه ای از پشت او نیش می زند، نه آن اندازه که کرم بمیرد و گوشتش فاسد گردد، بلکه آن اندازه که بی حس گردد و تکان نخورد، سپس در نقطه مناسبی از بدن این کرم تخم گذاری می کند، خودش قبل از این که نوزاد آن به دنیا بیاید می میرد، بچه ها از گوشت تر و تازه کرم تغذیه می کنند تا بزرگ می شوند. عجب این است که فرزندان با آن که مادر را هرگز ندیده اند و عمل خارق العاده او را مشاهده نکرده اند، پس از آن که به حد رشد رسیدند در موقع تخم گذاری عمل مادر را با کمال دقت و بدون اشتباه تکرار می کنند، و چون هرگز نسل پیشین و نسل بعدی این حشره یک دیگر را درک نمی کنند احتمال یاد دادن به هیچ وجه نمی رود».(۱) *** اکنون با مشاهده این گونه حقایق، ما در مقابل واقعیتی قرار گرفته ایم و آن این که این حشره و به طور کلی این حشرات ریز این تعالیم و درس ها را در کدام مکتب آموخته اند شما خواه حیات و

----

۱ . راز آفرینش، ص ۴۸.

-------------------- صفحه ۶۱

زندگی بشر را اثر خاص شیمیایی ماده بدانید، و یا این که برای آن واقعیتی جدا از ماده فرض کنید، بالأخره این نوع فعالیت ها در

این حیوانات به رهبری خاصی نیازمند است، رهبری که وضع زندگی او را پیش بینی نموده و لوازم و ابزار زندگی را در اختیار او نهاده است و او را به راه و رسم زندگی با الهام های خاصی آشنا ساخته است. نوزاد آدمی هنگامی که دیده به جهان می گشاید، کوچک ترین توانایی برای حفاظت و نگهداری خود ندارد و باید تا سالیان درازی از مراقبت پدر و مادر برخوردار شود، تا بتواند برای خود راه زندگی را باز کند، ولی هر نوع جانداری غیر انسان از همان روز نخست به راه زندگی آشنا شده و به سوی هدفی که برای آن آفریده شده است، پیش می رود. همچنین پدران و مادران آنها بدون فرا گرفتن درسی به نحوه پرورش فرزند و دفع شر و مکروه از آنها کاملاً واردند. ۵. شگفت آور این که بسیاری از جانداران توانایی تجدید ساختمان پیکر خود را دارند، و سلول های آنها آن چنان ورزیده و آشنا هست که تا لحظه ای که عضو نیاز به تکمیل دارد به فعالیت خود ادامه می دهند، ولی هنگامی که عضو به سر حد کمال رسید آنها نیز از فعالیت خود دست برمی دارند. دانشمند معروف آمریکایی در کتاب خود (۱) چنین

----

۱ . راز آفرینش انسان، ص ۸۵.

می نویسد:«بسیاری از حیوانات مثل خرچنگ، هر وقت پنجه یا عضوی از آنها بریده شود، سلول های مربوط به آن فوراً درصدد جبران آن برمی آیند، ضمناً به مجرد این که عمل تجدید عضو مفقود، خاتمه یافت، سلول های مولد از کار می افتد و مثل آن است که خود به خود می فهمند که چه وقت موقع خاتمه کار آنها رسیده است. اگر یکی از حیوانات اسفنجی را که در آب شیرین می زیست از میان دو نیم کنیم هر نیمه آن به تنهایی خود را تکمیل می کند و به صورت فرد کامل درمی آید. سر یک کرم قرمز را ببرید سر دیگری برای خود درست می کند. ما وسایلی داریم که سلول ها را برای معالجه بدن بکار بیاندازیم، امّا آیا این آرزو تحقق خواهد یافت که جراحان سلول ها را وادارند، دستی تازه یا گوشت و استخوان و ناخن و سلسله اعضایی در بدن بوجود آورند؟». ۶. یک قسم از عنکبوت های آبی، لانه گردی شبیه به توپ، از تارهای خود می سازند و آن را به جسمی بسته در زیر آب می اندازند سپس خود بر سطح آب آمده موهای زیر شکم خود را، پر از هوا می کنند و به زیر لانه رفته و هوا در آن می دمند ـ در واقع آن را باد می کنند ـ آن وقت در این لانه تخم می گذارند و بچه های خود را بزرگ می کنند و به این وسیله آنها را از خطرات هوایی محفوظ می دارند. این

عمل عنکبوت متضمن یک رشته اقدامات دقیق عملی از نساجی و مهندسی گرفته تا ساختمان و عملیات دریایی، می باشد. ۷. در میان پرندگان شب پره خصوصیت خاصی دارد که می تواند به راستی نشانه توحید و آیت و عظمت حق باشد. این پرنده به حکم ضرورت طبیعت، روزها بر اثر ناتوانی در برابر نور خورشید ناچار است، شب ها به پرواز درآید. از طرف دیگر شب ظلمانی و دیجور، خالی از خطرات نیست، چه بسا ممکن است این حیوان که در ظلمت شب برای بدست آوردن غذا به پرواز درمی آید، به اجسام سخت از قبیل در و دوار و کوه و درخت برخورد کند، و مجروح گردد. طراح آفرینش او را با نیروی خاصی مجهز نموده که قبل از این که به عایق برسد، وجود آن را درک کرده و راه خود را به سوی دیگر منحرف نموده و به پرواز خود ادامه می دهد. این نیروی مرموز ممکن است شبیه «امواج رادار» باشد که دانشمندان از آن در فرودگاه ها و برای هدایت هواپیماها و به دست آوردن مسیر آنان استفاده می کنند. در این جا این سؤال پیش می آید که این پرنده چگونه دارای چنین دستگاهی شده که دانشمندان جهان پس از قرن ها به آن دست یافته اند. آیا سلول های وجود این پرنده، خود، همه این مسائل را احساس کرده و فکر می کند و از عواقب کار آگاه است و مسیر خود را در برابر

این موانع منحرف می سازد؟ و یا این که بگوییم (ارگانیزم) و ساختمان و تشکیلات وجود آنها طوری تنظیم شده است که به طور خودکار، آنها را برای چنین هدف هایی رهبری می کند در این صورت نوع فعالیت های شگفت انگیز آنها معلول حساب و نظمی است که در وجود آنها بکار رفته است. و یا این که آنها تحت رهبری نیروی مافوقی و نفوذ قدرت محیطی، کلیه این امور را انجام می دهند. در این صورت راه یابی جانداران برهانی غیر از برهان نظم خواهد بود. تفصیل این قسمت را هم اکنون می خوانیم. آیا این برهان غیر از برهان نظم است؟

اکنون درباره فعالیت و راه یابی جانداران پس از مطالعه در مثال های یاد شده در بالا، یک رشته مطالبی را درک می کنیم که می توان آنها را بدین شرح اعلام کرد: الف: آنان بدون معلم و آموزگار به کلیه نیازمندیهای خود و نحوه برطرف کردن آن واقف و آگاهند. ب: این جانداران کاملاً به اصول تقسیم کار و انتخاب وظیفه و طرز اجرای کارهای دسته جمعی، به طور دقیق آشنا هستند. ج: در صورتی که عضوی آسیب می بیند با یک سیستم خودکار، تجدید ساختمان عضو معدوم شده را به طرز بدیع و جالبی انجام

------------------- صفحه ۶۵

می دهند. د: در مواردی که محیط زندگی آنان دگرگون شود خود را با طبیعت تطبیق نموده و حتی تغییراتی در وجود خود ایجاد می کنند. ما در برابر این نوع فعالیت های غریزی، یکی از سه راه را باید انتخاب کنیم: ۱. این جانداران از عقل و شعور و علم و ادراک آن چنان برخوردارند که هنوز انسان به پایه یک صدم آنها نرسیده است و یا به عبارت دیگر معتقد شویم که آنان دارای فکر و فهم و شعورند و همه این کارها را از روی فکر و شعور خود انجام می دهند. به طور مسلم این احتمال آن چنان نیست که بشر به آن معتقد شود، زیرا سلول نباتی و حیوانی هرگز عقل و شعور ندارد تا از روی فکر و تجربه مشکلات زندگی را حل کند. از این بیان می توان فهمید که چرا ما در موضوع «راه یابی به سوی زندگی» مثال ها را از میان حشرات و سایر جانداران انتخاب نمودیم و پای انسان را از این بحث بیرون کشیدیم؟ زیرا درباره انسان این اندیشه وجود دارد که انسان در پرتو عقل و شعور خود مشکلات را برطرف می کند و به اهداف زندگی می رسد، و به عبارت دیگر مکانیسم وجودی و سلولهای بدن او و مغز بزرگ ومتفکر و سازنده او، چراغ راه زندگی است دیگر لازم نیست از عالم بالا در این امور زندگی مددی برسد و یا الهام بگیرد ولی راجع به این حشرات ریز یک چنین اندیشه به

------------------- صفحه ۶۶

فکر کسی خطور نمی کند و هیچ فردی نمی تواند بگوید که سلول نباتی و یا حیوانی خود دارای فکر و شعوری است و خود سازنده و پدید آرنده افکاری است که آنها را در راه زندگی راه نما و رهنمون باشد. بلکه در توجیه این کارها ناچاریم یکی از دو نظر زیر را انتخاب کنیم: ۲. ساختمان ماشینی و سازمان مادی آنها را برای انجام این کارها کافی بدانیم و بگوییم راه یابی و تمام فعالیت های شگفت انگیز آنها، معلول نظم قطعات وجود آنها است که به طور خودکار آنها را به این کارها وادار می کند و به عبارت دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی سلول های جانداران این رشته از فعالیت ها را ایجاب می کند. مثلاً ارگانیزم وجود یک ساعت، وپیوندهایی که در اجزاء آن بوجود آمده و نظم و محاسبه ای که مهندسان در ساختمان آن رعایت کرده اند، می تواند این صنعت را تا مدتی رهبری کند و سالیان درازی با کمال درستی و استواری کار کند. قطعات ساختمانی سفینه فضایی را آن چنان تنظیم می کنند که به طور خودکار، از زمین برمی خیزد و پس از مدتی با کمال آرامی در ماه فرود می آید، و چنین راه یابی و وصول به مقصد، معلول نظم و ترکیب خواص فیزیکی و شیمیایی اجزاء آن واحد صنعتی است. بنابراین ممکن است راه یابی تمام جانداران را در صحنه زندگی

------------------- صفحه ۶۷

جز انسان که با نیروی عقل و خرد و استدلال و محاسبه مجهز است، معلول ترکیب اجزاء وجود جاندار بدانیم و بگوییم از اجتماع

یک رشته امور مادی که هر کدام دارای خواص فیزیکی و شیمیایی می باشند واحدی به وجود آمده که در پرتو نظم و ارتباطی که میان آنها برقرار شده و تأثیری متقابل که در یکدیگر دارند، راه و رسم زندگی را پیدا نموده و به طور خودکار به مقصد می رسند. در این صورت راه یابی جانداران خود. برهان جداگانه نمی شود و از فروع برهان نظم خواهد بود. هدایت جاندار و اعمال شگفت آور آن، مرهون سازمان مادی آن است که تمام نیازهایش را در وجود آن پیش بینی کرده سپس وجود او را با دستگاه هایی مجهز نموده که آن را در این راه یاری و رهبری می نماید. ۳. برخی از محققان در این مورد نظر سومی را انتخاب نموده و بیان شیوایی دارند که خلاصه آن این است: «حرکات و اعمال یک دستگاه تا آنجا که مربوط به سازمان شیئی است قابل پیش بینی است یعنی خود سازمان مادی و تشکیلات داخلی شیء ، کافی است که با احاطه به آنها، کارهای آن را پیش بینی کرد. امّا اگر به مرحله ای رسید که آن شیء کار خاصی نباید انجام دهد بلکه بر سر دو راهی است در عین حال آن شیء یکی از راه ها را انتخاب نمود که آن را به هدف می رساند اینجا است که نظم مادی برای

------------------- صفحه ۶۸

چنین راه یابی کافی نیست، آن نوع راه یابی حاکی از رابطه مرموزی میان شیء و آینده است. راه اثبات آن (ابداع و ابتکار) است هر جا که نوعی ابتکار دیده می شود، دلیل بر هدایت نوع دوم است زیرا لازمه جبری ساختمان منظم مادی اشیاء، «کار منظم پیش بینی شده است». ولی ابداع و ابتکار نمی تواند محصول سازمان مادی و حرکات پیش بینی شده باشد. یک ماشین حساب ممکن است آن چنان منظم ساخته شود که اعمال جمع و تفریق و ضرب و تقسیم را دقیقاً انجام دهد امّا هرگز یک ماشین حساب قادر به ابداع و ابتکار یک قاعده ریاضی نیست. یک ماشین ترجمه می تواند دقیقاً سخنان یا نوشته یک نفر را ترجمه کند ولی هرگز نظم دقیق آن ماشین قادر به تصحیح اشتباه گوینده نخواهد بود.(۱) در گذشته نمونه هایی از ابتکارات را ملاحظه نمودید و روشن شد که چگونه سلول های جانداران قدرت «تقسیم کار» و «انتخاب وظیفه» و «تجدید ساختمان عضو از میان رفته» و «انطباق با محیط» و... را دارند. این قدرت مرموز که رهبری جانداران را به عهده دارد طبعاً باید

----

۱ . پاورقی های اصول فلسفه، ص ۴۹ـ ۵۱.

------------------- صفحه ۶۹

نیروی وسیع و محیطی باشد که به تمام جانداران احاطه کامل دارد و رهبری او نسبت به همه یکسان است و این نیروی عظیم جز «خدا» و یا سایر قدرت های غیبی که تدبیر جهان آفرینش برعهده آنها گذارده شده است چیز دیگری نیست. *** در پایان از تذکر نکته ای ناگزیریم و آن این که: خواه بازگشت این برهان به برهان نظم باشد و کارهای شگفت آور جانداران را معلول نظم مادی و تشکیلات داخلی و «ارگانیزم» وجود آنها بدانیم، و یا این که گوییم نیروی مرموزی همه آنها را در این ابتکارات و ابداعات رهبری می کند تأثیری در هدف ما (اثبات صانع) ندارد، در هر حال بررسی اوضاع جانداران یکی از طرق خداشناسی است و در قرآن مجید علاوه بر آیات یاد شده روی آن تکیه شده است آنجا که می فرماید: (الَّذِی خَلَقَ فَسَوّی* وَالّذِی قَدَّرَ فَهَدی).(۱) «خدایی که آفرید سپس به تکمیل آن پرداخت، خدای که پس از اندازه گیری هر موجودی آن را به زندگی و تکامل هدایت نمود». امیر مؤمنان(علیه السلام)در نهج البلاغه (۲) در بیان آفرینش مورچه روی این برهان تکیه کرده است.

----

۱ . سوره اعلی، آیه ۳ـ۴. ۲ . خطبه ۱۸۳.

------------------- صفحه ۷۰

پس از وی ششمین پیشوای جهان شیعه حضرت صادق (علیه السلام) در توحید مفضل نمونه هایی را یادآور شده است. در عصر

حاضـر دانشـمند معروف آمریکایی (کرسـی موریسن) رئیس پیشـین آکادمی علوم نیویورك در کتاب ارزنـده خود (راز آفرینش) به طـور گسـترده در این موضـوع به بحث و گفتگـو پرداخته است. مؤلف مجموع این کتـاب را در یـک مقـاله خلاـصه کرده و ترجمه فارسی آن به قلم مهندس ذبیح اللّه دبیر در شماره هفتم سال سوم مجله مکتب اسلام چاپ شده است.

صفحه ۷۱

۴-جهان ماده آغاز و پایانی دارد

۴-جهان ماده آغاز و پایانی دارد

برهان «حـدوث ماده» یکی دیگر از براهین خداشناسـی است که ما را به وجود صانع جهان، و پدیـد آرنـده ماده و انرژی رهبری می کنـد. این برهان از دو مقدمه تشـکیل یافته است: ۱. جهان ماده و انرژی، حادث و مسـبوق به عـدم می باشـد و محاسـبات علمی می گویـد: ماده نمی تواند قدیم و ازلی باشد بلکه باید برای پیدایش آن، آغازی تعیین نمود و اگر با بال های اندیشه جلو برویم به نقطه ای می رسیم که دیگر در آنجا از ماده خبری نبوده، و نقطه آغاز پیدایش ماده خواهد بود. ۲. هرگاه محاسبات علمی ثابت کرد که ماده حادث است، و

------------------ صفحه ۷۲

نبوده و پیدا شده است، طبعاً باید محدث و علت پدید آرنده داشته باشد زیرا هرگز ممکن نیست چیزی از عدم بدون علتی که به آن وجود بخشـد، پدیـد آیـد. در این برهان آنچه مهم است همان مقدمه نخست می باشد و مقدمه دوم یک مسـئله فطری و نهادی و از احکـام ضـروری عقـل و خرد می باشـد و تا حـدی در یکی از براهین خداشناسـی (برهان امکان) پیرامون آن توضـیحاتی داده شـده است.(۱) فلاسـفه اسلامی از راه براهین عقلی حدوث ماده را ثابت نموده، و در کتاب های فلسفی بیان شده است.(۲) روی سخن در این جا با جوانان و افرادی است که علاقه دارنـد که مسائل توحیدی را نیز از طریق علوم تجربی و آزمایشـی بفهمند، از این جهت ما مطالب را از این راه تعقیب می کنیم. نخستین کسی که از راه علوم طبیعی حدوث ماده و انرژی را ثابت کرد و اعلام نمود که جهان آفرینش مسـبوق به عدم بوده و آغازی داشـته است «اسـحاق نیوتن» بود. وی از مطالعات خود چنین نتیجه گرفت که جهان از نظم و ترتیب رو به بی نظمی و انحلاـل می رود، و روزی فرا می رسـد که حرارت تمام اجسام با یکـدیگر مساوی و برابر می گردد و بسان ظروف به هم پیوسته مایعات که به هنگام تفاوت سطوح آن، به

----

۱ . به کتـاب «راه خداشناسـی»نگـارش مؤلـف، بخش براهین عقلی مراجعه بفرماییـد. ۲ . به کتـاب «راه خداشناسـی»نگارش مؤلف، بخش براهین عقلی مراجعه بفرمایید.

------------------ صفحه ۷۳

خاموشـی و آرامی می گرایند، جهان نیز به هنگام تساوی حرارت و برودت اجسام به خاموشـی خواهد گرایید. سپس با مطالعه روی حرارت، ثـابت نمود که تمام تغییراتی که در حرارت تولیـد می شود یک قسـمت از نیروی قابل اسـتفاده به نیروی غیر قابل اسـتفاده، تبـدیل می گردد، و هیچ گاه نیروی غیر قابل اسـتفاده به نیروی قابل اسـتفاده تبدیل نمی شود. «بولتزمن» با هوش سـرشار و اطلاعات وسیع ریاضی خود، درک کرد که قانون دوم حرارت و حرکت، نشان می دهد، که در تمام نقل و انتقالات قسمتی از نظم و ترتیب، از بیـن می رود. در مـورد تبـدیل نیروی قابـل اسـتفاده، به نیروی غیر قابـل اسـتفاده، نظم و ترتیب ذرات، از میـان رفته و طرح خلقت متلاشی می شود. به عبارت دیگر طبق قانون دوم (ترمودینامیک) حرارت از اجسام گرم به طرف اجسام سرد جاری می گردد، و این جریـان نمی توانـد خود به خود به طور معکوس انجـام بگیرد و در حقیقت «انتروپی» نسبت نیروی غیر قابـل اسـتفاده به نیروی قـابل

استفاده است ، بنابراین جهان رو به پیری، و یک نواختی می رود و روزی فرا می رسد که حالت بی تفاوتی بر سراسر جهان حکومت می کند. در این صورت چنین نتیجه می گیریم اگر جهان ازلی بود و به اصطلاح آغازی نداشت باید از مدت ها پیش تمام نیروهای آن سپری

---------------- صفحه ۷۴

شده و نیروی قابل استفاده آن به نیروهای غیر قابل استفاده تبدیل گردیده باشد، و در نتیجه باید دیگر فعل و انفعال انجام نگیرد، و پدیده ای به نام «حیات» در روی زمین نباشد در صورتی که مشاهده می کنیم که فعل و انفعالات شیمیایی در روی زمین ادامه دارد. و به عبارت دیگر: اگر جهان آغازی نداشت و از اوّل موجود بود باید از مدت ها پیش منظومه شمسی ما خاموش گردد و سوخت خورشید و تمام موجودات منظومه شمسی از آن جمله زمین و ساکنان آن به حالت افسردگی و پژمردگی درآمده باشد، و اصلاً هیچ عنصر (رادیو اکتیو) پیدا نشود. بنابراین هرگاه جهان آغاز دارد و به اصطلاح فلسفی «مسبوق به عدم» می باشد در این صورت به حکم قانون علیت و معلولیت باید خالق پدید آورنده نیز داشته باشد، زیرا اگر معتقد شویم که جهان ماده که آغازی دارد بدون پدید آرنده ای گام به جهان هستی گذاشته است، باید بگوییم که نخستین ماده جهان، خود به خود از عدم سربرداشته و پس از اندی، به خود نظم و ترتیب، محاسبه و اندازه گیری و قوانین ثابت و استواری بخشیده است و هیچ خردمندی زیر بار چنین فرضیه ای نمی رود. روشن تر بگوییم: دنیای ماده بدون شک حادث است و نمی تواند ازلی باشد زیرا می دانیم تمام اتم های جهان تدریجاً در حال

---------------- صفحه ۷۵

تجزیه و شکسته شدن است و به این ترتیب عمر جهان مقدار ثابتی خواهد بود، که با فرا رسیدن آن تمام اتم ها تجزیه و شکسته خواهند شد و اگر بر این جهان زمان بی نهایت گذشته باشد بایست پایان جهان و تجزیه تمام آنها صورت گرفته و امروز چیزی به نام «ماده» وجود نداشته باشد. فی المثل اگر می بینیم چراغ نفت سوزی در حال سوختن است حتماً می دانیم که از ازل و در یک زمان بی نهایت روشن نبوده است زیرا اگر آن را از ازل روشن کرده بودند با توجه به این که مقدار نفت آن محدود است و بی پایان نیست، باید از مدت ها قبل خاموش شده باشد. همچنین است اتم های جهان، زیرا طبق اصل «انتروپی» این جهان پیوسته رو به «کهولت» و «پیری» است و اتم های آن دائماً در حال فرسایشند، و روزی فرا خواهد رسید که همه انرژی های آن به صورت غیر فعال و بی مصرف خواهند در آمد. زیرا انرژی همانند نیروی حاصل از حرکت آب از نقطه مرتفعی به نقطه پایین تر است، اگر آب موجود در مخزن به مقدار معینی (زیاد یا کم) باشد، سرانجام روزی فرا خواهد رسید در میان آب ها تساوی سطوح برقرار گردد و انرژی حاصل از ریزش آب منتفی و خاموش گردد.

---------------- صفحه ۷۶

بنابراین اگر این جهان ازلی بود، می بایست از مدت ها قبل تمام انرژی های آن از صورت فعال و مؤثر بیرون رفته باشد و دنیا را سکوت مطلق و تاریکی موحش و یک نواختی، و در حقیقت یک نوع عدم و نیستی فرا گرفته باشد. از آنچه که گفته شد چنین نتیجه گرفته می شود که این جهان آغازی دارد و تاریخی و هرگز نمی تواند ازلی بوده باشد. *** نکته جالبی که باید به آن توجه نمود این است که: علم می گوید: این جهان پایانی دارد زیرا همان اصل «انتروپی» و «کهولت» و «فرسایش» و «تجزیه اتم ها» بهترین دلیل برای پایان جهان است، ولی می دانیم چیزی که پایان دارد حتی آغازی هم داشته است، زیرا اگر چیزی ازلی باشد باید هستی آن از درون ذات آن بجوشد، و به عبارت روشن تر هستی آن خاصیت ذات آن باشد، و چیزی که هستی آن از درون آن می جوشد وجود و هستی از خواص ذات آن به شمار می رود، و چنین چیزی ممکن نیست پایانی داشته باشد، در صورتی که ما فرض کردیم، جهان پایانی دارد. از این جهت دانشمندان می گویند چیزی که پایانی دارد حتماً باید آغازی هم داشته باشد و چیزی که

پایان و فنا ندارد، باید ابتداء و آغاز هم نداشته باشد.

------------------ صفحه ۷۷

و به عبارت دیگر: هر موجود ازلی حتماً ابدی است همان طور که هر موجود فناپذیر، حتماً حادث بوده است. *** سؤال در این جا جای یک سؤال باقی است و آن این که ممکن است گفته شود: ماده جهان قدیم است و ازلی ولی علت این که هنوز انرژی قابل مصرف در آن وجود دارد و به اصطلاح «انتروپی» و پیری آن فرا نرسیده است این است انفجار آن در زمان های بعد انجام گرفته است و انفجار آن، با اصل هستی آن، توأم نبوده و سالیان نامحدودی در حالت یکنواختی و بی تفاوتی کامل بسر برده است سپس بعدها انفجاری در آن رخ داده است از این نظر هنوز حالت جنبش و حرکت در آن حکم فرما می باشد و پیری کامل آن فرا نرسیده است. ولی پاسخ این سؤال روشن است زیرا گذشته از این که معنی ندارد ماده آن، به طور سالیان نامحدودی به حالت سکوت و سکون بماند سپس انفجاری در آن رخ دهد، جای پرسش باز باقی است زیرا سؤال می شود چه عاملی در روز نخست این بی تفاوتی را به هم زد؟ و ماده ساکن را به حرکت و جنبش درآورد، این عامل چه بود؟ خود ماده که نمی تواند بی تفاوتی کامل خود را به هم زند و انفجاری در اتم های

------------------ صفحه ۷۸

یک نواخت ماده پدد بیاورد زیرا هر نوع انفجار و به هم خوردن معلول از بین رفتن حالت بی تفاوتی است و تا این حالت از بین نرود و ماده حکم سطوح مختلف مایعات را پیدا نکند انفجاری در آن رخ نمی دهد، و از طرفی تا انفجار در آن رخ ندهد حالت بی تفاوتی از بین نمی رود. در این جا نیز ناچاریم برای توجیه انفجار و از بین رفتن حالت بی تفاوتی، پای عامل خارجی را به میان بکشیم و بگوییم: قدرت مافوق الطبیعه ای موجی در این عالم یک نواخت انداخت، و به دنبال آن نمودهای مختلف جهان و انرژی ها پدید آمد، و الّا خود ماده بی تفاوت و یکسان که به طور مدت نامحدود در حالت بی تفاوتی و یک نواختی بسر برده، نمی تواند بدون علت خارجی این حالت را در خود نقض کند و انفجاری پدید آورد سپس به آرایش و آراستن خارج خود بپردازد.

------------------ صفحه ۷۹

۵- پدیده حیات و کره آتشین زمین

۵- پدیده حیات و کره آتشین زمین(۱)

معمولاً ـ دانشمندان برای اثبات وجود خدا، از برهان نظم استفاده می کنند و نظم هر موجودی را گواه بر وجود آفریدگار دانا و توانایی می گیرند، از این نظر هر دانشمندی از معلومات و اطلاعات که از نظم جهان آفرینش دارد، خدای جهان را اثبات نموده و از آن راه، پی به این حقیقت می برد.

----

۱ . این سخنرانی در سال ۱۳۴۸ در یک مجمع علمی که گروهی از فرهنگیان و دانشجویان در آنجا گرد آمده بودند، القاء گردید سپس آن را خانم اعظم طبیب زاده لیسانسیه علوم طبیعی که از بستگان نگارنده می باشد به رشته تحریر درآورده و در نشریه سال دوم نسل جوان، شماره پنجم چاپ گردید بدین وسیله از ایشان که زحمت تحریر و تنظیم مقاله را کشیده اند سپاسگزاری می شود.

------------------ صفحه ۸۰

اخیراً به نام «اثبات وجود خدا» به قلم چهل تن از دانشمندان شرق و غرب تألیف شده است و به فارسی نیز ترجمه گردیده است، این کتاب بر اساس تشریح و توضیح همین برهان نظم نوشته شده است، و هر دانشمندی از زاویه معلومات خود نظم قسمتی از جهان را مورد بررسی قرار داده، و از این طریق معتقد شده است که این نظم، بدون ناظم و این نظام شگفت انگیز بدون آفریدگار دانا و

توانا، امکان پـذیر نخواهد بود. ولی ما اکنون از طریق دیگر، که کاملاً تازگی دارد می خواهیم وارد موضوع شده و اثبات نماییم که وجود حیات و زندگی در روی زمین، گواه بر وجود آفریدگار است. خلاصه این برهان این است که: اصول مادی از تفسیر و توجیه پیـدایش حیـات، کاملاًـ نـاتوان و عاجز است. ولی اصول الهی با قبول آخرین فورمول های علمی، می توانـد وجود حیات را در کره خاک اثبات نموده و آن را مـدلل سازد. و این برهان چنان که ملاحظه خواهید نمود ربطی به برهان نظم ندارد. این اسـتدلال را طی چهار اصل که همه آنها مورد قبول دانشـمندان معاصـر می باشد می توان بیان کرد: ۱. موجودات زنده به اتفاق تمام زیست شـناسان می توانند در حرارت مخصوصی زندگی کنند، به طوری که اگر درجه حرارت محیط موجود زنده، تقریباً از صد درجه سانتی گراد تجاوز کند، امکان حیات

------------------- صفحه ۸۱

برای صـدی نود و نه از موجودات زنـده بـاقی نمی مانـد حتی لجوج ترین میکروب هـا و ویروس ها در این درجه از حرارت، حیات خود را از دست می دهند. و به عقیده بعضی از زیست شناسان برخی از میکروب ها اگر چه در حرارت صد درجه ای مقاومت خود را حفـظ می کننـد ولی در درجه های بین صـد و دویست محکوم به مرگ خواهنـد بود. این اصل علمی(هر موجود زنـده در درجه حرارت بین ۱۰۰ و ۲۰۰نمی تواند زنده بماند) مورد اتفاق تمام زیست شناسان می باشد. ۲. آخرین فرضیه در پیدایش کره زمین که هنوز خلاـف آن ثـابت نشـده است و مورد پـذیرش مراکز علمی می باشـد همان فرضـیه «لاپلاس»(۱) مبنی بر اشـتقاق زمین و سـایر سیارات از کره خورشـید است. به عقیده این دانشمند کره زمین و اقمار آن و تمام سیارات خورشید جزو خورشید بوده و به صورت کره آتشین می سوختند سپس زمین بر اثر جدایی از خورشید در زاویه ای از فضا قرار گرفته و با

----

۱ . نظریه لاپلاس به زبان علمی چنین است: منظومه شمسـی از روز نخست به صورت توده گـازی عظیم بسـان سـحابی هـا بوده و حرکتی دورانی از مغرب به مشرق داشته است، کم کم حالت انقباضی آن پایان یافته و رفته رفته سحابی به ستاره تبدیل گشته است. ستـاره نیز در حول محور خود، به سـرعت دوران پیـدا کرده و توده هـایی از منطقه اسـتوایی آن که قوه گریز از مرکزش بیشتر اسـت جـدا گشـته و سیارات به وجود آمـده انـد، سـیارات هم به نوبه خود قطعاتی از خود پرتاب کرده ماه و اقمار از آن تشـکیل یافته اند زمین نیز یکی از این سیارات می باشد.

------------------- صفحه ۸۲

حرکت دورانی خود به سـردی گراییده است و پس از مرور و گذشت سالیان دراز، قشـر نازک آن برای حیات و زندگی موجودات زنده در سطح آن آماده شده است البته ما نظریه «لاپلاس» را به طور اجمال بازگو می کنیم و مشروح آن را در کتاب های درسی و نجوم و هیئت عـالی می خوانیم. ۳. اندازه حرارت سطح خورشید ۱۱ هزار درجه فارنهـایت است ولی تاکنون دانشـمندان به انـدازه حرارت داخل آن پی نبرده اند.(۱) ۴. در زیست شناسی این مطلب به ثبوت رسیده است که موجود زنده از موجود زنده به عمل می آیـد و هرگز موجودی که سلول و یا ویروس حیاتی نـدارد نمی توانـد مبـدأ موجود زنده شود. اگر چه در میان عوام معروف است: اگر دو خشت خام را روی هم بگـذاریم پس از مـدتی عقرب تولید می شود ولی آنان از این نکته غافلند که این خشت دارای اجزاء حیاتی و حاوی تخم های این گونه حشـرات بوده و پس از فعل و انفعالات، این اجزاء زنـده، به صورت عقرب درآمـده اند. زیسـت شناسـی به ما می گویـد که موجود بی روح هرگز به صورت نبات یا حیوان و یا انسان درنمی آید بلکه هر موجود زنده شاخه ای از یک زنده است.

----

۱ . به کتاب نجوم برای همه، صفحه ۱ مراجعه بفرمایید.

------------------ صفحه ۸۳

نتیجه استدلال

حاصل اصول چهارگانه این می شود که: زمین جزء خورشـید بوده و بر اثر داشـتن حرارت ۱۱هزار درجه فارنهایت تمام مواد حیاتی خود را از دست داده است. در این موقع مادی یعنی طرفدار فلسفه «ماتریالیسم» با پذیرفتن اصول چهارگانه با بن بست عجیبی روبرو می شود و نمی توانـد پیدایش حیات و زندگی را در روی زمین توجیه کند، زیرا او دایره هستی را به ماده منحصـر نموده و منکر هر نوع نیروی فوق طبیعی می باشـد. او در برابر پـذیرفتن اصول چهارگـانه کاملاً ـ متحیر می شود که این زنـدگی در روی زمین از کجا پیـدا شـده است زیرا مگر نه زمین ما جزء خورشـید بوده و تمام مواد حیات خود را بر اثر حـرارت شدید از دست داده است. مگر نه، موجود زنده از زنده بوجود می آید. پس این موجودات زنده بی شـمار از کجا بوجود آمده اند. اینجاست که مادی در تعلیل پدیده حیـات در بن بست عجیبی قرار گرفته و توجیه و تفسیر قابـل قبول و اطمینـان بخش برای پیـدایش حیات در روی زمین نـدارد. ولی فیلسوف الهی یعنی کسـی که ریشه حیات را در عالم بالا جسـتجو می کنـد و ریشه این عالم را پیوسـته به عالم ماوراء طبیعت مرتبط می داند با پذیرفتن این اصول، وجود حیات را چنین مدلل

------------------ صفحه ۸۴

می نمایـد و می گویند: آری درست است که زمین در موقع پیوسـتگی تمام مواد حیاتی خود را از دست داده بود ولی خدای متعال، آفریدگار دانا و توانا، تخم حیات و زندگی را با قدرت مافوق طبیعی خود در روی زمین بوجود آورده است. و این که موجود زنده بایـد از موجود زنـده به وجود آیـد مخصوص عـالم مـاده است و هرگز حاکم بر اراده خـدا نیست یعنی در عالم ماده زنـده از زنـده بوجود می آیـد ولی خداوند بزرگ در آفریدن حیات نیازی ندارد که زنده را از زنده بوجود آورد. بلکه می تواند حیات و زندگی را بدون سابقه ای در روی زمین ایجاد کند.

------------------ صفحه ۸۵

۶–جهان هدفدار، و دخالت علم و آگاهی

۶–جهان هدفدار، و دخالت علم و آگاهی

واقعیت نظم در یک پدیـده طبیعی، جز این نیست که اجزای مختلفی از نظر کیفیت و کمیت دور هم گرد آینـد تا در پرتو همکاری اجزای آن، هدف مشـخص تحقق یابد. از بررسـی این تعریف می توان اسـتفاده کرد که نظم مورد نظر در گرو چند مطلب است: ۱. تحقق نظم، امور متعـددی را لازم دارد و از امر واحـد نظم پدیـد نمی آید. ۲. بایـد در میان این امور، یک نوع الفت وآمیزش تحقّق پذیرد وهرگز از امور بیگانه نظم فراهم نمی شود.

------------------ صفحه ۸۶

۳. هریـک از اجزاء، در تحقّق هـدف خـاص تـأثیر نسبی دارد و تحقّق هـدف در گرو اجتمـاع وهمـاهنگی آنهـاست، به گونه ای که آسیب پذیری هریک، خللی در هدف ایجاد می کند. ۴. به حکم این که اجزاء در خدمت هدفی معیّن می باشد، طبعاً هدف واقعیتی جدای از اجزاء دارد. تقریر برهان نظم

همـان طور که یـاد آور شـدیم، برهـان نظم از دو مقـدمه تألیف یافته که یکی حسـی و دیگری عقلی ومنطقی است. نخست به تقریر مقدمه حسّی می پردازیم، آن گاه مقدمه عقلی آن را تبیین می کنیم. جهان ونظم هدفدار

مشاهـدات عینی وکاوشـهای علمی، از نظم هدفدار موجودات طبیعی گزارش می دهند، چیزی که هست روشـنترین وبارزترین جلوه های نظم برای بشـر در عالم نباتات وحیوانات وبه ویژه انسان نمودار است و در حقیقت هریک از رشته های علوم در خدمت بررسی

کیفیت این مجموعه هاست که با هماهنگی خاصی، اهداف وآثار ویژه ای را در پی دارند.ما فقط از نمونه های بسیار روشن بهره می گیریم: ۱. تمام تشکیلات چشم از مردمک گرفته تا پرده های مختلف آن

------------------ صفحه ۸۷

و آبهای گوناگون ومخروطها واعصاب بینایی وعضلاتی که حرکات چشم را تکمیل می کنند، با کمیّت وکیفیّت خاصی دور هم گرد آمده اند و آن چنان با یکدیگر همکاری وهماهنگی دارند که هدف معیّنی به نام بینایی را تحقق میبخشند ;اگر این همکاری وهماهنگی ویا نسبتهای مختلف اجزاء از نظر کیفیت وجود نداشت، یا پس از وجود یافتن آسیب می دید، هدف یاد شده جامه هستی نمی پوشید وهر چشم پزشکی ویا کحّالی، ساختمان چشم را بررسی کند، به روشنی داوری می کند که در پیدایش دستگاه بینایی، هدفی در نظر گرفته شده آن گاه پدید آمده است. ۲. همزمان با تولید نوزاد، شیری در پستان مادر پدید می آید. پیدایش شیر در سینه مادر، معلول سلولها وبافتها وترشح هورمونها وخون موجود در بدن مادر است وکسی در این مطلب تردید ندارد. سخن این جاست که این بافتها ورگها وهورمونها با این کیفیّت وکمیّت، به صورت یک حلقه زنجیری در کنار هم قرار گرفته ودست به دست هم داده اند تا در همان موقع که نوزاد متولد می گردد و فقط با شیر می تواند زندگی کند، از همان اشیای مادی از طریق پستان مادر، شیری ترشح کند که کاملاً با دست وآغوش مادر ودهان وگلوی کودک متناسب بوده وشدّت ومقدار ترشح کاملاً با مجاری غذای کودک مناسب باشد.مطالعه این پدیده حاکی از هدف گرایی در خلقت زن

------------------ صفحه ۸۸

ونوزاد است. ۳. دستگاههای مربوط به تناسل چه در عالم حیوانی، و چه در عالم نباتی، چه در جنس نر و چه در جنس ماده ، گواه روشن بر هدف داری است، و آن حفظ نسل است.و ما از میان مثالهای فراوان، به این سه مثال اکتفا می نماییم.زیرا علوم طبیعی رنج اثبات این موضوع را بر عهده گرفته اند واین مطالب در دسترس همگان است و به گفتگوی گسترده احساس نیاز ندارد. اکنون به بیان مقدمه دوّم می پردازیم. ارتباط منطقی نظم با دخالت شعور

عقل وخرد به روشنی درک می کند که یک نوع رابطه منطقی میان: نظم، ودخالت عقل ویا هماهنگی، وآگاهی ونیز هدفداری، وشعور وجود دارد، وهرگز معقول نیست که بخش نخست از هریک از این سه معادله بدون دوّمی پدید آید، زیرا خرد می گوید ساختمان هریک از این پدیده ها حاکی از یک نوع محاسبه واندازه گیری است که اجزای متفاوت پدیده ها را از نظر کمّی وکیفی متناسب ساخته، و در میان آنها همکاری وهماهنگی برقرار نموده است تا سرانجام هدف

------------------ صفحه ۸۹

تحقّق پذیرد و هرگز نمی توان چنین کاری را معلول هر نوع عامل ناآگاه دانست، زیرا محاسبه واندازه گیری که اساس نظم را تشکیل می دهد، زاییده علم وآگاهی است وتنها از عامل دانا وتوانا ساخته است واز عامل ناآگاه ساخته نیست. به دیگر سخن: عقل وخرد، در هر پدیده منظمی سه عنصر را لمس می کند: ۱. برنامه ریزی. ۲. سازماندهی. ۳. هدفداری. تا آن جا که مشاهده حسی وکاوش علمی در باره طبیعت انجام گرفته است، این سه عنصر مشهود ومسلّم است. این از یک طرف، از طرف دیگر عینیت بخشیدن به هر یک از این سه عنصر، به محاسبه واندازه گیری و انتخاب اجزای پدیده ها از نظر کمیّت وکیفیت وبینش صحیح وهماهنگ نیاز دارد، به گونه ای که اگر یکی از این عملیات درست انجام نگیرد، نظم دچار خلل می گردد، ماهیت چنین عملیاتی، جدا از علم وآگاهی نیست وهرگز نمی توان چنین عملیاتی را از طریق عامل ناآگاه که درست نقطه مقابل این نوع عملیات است، تفسیر کرد. روی این بیان میان نظم پدیده، و دخالت شعور در آن، رابطه

------------------ صفحه ۹۰

عقلی موجود است وخرد با مطالعه ماهیت عمل وشؤون پدیده، چنین رابطه وپیوندی را کشف می نماید وهر نوع اندیشه ای را که

در برابر این نظریه قرار گرفته باشد، شدیداً رد می کند. در این داوری اوّلاً: بشر برای مقایسه عالم طبیعت، به مصنوعات خود نیاز ندارد.ثانیاً: در آن تجربه وآزمون دخالتی ندارد، بلکه بررسی واقعیت نظم مسلّم در قلمرو دانشها، انسان را به چنین رابطه ای رهبری کرده ومی گوید: محال است یک چنین نظام بدیع و شگرف که از سرتاپای وجود آن محاسبه واندازه گیری، انتخاب وگزینش، سازمان دهی، جهت گیری وهدفداری می بارد، مخلوق عامل ناآگاه باشد، بلکه عقل و شعوری جدای از جهان ماده، به این نظم تحقّق بخشیده است. این منطق عقل وخرد است ودر قلمرو این حکم، پدیده طبیعی و مصنوع بشری یکسان است وهرگز مصنوع انسان پایه وپلی برای کشف چگونگی پدیده های منظم طبیعی نیست، بلکه همگان در برابر حکم خرد یکسان بوده ویک مقام دارند وپشتوانه حکم خرد، مطالعه وبررسی ماهیت نظم درتمام موارد ـ اعم از مصنوعی وطبیعی ـ است وماهیت نظم، به روشنی گواهی می دهد که این کار، یک کار عقلانی وحساب شده ـ نه نتیجه عاملی ناآگاه ـ است. اگر عقل باور نمی کند که نظم موجود در پدیدهای به نام ساعت،

------------------ صفحه ۹۱

محصول عاملی ناآگاه باشد، و اگر خرد باور نمی کند که یک ماشین حساب، بدون محاسبه وبرنامه ریزی و انتخاب وگزینش پدید آمده است واگر عقل باور نمی کند که پالایشگاهی بدون برنامه ریزی های عریض وطویل مهندسان و کارشناسان و تکنسین ها تحقق یابد، همه وهمه به خاطر یک قاعده کلی ـ مطالعه ماهیت عمل ـ است، هرگاه در ساختمان چیزی نظم ومحاسبه انتخاب وگزینش همکاری وهماهنگی، هدفداری و هدف گرایی به کار رفته باشد، خود ماهیت کار با زبان تکوینی که از هر زبانی گویاتر است، میگوید:«در پیدایش من، عقل، خرد، شعور، درک، علم و آگاهی دخالت داشته ومن محصول عاملی ناآگاه نیستم». عقل وخرد، این حکم را در باره«یاخته انسانی»، مغز، قلب و سلسله اعصاب، ارتباط وهمکاری نزدیک و هماهنگی آنها با یکدیگر تا برسد به منظومه های بزرگ آسمان، صادر می کند و در این داوری به غیر از مطالعه خود پدیده ـ اعمّ از طبیعی و مصنوعی ـ به چیز دیگری نیاز ندارد.

------------------ صفحه ۹۲

۷–خاصیت ماده و نظم هدفدار

۷–خاصیت ماده و نظم هدفدار

گروهی از مادی ها پیدایش نظم را از خواص ماده می دانند و می گویند الهیون می خواهند نظم جهان را از طریق علّت بیرونی تأمین وتفسیر کنند، در حالی که می توان این نظم را از درون ماده نیز تأمین کرد وآن این که ماده نخست بالذات دارای ویژگی هایی است که به تدریج آن را به این حدّ از کمال سوق داده است وپیوسته این حرکت، معلول عامل داخلی است که همواره در آن تحول ها وتکامل ها وانواعی را به وجود می آورد، هرگاه چنین احتمالی در ذهن ما قوّت بگیرد، دیگر برای تفسیر نظم طبیعت، نیازی به دخالت عامل ماورای طبیعی نیست. جان هیک نویسنده فلسفه دین، این قسمت از اشکال هیوم را

------------------ صفحه ۹۳

چنین تقریر می کند:«پس از اعتراف به وجود نظم در طبیعت، این پرسش مطرح می شود که آیا این نظم می توانست جز از طریق طرحی آگاهانه، به وجود آمده باشد؟ هیوم به عنوان نوعی راه حل، فرضیه اپیکوری را پیشنهاد می کند:عالم مرکب از تعداد بی شماری از ذرات صغار است که به طور تصادفی در حرکت هستند. در یک زمان نامحدود، این ذرات صغار ترکیبات متعددی را پیدا می کنند وبه انواع صورتهای گوناگون ممکن در می آیند. اگر یکی از این ترکیبات، نظم ثابت ومعیّنی را پیدا کند ـخواه موقّت یا به طور دایم ـ این نظام در طی نظام مناسب، صورت استقرار خواهد یافت وممکن است کیهان با انتظامی که هم اکنون در

آن زندگی می کنیم، از این ترکیبات ساخته شده باشد». آنگاه جان هیک می افزاید: «این فرضیه مدل ساده ای برای تبیین طبیعت گرانه سرشت منظم عالم فراهم می سازد، این مدل را می توان در پرتو علوم جدید مورد تجدید نظر یا گسترش قرار داد». سپس به فرضیه تکامل تدریجی داروین در جانداران اشاره می کند که در هر نسل تغییرات تصادفی رخ می دهد وآن نوعی که با محیط انطباق بیشتری دارد، باقی می ماند.(۱)

---

۱ . جان هیک، فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، ص۶۳ ;نیز ر.ک: جان هاسپرز، فلسفه دین، ترجمه ونشر مرکز مطالعات وتحقیقات اسلامی.

------------------ صفحه ۹۴

خاصیت ذاتی ماده قادر بر تفسیر نظم هدفدار وآینده نگر نیست

هرگاه مقصود از خاصیت ماده این است که هر عنصری برای خود اثری دارد که در پرتو ترکیب آن با دیگری پدیده سوّمی به وجود می آید، جای بحث وگفتگو نیست. مثلاً در پدیده های نباتی، هر گلی بویی وهر گیاهی خاصیتی دارد واثر فلفل غیر از شکر وهر دو غیر از زعفران است. هرگز انسان عاقلی منکر این آثار ویژه و این که از ترکیب آنها چیز سوّمی به وجود می آید ـخواه مطلوب، خواه نامطلوب ـ نیست، ولی برهان نظم بر اساس انکار این خواص طبیعی نیست.اساس برهان نظم هماهنگی وهمکاری، محاسبه وهمکاری میان اجزای هر موجودی برای دست یافتن به هدف خاصی است که حاکی از مداخله شعور، در ترکیب این موجود است وخاصیت هر یک از عناصر نمی تواند توجیه گر این نوع نظم(نظم غایی) باشد، مثلاً در میان اجزای ساختمان یک چشم، چنان هم آهنگی وهمکاری وجود دارد که کمترین خلل در آن، عمل بینایی وهدف از آن را خنثی می سازد.هم آهنگ ساختن دهها اجزای به هم پیوسته چشم از آبها وپرده ها واعصاب وغیره، فقط می تواند معلول دخالت عقل وشعور باشد که با محاسبه بتواند آنها را هماهنگ سازد وگرنه اثر هر یک از این اجزا که طبعاً فاقد شعور است، نمی تواند این ترکیب را پیش بینی کند

------------------ صفحه ۹۵

و به وجود آورد. ما در این جا از یک مثال برای روشنتر شدن مطلب کمک می گیریم:مثلاً می گوییم:«افلاطون استاد ارسطو بوده است» این جمله از (۲۴) حرف ترکیب یافته است که عبارتند از:(ا ـ ف ـ ل ـ ا ـ ط ـ و ـ ن ـ ا ـ س ـ ت ـ ا ـ د ـ ا ـ ر ـ س ـ ط ـ و ـ ب ـ و ـ د ـ ه ـ ا ـ س ـ ت). هرگاه کسی بگوید هر یک از این حروف، دارای صدا وآهنگ خاصی است، سخن درستی گفته است، ولی دراین جمله علاوه بر این آهنگها وصداها، تناسب وانسجام مشاهده می شود که در سایه آن، معنی مقصود با آن بیان می گردد. هرگاه کسی بگوید: این هم آهنگی وهمکاری معلول خواص این حروف است (یعنی حروف علاوه بر این خواص، توانایی آن را دارند که برخیزند وترکیب هدفداری را ایجاد کنند) سخنی را گفته است که هیچ خردمندی باور نمی کند. اگر یک چنین تفسیری در باره این جمله مورد پذیرش نیست، چگونه می توان گفت کتاب بزرگ طبیعت با داشتن عناصر بی شمار و بدون دخالت عامل درک وشعور، چنین نظم شگفت آوری را یافته است. در اینجا از مثال دیگری کمک می گیریم: فرض کنید در یک انبار کالا، اجناسی از قبیل عطر ، فلفل ، کاکائو ، زردچوبه ، قند ، شکر ، زعفران، هل، نبات، بنفشه، عرق

------------------ صفحه ۹۶

بهار نارنج و... موجود است و هر یک از این اشیای مادی، برای خود اثر طبیعی دارند، اگر کسی بپرسد چرا فلفل، تند و شکر، شیرین ، و عرق بهار نارنج، معطر است؟ پاسخ آن این است که اینها خواص ذاتی این پدیده ها به شمار می روند، ولی اگر در جهان علاوه بر ذات اشیاء و خواص فردی، نوعی ترکیب و تنظیم، نوعی ارتباط دقیق، نوعی پیوند و انسجام، میان اشیاء دیده شود وخواص

مختلف آنها آن چنان هماهنگ و تلفیق گردند که از مجموع، هدف و منظور خاصی به وجود آید، هرگز در این صورت نمی توان این هم آهنگی و انسجام را از طریق خواص اجزای ماده توجیه کرد، زیرا نظریه «خاصیّت ذاتی» اثر تک تک اجزاء را ایجاب می کند، نه انسجام و هماهنگی و نه تأمین هدف معینی را ، در حالی که ما در جهان علاوه بر آثار ذاتی ماده، یک نوع هماهنگی و انسجام و این که از هر جزیی به اندازه لازم وحساب شده در پدیده ها وجود دارد، احساس و لمس می کنیم که هرگز نمی توان آن را با نظریه خاصیت ذاتی توجیه کرد، بلکه بایـد آن را از طریق دیگر توجیه کنیم و بگوییم هماهنگی میان آثار مختلف ماده، معلول فاعلی است که با شناخت خواص ماده و تلفیق آنها با محاسبه خاص، به هدف و منظور خود تحقّق بخشیده است. از این جهت باید انسجام و هماهنگی و هدف گرایی را از این راه توجیه کرد، نه از طریق خواص ذاتی ماده.

--------------- صفحه ۹۷

به عبارت روشنتر تأمین هدف معین و انسجام و هماهنگی از سه حالت بیرون نیست. الف: یا اثر هر یک از این اشیاء مادی است. ب: یا اثر مجموع اشیاء مادی است، به هر صورت که ترکیب و تلفیق گردند. ج: یا اثر مجموع اشیاء است، امّا مشروط بر این که به گونه خاصی به شکل معیّنی، با هم ترکیب شوند. هرگز نمی توان فرض نخست را پذیرفت، زیرا بدیهی است که از یک شیئ مادی، بدون ضمیمه اشیای دیگر، آن اثر خاص به دست نمی آید، همچنان که نمی توان بر روی فرض دوم، صحه گذاشت، زیرا ترکیب اشیای مادی به هر صورت و به هر شکل، هدف را تأمین نمی کند. در این موقع فقط یک صورت باقی می ماند و آن این است که اجزای آن به شکل خاصی ترکیب بشوند که هدف و منظور را تأمین کند، اکنون سؤال می شود، چه شد که این اشیای مادی که هر کدام اثر خاصی دارند، از میان میلیونها صورت، فقط صورتی تحقّق پذیرفت که هدف و مقصد معینی را تأمین می کند، در صورتی که تأمین هدف خاص و انسجام اجزاء به صورت معیّن، اثر ذاتی ماده نیست. در پایان یاد آور می شویم:«جان هیک» در پایان سخن خود به

--------------- صفحه ۹۸

فرضیه تکامل تدریجی «داروین» اشاره می کند ومی خواهد تکامل خصوص جانداران یا مجموع جهان را از این طریق توجیه کند، به همین مناسبت می گوییم: تفسیر نظم جهان طبیعت از طریق «خاصیت گرایی»، از زمانی بیشتر قوّت گرفت که فرضیه تحوّل انواع، از طریق تکامل تدریجی مطرح گردید. ولی در این جا دو نکته را یاد آور می شویم: ۱. پذیرش تکامل تدریجی ما را از اعتقاد به دخالت شعور در این تکامل بی نیاز نمی سازد، زیرا نظام تکامل جانداران، خود حاکی از یک رشته برنامه ریزی است که موجود ناتوانی طبق نقشه وبرنامه ای به تکامل می رسد. ۲. فرضیه تکامل انواع به صورت تدریجی، مدعی است که پاره ای از اعضای جدید، تصادفاً پیدا می شوند و گاه این عضو، کمک مؤثری به بقای نسل جاندار می کند ودر غربال انتخاب طبیعی برای او، نسبت به فاقد آن مزیتی محسوب می شود ودر نتیجه این صنف از نوع، در قلمرو بقا، شانس بیشتری پیدا می کند وبقیه از بین می رود. ولی باید توجه نمود که میدان زندگی، بسان میدان المپیک در مسابقات اسب دوانی نیست که چه بسا درازی گوش یک اسب، سبب سبقت وبرندگی سوار کار می شود، بلکه در میدان زندگی، پیدایش یک عضو در صورتی کمک به بقا می کند که همه اعضای

--------------- صفحه ۹۹

هم آهنگ آن یک جا تحقق پذیرد ;مانند دستگاه بینایی وإلاّ پیدایش یک پرده، یک آب، یک عصب، کوچکترین کمکی به بقای آن نمی کند وهرگز نمی توان تکامل عضو را از این طریق توجیه وتفسیر کرد. موجود بینا آن گاه شانس بیشتری بر بقا دارد که دستگاه بینایی به صورت کامل در او پدید آید، تا در پرتو بینایی، خود را از خطر مصون بدارد وبه بقای خود کمک کند، ولی پیدایش تنها شبکیه، یا قرنیه بدون دیگر اجزای هماهنگ، کاری را صورت نمی دهد. با این بیان نمی توان تکامل جهان را از طریق

تکامل تدریجی تفسیر وتوجیه کرد.و ما در فصل تعارض دین و علم در باره فرضیه داروین به طور گسترده سخن خواهیم گفت.
آینده نگری نمی تواند محصول خاصیت طبیعت باشد
در تقریر برهان نظم یاد آور شدیم که در برخی از موارد نظم در طبیعت، یک نوع آینده نگری است. یعنی به خاطر رسیدن به یک هدف، قبلاً کارهایی صورت می گیرد که اگر به موقع انجام نمی گرفت، با مشکل بسیار بزرگی روبرو می شد ;در آن جا گفتیم همزمان با تولّد نوزاد، شیری در پستان مادر می آید که مایه حیات کودک است. پیدایش شیر در سینه مادر، معلول سلولها وبافتها وترشح هورمونها وخون موجود در بدن مادر است. سخن این جاست که این بافتها ورگها وهورمونها ـ با این کیفیت وکمّیت ـ به صورت یک حلقه
------------------ صفحه ۱۰۰
زنجیری در کنار هم قرار گرفته و دست در دست هم داده است تا موقع تولد نوزاد، تنها غذای مناسب او آماده باشد. این آینده نگری که خود ملازم باعلم وشعور ومحاسبه واندازه است، ازعهده ماده کور وکر بیرون است. این نوع آینده نگری در دل بسیاری از موجودات طبیعی نهفته است، چیزی که هست دل بیدار و آگاه لازم داردکه از فرآورده های علمی چنین بهره گیری کند.
صفحه ۱۰۱

۸- برهان نظم، برهان تجربی نیست

۸- برهان نظم، برهان تجربی نیست
گاهی تصور می شود که برهان نظم یک برهان تجربی است زیرا تجربه و آزمون ثابت کرده است که نظم در مصنوعات بشری بدون دخالت عقل و شعور پدید نمی آید، زیرا هیچ دیده نشده است خانه ای یا کارخانه ای،و یا کشتی بدون دخالت آگاهی و تدبیر صورت پذیرد. این تقریر، یک نظریه سطحی از برهان نظم است که می تواند در قلمرو نقد و چالش قرار گیرد به شکل زیر: وجود نظم هدفدار وغایی گواه بر طراح دانا وتوانا نیست، زیرا حاصل برهان نظم جز یک تمثیل ویک مقایسه، آن هم مقایسه عالم طبیعت به مصنوعات بشری نیست و این مقایسه باطل است، زیرا ما
------------------ صفحه ۱۰۲
مصنوعات بشری را کراراً تجربه کرده ایم که بدون دخالت علم وقدرت و محاسبه و اندازه گیری، به وجود نمی آیند وهیچ گاه بشر ندیده است که آهن پاره هایی یک مرتبه یا به تدریج ـ حرکت کنند وخطوط منظم راه آهن یا قطاری را تشکیل دهند. از این جهت وجود مصنوع منظم بشری، گواه بر وجود علم واندیشه است، ولی در مورد پدیده های طبیعی، چنین تجربه ای صورت نگرفته است وجهانی که ما در آن زندگی می کنیم، نخستین جهانی است که با آن روبرو شده ایم، در این صورت چگونه می توانیم حکم مصنوعات بشری را بر پدیده های طبیعی جاری سازیم؟ این مقایسه در صورتی درست می باشد که جهان هایی به همین شکل ووضع و نظام از موجود دانا و توانا صادر شده باشد، آنگاه پس از دیدن نظایر جهان های تجربه شده، یقین کنیم که این جهان نیز مانند آن جهان ها علّتی دانا و توانا دارد ;در صورتی که چنین تجربه ای در میان مصنوعات انسانی، مانند کشتیها وخانه ها انجام گرفته، ولی درباره جهان چنین تجربه ای انجام نگرفته است و جهان نسبت به ما نخستین مصنوع طبیعی است که در برابر آن قرار گرفته ایم وپیش از آن نظیری برای آن ندیده ایم. پاسخ
یک چنین تقریر از برهان نظم، یک تقریر سطحی است که مورد
------------------ صفحه ۱۰۳
توجه، ناقد یا ناقدان قرار گرفته است. اگر برهان نظم به شکلی که در فصل پیش تقریر شد مطرح شود، یک برهان کاملاً عقلی

خواهـد بود که اساساً ارتباطی به تمثیل وتجربه ندارد ؛زیرا عقل پس از مطالعه در ماهیت نظم میگوید: ساختمان هریک ازاین پدیده ها که هریک از اجزای بی شـماری مرکب است، حاکی از یک نوع محاسبه واندازه گیری است که اجزای پدیده ها را با هم از نظر کمی و کیفی متناسب ساخته ودر نتیجه در میان آنها همکاری و هم آهنگی برقرار نموده است تا هـدف خاصـی، تحقق پذیرد. چنین کاری زاییـده علم وآگاهی ودقت وحساب است وتنها عامل آگاه می توانـد با محاسـبه وانـدازه گیری، به برنامه ریزی وسازمانـدهی بپردازد. به دیگر سخن، میان «نظم غایی» و«دخالت شعور»، رابطه مستقیم ومنطقی وجود دارد وخرد با مطالعه ماهیت عمل، این رابطه را کشف می کنـد وهر نوع انـدیشه خلاف آن را مردود می شـمارد. در این بیـان شباهت جهـان به کشتی یـا بهره گیری از تجربه وآزمون مـدخلیت نـدارد، تنها بررسـی نظـم به معنی گذشـته که با محاسـبه واندازه گیری، انتخاب وگزینش، سازماندهی وهمکاری وجهت گیری وهدفداری همراه است، به عقل امکان می دهد که وجود طراح دانا و توانا را پشت سر هر موجود منظم قطعی ویقینی، بادیده خرد مشاهده کند، خواه این موجود منظم مصنوع بشری باشد یا پدیده

------------------ صفحه ۱۰۴

طبیعی و هر دو موجود بـدون این که یکی اصـل باشـد ودیگری فرع، دربرابر این حکم عقلی یکساننـد. اگر خرد بـاور نمی کنـد که یک ماشـین حساب بدون برنامه ریزی وطرح عالمانه پدید آمده باشد ویا باور نمی کند که پالایشگاهی بدون برنامه ریزی مهندسان تحقق یـافته باشـد، همه وهمه به خـاطر یـک قاعـده کلّی است وآن مطـالعه ماهیت کار است. به دیگر سـخن: هر موجودی که جامه وجود پوشیده ودر هستی آن انتخـاب وگزینش، همکـاری وهم آهنگی، هـدف داری وهـدفگرایی مشاهـده گردد، خود بازبـان بی زبانی می گوید:در پیدایش من عقل وخرد، درک وشعور مدخلیت کامل داشته است.

------------------ صفحه ۱۰۵

بخش دوم : آثار سازنده ایمان به خدا از دیدگاه قرآن

آثار فردی و اجتماعی ایمان به خدا

آثار فردی و اجتماعی ایمان به خدا

دلایل پیشـین با روش های مختلف وگوناگون خود ما را، با سرچشـمه هستی که سازنده جهان و پدید آرنده انسان است کاملاً آشنا سـاخت. و به روشـنی آگاه شـدیم که این نظام شـگرف زاییـده تصادف نابینا نیست، و تصادف کور و کر، ناتوان تر از آن است که بتوانـد برای نظـام بسـی کوچکی، طرحی بریزد، و یـا آن را بسازد ؛تا چه رسـد برای یک چنین نظام بزرگی که عقل و خرد در برابر آن مبهوت و حیران می باشـد. ولی «هزار نکته باریک تر از مو این جا است» که بدانیم ایمان به خدای دانا و توانا، و اعتقاد راسخ به خـدای حکیم و دادگر عامـل سازنـده ای است که در سـرنوشت و متن زنـدگی مـا تـأثیر عظیمی دارد، و هرگز اعتقـاد به خـدا مانند اعتقاد به وجود «جن و فرشته» و دیگر موجودات نامرئی نیست که بود و نبود چنین ایمان و عقیده در سرنوشت ما یکسان باشد.

------------------ صفحه ۱۰۸

بلکه اعتقاد به خـدا با صـفات یاد شـده ما را ملزم می سازد که به یک رشـته تکالیف و وظایفی شدیـداً پای بنـد باشـیم، تکالیفی که عقل و خرد آن را تأیید کرده و قرآن مجید نیز آن را تشـریح نموده است. آثار ایمان به خدا از نظر عقل و شـرع یکی و دو تا و ده تا نیست که پیرامون همه آنهـا به بحث و گفتگو بپردازیم بلکه آن چنان وسیع و دامنه دار است که این کتاب گنجایش بیان یک دهم آنهـا را نـدارد و مرحوم مجلسـی قسـمت اعظم این آیات را در آغاز جلـد پانزدهم گرد آورده است برای نمونه کافی است که شـما آیـاتی را که با جمله های:(یا أَیُّها الّـذینَ آمَنُوا...)، (اِنَّ الّـذین آمَنُوا...)، (اِنّما المؤمنون...)، (المؤمنون والمؤمنات...) وامثال این آغاز

می شود، در نظر بگیرید زیرا خداوند در این نوع آیات به آثار و ویژگی های ایمان اشاره کرده و وظایف و تکالیفی را که اثر مستقیم ایمان به خدا است، بیان نموده است. تجزیه و تحلیل مجموع آنچه که قرآن در این باره یادآوری نموده است، از قدرت و توانایی یک فرد عادی بیرون می باشد و برای اخذ نتیجه باید لجنه ای که اعضاء آن کاملاً با قرآن آشنا باشند تشکیل گردد و به چنین کار خطیری قیام کند، در این موقع خواهید دید که قرآن دریای عظیمی از معارف است که هر چه روی آن کار شود شگفتی های آن به پایان نمی رسد، و از بحث و بررسی بی نیاز

------------------ صفحه ۱۰۹

نمی گردد.(۱) نگارنده برای این که نمونه ای از کار را نشان دهد و طرح خود را در یک شعاع کوچکی پیاده کند به تشریح قسمتی از ویژگی های ایمان که در قرآن وارد شده است پرداخته و بحث همه جانبه را برعهده لجنه یاد شده می گذارد و از خداوند بزرگ می خواهد که این طرح جامه وجود به خود بپوشد.

----

۱ . در این مورد از نگارنده دو اثر منتشر شده است: ۱. مفاهیم القرآن به زبان عربی. ۲. منشور جاوید به زبان فارسی در چهارده جلد. و هر دو اثر تفسیر قرآن به صورت موضوعی است که آیات مربوط به اصول عقیدتی و اخلاقی و اجتماعی یک جا گردآوری شده سپس به کمک یکدیگر تفسیر شده اند.

------------------ صفحه ۱۱۰

۱– اخلاص در عمل در پرتو ایمان

۱– اخلاص در عمل در پرتو ایمان

کارها برای خدا (۱)

از موضوعاتی که قرآن اهمیت زیادی به آن داده است، مسأله اخلاص در عقیده و عمل است. مقصود از اخلاص در عقیده این است که خدا را از هر نوع شرک و دوگانگی، پیراسته دانسته او را به یگانگی بپرستیم. دانشمندان هر چند برای اخلاص در عقیده مراحل گوناگونی بیان

----

۱ . محور گفتگوی ما در این بحث آیه مبارکه زیر است: (قُلْ إِنّما أَعظُكُمْ بِواحِدَهٔ أنْ تَقُومُوا لِلّهِ مَثْنی وَفُرادی...).(سبأ/۴۴). «بگو من شما را به یک سخن پند می دهم و آن این که کارهای فردی و دسته جمعی را برای خدا انجام دهید».

------------------ صفحه ۱۱۱

کرده اند و آن را سه تا دانسته اند(۱)، ولی اصرار قرآن بیشتر روی اخلاص در عبادت و پرستش است، از این جهت ما بحث خود را به اخلاص در عمل اختصاص می دهیم. *** درباره اخلاص در عبادت همین بس که بزرگ ترین جرم عرب جاهلی و بت پرستان این بود که به عبادت غیر او پرداخته و بت هایی را به عنوان شفیعان درگاه الهی می پرستیدند. از این جهت قرآن به پیامبر دستور می دهد که عبادت و پرستش خود را خالص ساخته و جز او را نپرستد و نیز به پیروان راستین آیین او، یادآور می شود که جز خدای یگانه چیزی را نپرستند. برخی از آیات مربوط به این موضوع به قرار زیر است: ۱.(إِنّا أَنْزَلْنا إِلَیکَ الْکِتاب بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللّهَ مُخلِصاً لَهُ الدِّینَ...)(۲): « ما کتاب را به حق به تو نازل کردیم تا خدا را بپرستی، و اطاعت خویش را خالص گردانی».

----

۱ . الف. توحید در ذات، که ذات او را یگانه دانسته و برای او همتایی قائل نباشیم. ب. توحید در صفات، یعنی صفات او در عین

تعدد از نظر مفهوم ولی از نظر واقعیت یکی است و تعدد صفات او موجب ترکیب ذات نمی گردد. ج. توحید در افعال یعنی او را مؤثر واقعی در جهان دانسته و هر نوع تأثیر را مستند به او بشماریم. ۲ . سوره زمر، آیه ۲: لفظ (دین) در این آیه و آیات بعدی به معنی اطاعت است.

------------------- صفحه ۱۱۲

۲. (قُلْ إِنّی أُمرتُ أَن اعبُد اللّه مُخْلِصاً لَهُ الدِّین)(۱): «بگو به من فرمان داده شده که خدا را بپرستم و اطاعت خود را از هر نوع شرک خالص گردانم». ۳.(قُل اللّه أَعْبُد مُخْلِصاً لَهُ دِینی).(۲) «بگو فقط خدا را می پرستم و اطاعت خود را مخصوص او می سازم». ۴.(وَلَنا أَعْمالُنا وَلَکُمْ أَعْمالکُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُون).(۳) «به جامعه یهود بگو:برای ماست اعمال ما، و برای شماست اعمال شما، ولی توحید واقعی از آن ما است». تأکید این آیات بر ابراز انزجار از شرک و عدم اخلاص در عبادت است یعنی به جای خداوند، مخلوقات او را به نام بت نپرستند، زیرا حقِّ پرستش مخصوص او است و از آن دیگری نیست. اخلاص در عبادت
ولی در جامعه اسلامی که در پرتو قرآن از چنگال شرک در

----

۱ . سوره زمر، آیه۱۱. ۲ . سوره زمر، آیه ۱۴. ۳ . سوره بقره، آیه ۱۳۹ ـ قریب به این مضمون آیات دیگری نیز در قرآن وارد شده است، به سوره های : نساء، آیه ۱۴۶، اعراف آیه ۲۹، غافر، آیه ۱۴ و ۶۵، بینه آیه ۵ مراجعه بفرمایید.

------------------- صفحه ۱۱۳

عبادت رهایی یافته، و بت های ظاهری و مصنوعی را شکسته اخلاص در عمل و نفی شرک در عبادت، معنی دیگری پیدا کرده که بسیار لطیف و روح پرور است و آن این که جز خدا محرک دیگری در انجام وظایف نداشته باشیم و عبادت های ما از هر نوع «ریا» و «شهرت» بلکه تمام کارهای خیر و نیک ما از هر نوع هوا و هوس دور باشد، و انگیزه ما در کارهای فردی و اجتماعی کسب رضای خدا باشد و شعار ما در زندگی این باشد: (قُلْ إِنّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَهٔ أَنْ تَقُومُوا للّهِ مَثْنی وَفُرادی). «بگو من به یک کلمه شما را پند می دهم و آن این که دسته جمعی و یا تک تک برای خدا قیام کنید و کارهای فردی و اجتماعی شما همگی برای خدا باشد». و هدف ما در این بحث پرورش این قسمت از اخلاص است که مورد ابتلای جامعه اسلامی می باشد زیرا اخلاص به آن معنی که خدا را بپرستند و از پرستش بت ها دوری جویند، برای جامعه اسلامی خود به خود حاصل است و همه ما در پرتو پذیرفتن توحید و گفتن «لا اله الاّ اللّه» از این مرحله جسته و این نوع بت ها را شکسته ایم. آری قرآن، برای بت و شرک معنی وسیع تری قائل شده که شرک به آن معنی، دامن بسیاری از افراد جامعه ما را می گیرد، و ما را در چنگال بت پرستی و شرک قرار می دهد و آن این که: از ریا و ظاهر سازی و شهرت و خودنمایی دوری جوییم و تشریح این قسمت هدف

------------------- صفحه ۱۱۴

بحث ما را تشکیل می دهد. با دقت در مفاد آیات، به خوبی روشن می شود که قرآن بیش از هر چیز به مبارزه با شرک اهمیت داده است، در این موقع انسان از خود سؤال می کند، چرا قرآن روی مسئله شرک بیش از موضوعات دیگر حساسیت نشان داده است و با شدت و اصرار زیاد با آن مبارزه می کند؟ در صورتی که در جامعه اسلامی مسئله شرک به معنی بت پرستی وجود ندارد تنها جامعه عرب جاهلی بود که دچار این بیماری شده بود، آیا آلودگی جامعه عرب جاهلی مجوز آن است که در قرآن تا این حد روی شرک بحث شود؟... پاسخ: این که شرک به معنی بت پرستی، مخصوص جامعه عرب نبود، بلکه جامعه های دیگری نیز در آن زمان به این بیماری آلوده بودند، و هم اکنون جامعه های هند و ژاپن و قسمتی از هند و چین دچار این بیماری می باشند. از این گذشته، شرک در قرآن معنی وسیعی دارد و در جامعه اسلامی هر چند شرک به آن معنی وجود ندارد امّا در میان گروه هایی از جامعه اسلامی به صورت دیگری موجود هست، تو گویی شرک و بت پرستی تغییر قیافه داده و از نقطه دیگر سر بر آورده است

زیرا مقام و منصب، و ثروت و پول، وتجمل گرایی و مد، زن و شهوت تا سر حدّ بت، پرستش می شوند. مقام پرستان و پول پرستان، شهوت

------------------ صفحه ۱۱۵

پرستان، در برابر این نوع بت ها تا سر حد «الوهیت» خضوع نموده و همه چیز خود را فدای آنها می سازند. از این جهت قرآن روی مسئله دوری از شرک و گرایش به اخلاص، عنایت خاص نشان می دهد و شرک را مایه تباهی انسان می داند آنجا که می فرماید: (وَمَنْ یُشْرِکْ بِاللّهِ فَکانَّما خَرَّ مِنَ السَّماءِ فَتَخَطفَهُ الطَّیْر أَوْ تَهوی بِهِ الرِّیح فِی مَکان سَحیق).(۱) «هر کس برای خداوند شریکی قرار دهد مانند این است که از آسمان به روی زمین سقوط کند در این موقع یا مرغان هوا او را می ربایند، یا این که باد او را به نقطه دوردستی پرت می کند». ولی باید توجه نمود که مقصود از شرک همه انواع شرک و دوگانه پرستی است، خواه بت های مصنوعی باشد مانند «لات» و «هبل» که عرب جاهلی این دو بت را پرستش می کرد. و یا بت هایی مانند مقام و منصب و زن و شهوت و پول و ثروت و... باشد و به قول مولوی: مادر بت ها بت نفس شماست *** زانکه آن بت مار، و این بت اژدهاست

----

۱ . سوره حج، آیه ۳۱.

------------------ صفحه ۱۱۶

درس اخلاص را از طبیعت بیاموزیم

سازمان وجود مادی یک موجود زنده مانند حیوان، از میلیاردها سلول تشکیل یافته و هر کدام از این سلول ها بدون توجه به فعالیت سلول های دیگر، بدون چشم داشت، و انتظار پاداش از همنوعان خود، انجام وظیفه نموده و شغلی را که طبیعت به دوش آنها نهاده است با اخلاص کامل انجام می دهند. مثلاً قلب ما در هر دقیقه ۷۰بار باز و بسته می شود و با باز و بسته شدن خود، خون را که غذای طبیعی بدن است به تمام نقاط بدن ما می رساند، و این عضو حساس هرگز انتظار ندارد که سایر اعضای بدن مانند کلیه و کبد کار خود را انجام دهد، و تا زمانی که قدرت دارد کار خود را با اخلاص تمام انجام می دهد. ریشه های خاردار یک گیاه، آب و شیره های زمین را مکیده، بدون تظاهر و ریاکاری بلکه با استتار و اختفا و اخلاص کامل، در اختیار تنه درخت گذارده، و آن نیز در سایه عروق داخلی غذای لازم را به بلندترین شاخه های درخت می رساند. آیا عمل یک سلول ناچیز و فعالیت مخلصانه یک ریشه برای ما درس زندگی نیست که وظایف انسانی و اجتماعی خویش را بدون تظاهر و ریاکاری، بدون آن که به رخ این و آن بکشیم، انجام دهیم بلکه بسان مجموع جهان آفرینش به طور خودکار، کار و باری را که به دوش گرفته ایم به منزل برسانیم.

------------------ صفحه ۱۱۷

اخلاص یک مکتب تربیتی است

قبل از هر چیز باید اخلاص در عمل را یک مکتب عالی تربیتی دانست که می تواند روح ما را از هر نوع آلودگی پاک سازد زیرا اعمال افراد با اخلاص همان طوری که لفظ «اخلاص» از آن حاکی است از هر نوع تزویر و دروغ و نفاق و فریب وارسته بوده و خدمات و کارهای آنان از یک روح پاک که هرگز به اندیشه های پست آلوده نشده است سرچشمه می گیرد. ولی اعمال افراد (ریاکار) و سودجو را تیرگی های خاصی از تزویر و نفاق فراگرفته و آنان هر نوع عمل خیر را به منظور نفع مادی انجام می دهند و از آن به عنوان یک پل پیروزی و نردبان ترقی و پایه جهش به مطامع مادی خود استفاده می کنند. کدام یک از دو نفر وارسته از نقص و شایسته تحسین است؟ شما داوری کنید. در مکتب اخلاقی مادی، ملاک خوبی شخص همان «خوبی کردار» است و بس، اگر شخصی در محیط نیازمندان دست به تأسیس بیمارستانی بزند، روز افتتاح آن، دستگاه های تبلیغاتی غوغایی به راه می اندازند، عکس های بیمارستان زینت بخش صفحات جراید و مطبوعات آن روز می گردد، رپرتاژهای مفصلی از «مؤسس» و جزئیات

مؤسسه در روزنامه ها و مجلات چاپ می شود: گویندگان رادیو زبان به تحسین پایه گذار آن گشوده، و فیلم

------------------ صفحه ۱۱۸

قسمت های مهم آن به وسیله تلویزیون به مردم نشان داده می شود، و حکم صد در صد قطعی درباره خوبی بانی و سازنده آن صادر می گردد. ولی در مکتب اخلاقی قرآن تنها خوبی عمل، ملاک خوبی شخص شمرده نمی شود، علاوه بر پرونده عمل، پرونده نیت او نیز در تحسین او مطرح می گردد و وارسی می شود که این شخص این بیمارستان را به چه نیت ساخته است اگر عمل او از یک روح پاک و وارسته از هر نوع سودطلبی، سرچشمه بگیرد و محرکی جز عاطفه انسانی نسبت به نجات انسان های بی پناه نداشته باشد در این صورت چون هر دو پرونده با هم تطابق کامل دارند از خود شخص و کردارش به خوبی یاد خواهند کرد. ولی اگر این عمل به منظور جلب آراء و افکار مردم صورت بگیرد و هدف از آن، به دست آوردن پست های حساس سیاسی مثلاً خریدن رأی مردم در موقع انتخابات، و قبضه کردن مقامات و مناصب دیگر باشد، در این موقع خوبی عمل گواه بر خوبی شخص نبوده و چنان عملی در مکتب اخلاقی پیامبران بی ارزش خواهد بود، حتی این قسمت نیز روشن نیست که سود و زیان عمل او در اجتماع یکسان بوده و به اصطلاح «دخل» و «خرج» نماید. بی جهت نیست که قرآن وقتی مشرکان و بت پرستان می خواهند

------------------ صفحه ۱۱۹

مساجد را تعمیر کنند به توبیخ آنان برخاسته و این حق را از آنان سلب می نماید و آن را دربست در اختیار افراد با ایمان و نمازگزار و زکات بده و کسانی که از خدا می ترسند، می داند(۱) زیرا روان بت پرستان مکه مملو از آلودگی بوده و هدفی جز شهرت و کسب موقعیت در اجتماع نداشتند، از این جهت عمل آنها در پیشگاه داور، کاملاً بی ارزش بوده و باطل معرفی گردیده و آنها را شایسته چنین کاری ندانسته است. وانگهی افرادی که وظیفه بندگی او را رها کرده و پرستش او را ترک نموده اند، چگونه برای او معبد و مسجد می سازند آیا جز این است که انگیزه دیگری جز رضای خدا دارند؟ اینجا است که برتری نظام اخلاقی قرآن بر دیگر نظام ها روشن می گردد. اصولاً از اخلاق مادی جز این نمی توان انتظار داشت مثلاً امروزه بسیاری از مردم مغرب زمین به قسمت هایی از اخلاق مانند پرهیز از دروغ و نیرنگ و خیانت در داد و ستد اهمیت می دهند، ولی آنان این سجایای اخلاقی را از این نظر می خواهند که پل پیروزی در امور اقتصادی باشد و به عبارت دیگر سود و نفع خود را در این می بینند زیرا رونق بازار و گردش چرخ های مادی آنان، در گرو عمل به این اصول

----

۱ . سوره توبه آیه های ۱۷ و ۱۸.

------------------ صفحه ۱۲۰

است واگر روزی این صفات خاصیت اقتصادی خود را از دست دهند فوراً «جنتلمن های» اروپایی دست از آنها برخواهند داشت.(۱) بزرگ ترین ضربه بر اخلاق یک ملت این است که انسان آن را ابزار اقتصاد تلقی کند، و برای ارزش های اخلاقی هیچ نوع اصالت قائل نشود. از آن جا که در اخلاق غربی تمام ارزش های اخلاقی وسیله ای است برای منافع مادی، و هیچ گونه اخلاصی در آنها وجود ندارد، و از یک روح پاک و وارسته از علایق مادی سرچشمه نمی گیرد در مکتب رجال وحی بی ارزش است.(۲) اخلاص یا پایه ارزش های اخلاقی

کارهای خیر و نیکی که به خاطر یک سلسله اهداف مقدس مانند کسب رضای خدا، خدمت صادقانه به مردم و... تعقیب می شوند، به مراتب از کارهای به ظاهر نیکی که به خاطر تحصیل یک سلسله منافع شخصی و یا شهرت و ریاکاری انجام می گیرند، سودمندتر و استوارتر می باشند. کسانی که با دید مادی گری به این دو نوع کار می نگرند داوری ما

----

۱ . جاهلیت قرن بیستم. ۲ . (ألا لِلّه الدِّین الخالص): «دین وآیین پیراسته از هر نوع شرک و ریا و هوس از آن خداست».سوره زمر، آیه۳.

------------------ صفحه ۱۲۱

را یک نوع ادعای بدون دلیل می خوانند و هرگز باور نمی کنند که میان این دو نوع کار که یکی ریشه ایمانی و معنوی و جنبه هدفی دارد، و دیگری که بر اساس ریاکاری و صحنه سازی و منافع شخصی استوار است، چنین تفاوتی باشد. ولی توجه به یک مطلب، گفتار ما را ثابت می کند زیرا کارهای افراد هدفدار، دارای عوامل درونی عمیق بوده که ریشه های آن در اعماق روح و روان آنها جای دارد، و همین عوامل ریشه دار و درونی سبب می شوند که کار، پایدار گردد و برای همیشه ثمربخش باشد امّا کارهای افراد ریایی و غیر هدفی از یک سلسله عوامل سطحی و ظاهری متحول و ناپایدار سرچشمه می گیرند که با وزش نسیمی لرزان می شوند، و با لرزش خود، اصل کار را نیز ناپایدار و لرزان می سازند. تجربه نشان می دهد که انگیزه های معنوی و درونی همواره ثابت تر و پا برجاتر بوده ولی موضوعات سطحی و برونی همیشه در معرض نوسان و دگرگونی هستند، مثلاً حرارت داخل بدن همیشه ثابت و یک نواخت بوده ولی حرارت سطحی و ظاهری آن در معرض اختلاف و دگرگونی است، حرارت آب های زیرزمینی و قعر اقیانوس ها، درجه ثابت دارند و اگر هم اختلاف و نوسانی داشته باشند در شعاع بسیار کوتاهی است و هرگز دچار اختلاف و نوسان های آب های سطح زمین نمی گردند. کارهای هدفی از یک سلسله عوامل ثابت و پایدار مانند رضای

------------------ صفحه ۱۲۲

خدا، و عواطف انسانی، پاداش معنوی، سرچشمه می گیرند و این علل با ثبات و پایداری خود، به اصل عمل ثبات و پایداری می بخشند و به عبارت دیگر از آن جا که این دسته از کارها بر اساسی استوار است که ثابت و تغییر ناپذیر می باشد، حقیقت این نوع کارها، با عوامل ثابت و پایدار، و علل مافوق جهان ماده، به هم آمیخته شده و حقیقت عمل، چنگ در جهان ثابت و پایدار می افکند، و در پرتو آن، بقا و استواری کاملی می یابد، ولی اعمال ریایی و غیر هدفی ریشه های سطحی و مادی دارند، و این علل بسان تمام پدیده های مادی از اختلاف و دگرگونی امور مادی مستثنی نبوده، و هر لحظه در آستانه تبدل و تحول و دگرگونی است. قرآن مجید این حقیقت علمی را که اعمال به ظاهر نیک ریاکاران عمق و ریشه ندارد و لذا پایدار و استوار نخواهند بود در طی تشبیه لطیفی بیان کرده و می فرماید: کسانی که اموال خود را برای تظاهر و ریا، انفاق می کنند ـ عمل آنها ـ بسان دانه ای است که بر روی سنگ صاف قرار گرفته، و روی آن را خاک پوشانیده باشد، ناگهان رگباری به آن می رسد دانه و خاک را شسته و همراه خود می برد و جز سنگ صاف چیزی باقی نمی گذارد و از اعمال خود ثمر و نتیجه ای نمی برند.(۱)

----

۱ . سوره بقره، آیه ۲۶۴.

------------------ صفحه ۱۲۳

یک شاهد زنده

هر کسی در طول زندگی خود دارای هدفی می باشد، گروه وارسته اگر میز و مقامی را می پذیرند، برای این است که به هدفی که برای خاطر آن، این مقام بوجود آمده است، جامه عمل بپوشانند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در مسیر خود به بصره در نقطه ای به نام «ربذه» فرود آمد، حجاج عراقی که رهسپار مکه بودند از عبداللّه بن عباس درخواست کردند که وسیله ملاقات آنها را با حضرت علی(علیه السلام)فراهم سازد، وی وارد خیمه امیرمؤمنان گشت و دید که علی(علیه السلام)کفش خود را اصلاح می کند، ابن عباس از حضرتش خواهش کرد که از اصلاح کفش صرف نظر کند و به جای آن کفش نوی تهیه کند و حجاج عراقی را به حضور بپذیرد، امیرمؤمنان(علیه السلام)از ابن عباس پرسید: ارزش این یک جفت کفش چیست؟! وی گفت: یک درهم یا نصف درهم،

امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: ارزش این خلافت و ریاست در نظر من با این جفت کفش یکسان است مگر این که در پرتو آن، حقی را زنده سازم، و باطلی را از بین ببرم.(۱) مثلاً شهرداری که پست و مقام شهرداری را به خاطر هدف معنوی می پذیرد، برای درختکاری شهر و گل کاری باغچه های آن، از جان و دل می کوشد، و با غرس نهال و افشاندن بذر در فصل مناسب،

---

۱ . بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۸.

------------------ صفحه ۱۲۴

وظیفه خود را به طرز صحیحی انجام می دهد، و چیزی نمی گذرد که در پرتو مراقبت که از لوازم عشق به هدف است، در اندک مدتی خیابان ها و میدان های شهر با شکوفان شدن گل ها و درخت ها جلوه خاصی پیدا می کنند و این خدمت به صورت یک عمل مثبت و پایدار درمی آید. ولی شهردارانی هم می شناسیم که آنچه برای آنها مطرح نیست، مسأله هدف و آنچه ابداً در صدد آن نیستند هدف هایی است که موجب پیدایش این پست اجتماعی شده است. روزی که بنا بود یکی از رجال سیاسی از شهر یکی از این شهرداران که در منطقه جنوب کشور قرار دارد دیدن کند، او برای تظاهر و پرده پوشی در هوای گرم، شاخه های کوچک درختان را تهیه کرد، و گل هایی را از گل فروشی ها خرید، و یک روز پیش از ورود آن شخص ساقه های بی ریشه آنها را در دل خاک فرو برد، و نقاط دیدنی شهر را با آن گل ها که پس از دو سه روزی به خشکی و زردی گرایید سبز وخرم جلوه داد، و چنین وانمود کرد که این گل ها از اصالت خاص برخوردارند و از حالت بذری در همین نقطه به این صورت رسیده اند، ولی چون این کار برای او جنبه هدفی نداشت و برای ریاکاری و پرده پوشی صورت گرفته بود، در اندک مدتی فانی و نابود شد و بسان هر کار بی هدف و بی اساسی رو به تباهی نهاد.

------------------ صفحه ۱۲۵

نیت پاک جانشین عمل نیک می گردد

در نظام تربیتی اسلام، آن چنان به اصلاح باطن عنایت شده است که حتی نیت پاک از نظر پاداش و تقدیر، جانشین عمل می گردد، در جنگ جمل که جنگ به نفع امیرمؤمنان تمام شد یکی از افسران سپاه به آن حضرت عرض کرد: ای کاش برادرم در این نبرد حاضر بود، و پیروزی حق را بر باطل مشاهده می کرد و اجر و پاداشی از این جهان می برد. علی(علیه السلام) در پاسخ وی فرمود: اگر میل و علاقه برادرت با ما است و خواهان پیروزی حق بر باطل می باشد، بسان تو نیز اجر و پاداش خواهد برد، نه تنها برادر تو، بلکه کسانی که در صلب پدران و رحم مادران قرار دارند پس از آن که گام در صفحه گیتی نهادند، و سرگذشت مقابله حق و باطل را در روز «جمل» شنیدند و از صمیم دل خواهان پیروزی حق بر باطل شدند، بسان سایر شرکت کنندگان اجر و پاداش خواهند داشت.(۱) اسلام نسبت به اصلاح ضمیر و موضوع نیت به قدری اهمیت داده که در مکتب اخلاقی اسلام باید نیت فرد با ایمان پیوسته بالاتر از عمل او باشد یعنی باید خود را از نظر تصمیم آماده اعمال بزرگ تر سازد، گرچه در مقام انجام دادن فقط به مقدار کوچکی از آن قادر می باشد.

---

۱ . نهج البلاغه، خطبه ۱۱.

------------------ صفحه ۱۲۶

وقتی از امام باقر (علیه السلام) از مفاد حدیث: «نیت فرد با ایمان، بهتر از عمل او است و نیت کافر بدتر از عمل او می باشد» پرسیدند آن حضرت این حدیث را چنین توضیح داد: نیت مرد با ایمان برای کار خیر، پیوسته بالاتر از عملی است که انجام می دهد، و اگر امکانات اجازه دهد او بیش از آنچه اکنون کار می کند، خدمت می نماید چنان که نیت و تصمیم افراد بی خبر از خدا،

همیشه بیش از آن مقدار است که انجام می دهند و اگر امکانات بیشتری داشته باشند بر حجم جنایات خود می افزایند.

------------------ صفحه ۱۲۷

۲-جانبازی و فداکاری در راه هدف

۲-جانبازی و فداکاری در راه هدف

در پرتو ایمان(۱)

جانبازی و فداکاری از نشانه های افراد با ایمان است، شخص با ایمان پیوسته با جان و مال و سایر شئون خود، در راه هدف، کوشش و فداکاری می نماید، زیرا اعمال و رفتار هر فردی زاییده طرز تفکر و عقیده او است. اگر ایمان انسان به چیزی، به حدی رسید، که آن را بالاتر از جان و مال و هستی خود اندیشید قطعاً در راه به دست آوردن

----

۱ . محور سخن در این بحث این آیه مبارکه است: (إِنّما الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ یَرْتابُوا وَجاهِدُوا بِأَموالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فی سَبِیلِ اللّهِ أُولئِکَ هُمُ الصّادِقُونَ)(حجرات/۱۵ «;)افراد با ایمان کسانی هستد که به خدا و پیامبر او ایمان آورده و سپس تردیدی به خود راه ندهند، در راه خدا با مال و جان خود جهاد نمایند، آنان راستگویانند.

------------------ صفحه ۱۲۸

و حفظ و بقای آن، حداکثر کوشش را نموده و از همه چیز خود می گذرد. اصولاً ایمان و اعتقاد به یک چیز، آن چنان در انسان نسبت به آن حب و علاقه شدیدی ایجاد می کند که گاهی بی اختیار به آن عشق میورزد، و ناگفته پیدا است که عشق، یک احساس باطنی و درونی است که به طور خودکار در انسان ایجاد تحرک می نماید. قدرت و تحرکی که این «احساس» در درون انسان به وجود می آورد، و طوفانی و هیجانی که عاطفه انسانی در محیط زندگی تولید می کند، هرگز استدلال و منطق قدرت ندارد، همانند آن را ایجاد کند. گاه می شود که ده ها منطق و برهان در برابر احساس درونی به زانو درمی آید، و با شکست روبرو می گردد ولی هنگامی که همان «احساس» با «احساس» تندتر و شدیدتری روبرو گردید، بی اختیار اثر خود را از دست داده و تسلیم احساس قوی تر می گردد. مثلاً افرادی که علاقه زیاد به مال و ثروت دارند گاهی به هیچ منطق و برهان نمی توان یک ریال از آنان گرفت ولی هنگامی که کودکان آنها دچار بیماری شدید می شوند، غریزه علاقه به کودک، بر حس علاقه به مال غالب و پیروز می گردد، و احیاناً نیمی از زندگی خود را در راه بهبود بیمار خود صرف می کنند.

------------------ صفحه ۱۲۹

احساسات و عواطف و کلیه غرایز انسانی، یک نوع تحرک و جنبش شدیدی در انسان بوجود می آورند که اگر از طریق صحیح کنترل نشود، چه بسا حد و مرزی برای خود نشناسد. اگر در طول تاریخ مردان فداکاری را می یابیم که در راه پیشبرد اهداف خود، سر از پا نشناخته و دیوانهوار همه شئون خود را فدای هدف نموده اند برای همین یک نکته است که آنان از صمیم دل به هدف خود ایمان داشتند و ایمان در روان آنان آن چنان علاقه شدیدی به وجود آورده بود که بدون محاسبه همه چیز خود را فدای هدف خود می نمودند، و بدون اختیار به سوی هدف کشیده می شدند. اگر می بینید آنان در آخرین لحظات زندگی خود، همسر و فرزندان را فراموش کرده و به یاد هدف بودند روی همین اساس است. «سعد ربیع» از یاران فداکار پیامبر اسلام بود، دلی لبریز از ایمان و اخلاص داشت. در جنگ احد با ۱۲زخم به روی زمین افتاده و در حال احتضار بود، پیامبر یک نفر را مأمور ساخت که از حال وی تحقیق کند و از او خبر صحیحی بیاورد. «زید ثابت» او را در میان کشتگان میدان «احد» یافت و از حال او پرسید او در پاسخ زید چنین گفت: به پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) بگو چند لحظه بیش از زندگی «سعد» باقی نمانده است و خدا به تو

ای پیامبر خدا! بهترین پاداش که سزاوار یک پیامبر است بدهد و نیز افزود: سلام مرا به یاران پیامبر برسان و بگو

------------------ صفحه ۱۳۰

هرگاه به پیامبر آسیبی برسد، و شما زنده بمانید در پیشگاه خداوند معذور نخواهید بود.(۱) هیچ علاقه ای بالاتر از علاقه ایمان نیست که فرد با ایمان آن چنان غرق در جلال و جمال محبوب و هدف خود می گردد که در پای آن جان می سپارد و همه چیز خویش را فراموش می کند. آنجا که عواطف بی فروغ است

هر انسانی با عواطف خاصی آفریده شده است. این نعمت معنوی در تمام افراد به اختلاف مراتب وجود دارد ولی در میان تمام طبقات، زنان کانونی از عواطف هستند و قلبی لبریز از محبت و مهر دارند. یک نفر از بانوان اسلام در مدینه اطلاع یافت که سه تن از عزیزان خود را در جنگ احد از دست داده است او برای حمل اجساد عزیزان خود با شتری رهسپار میدان «احد» گردید، و در حالی که سه جسد بر آن حمل کرده بود عازم بازگشت به مدینه شد. در نیمه راه با یکی از همسران رسول خدا ملاقات کرد، همسر پیامبر، حال رسول خدا را از وی پرسید، این بانوی فداکار در حالی که مهار شتر را در دست داشت، و قطرات خون از اجسادی که روی آن قرار گرفته بود

----

۱ . سیره ابن هشام، ج۲، ص ۹۵.

------------------ صفحه ۱۳۱

می چکید، با قیافه ای باز مثل این که کوچک ترین مصیبتی بر او وارد نشده است چنین گفت: من خبر خوشی برای شما دارم و آن این که پیامبر زنده و سالم است و در برابر این نعمت بزرگ تمام مصایب کوچک و ناچیز است. همسر پیامبر از وی پرسید این اجساد از کیست؟ گفت: جسد شوهرم و دیگری فرزندم و سومی برادر و همه را می برم تا در مدینه به خاک بسپارم.(۱) آیا چه عاملی این همه روح فداکاری و جانبازی در راه هدف را در کانون وجود او دمیده بود؟ چگونه ایمان، علاقه شدیدی نسبت به استقرار آیین توحید در دل او به وجود آورده بود که عواطف سرشار مادری را به کلی تحت الشعاع خود قرار داده می داد؟ ایمان جایگزین تعادل قوا

یکی از اصول پیروزی در جنگ ها، ملاحظه برتری نیروها و یا تعادل و موازنه آنها است یعنی هر کدام سعی می کنند که از نظر تعداد نفرات و اسلحه با هم برابر بوده و موازنه میان آنها برقرار باشد. ولی در نبردهایی که بر اساس دفاع از حریم عقیده صورت گرفته، و سرباز از روی ایمان و به خاطر یک انگیزه باطنی و محرک درونی، به

----

۱ . مغازی، واقدی، ج۱، ص ۲۶۵، چاپ آکسفورد.

------------------ صفحه ۱۳۲

پیشباز دشمن محارب می رفت، هرگز موازنه شرط پیروزی نبوده بلکه پیوسته گروه هایی پیروز می گردند که از روی هدف و ایمان به آن می جنگیدند و برتری روحی و معنوی، آنان را بر دشمن مجهز چیره می ساخت. مثلاً در نبرد «بدر» نیروی بت پرستان بیش از سه برابر نیروهای اسلام بود، و همگی تا دندان زیر سلاح رفته و همه نوع تجهیزات کافی در اختیار داشتند، پیش از آن که آتش جنگ میان طرفین شعلهور گردد، سران قریش، مرد دلاوری را مأمور کردند که شماره یاران محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)را به دست آورد او با اسب تندرو خود اطراف اردوگاه سربازان اسلام گردش کرد و بازگشت، و سپس چنین گزارش داد. تعداد سربازان محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) از سیصد نفر تجاوز نمی کند و در پشت سر کمینگاه و نیروی امدادی ندارند امّا من وضع و روحیه آنان را مورد بررسی قرار داده ام و چنین فهمیدم که آنان از «مدینه» برای شما مرگ و نابودی را سوغات آورده اند.

گروهی را دیدم که جز شمشیرهای خود پناهگاهی ندارند تا هر یک از آنها یک نفر از شما را نکشند، کشته نخواهند شد. من آنها را ساکت و خاموش یافتم ولی تصمیم و اراده از قیافه آنها می بارید و همچون افعی ها زبان های خود را در اطراف گردش می دادند.(۱)

---

۱ . بحار، ج۱۹، ص ۲۵۱.

--- صفحه ۱۳۳

عصر آزادی

نیمه دوم قرن بیستم عصر آزادی ملل استعمار زده جهانی معرفی شده است. ملت هایی که سالیان دراز، به زنجیرهای استعمار بسته شده بودند بر اثر بیداری و هوشیاری خود را از بند رها کرده و در جهان آزاد آشیان می گیرند. ولی موفقیت از آن ملت هایی بوده که از روی ایمان گام در این راه نهادند و با خود گذشتگی همه جانبه، عظیم ترین دول استعماری را به زانو در آوردند فداکاری های ملت آزاد الجزایر و کشورهای افریقایی و آسیای جنوبی و ... نمونه بارز برای این موضوع است. امروز برای دول استعمارگر، گروه های عصیانگر که بدون داشتن یک هدف معنوی و ایمانی قیام می کنند خطرناک نیستند، بزرگ ترین خطر برای امپریالیسم بین المللی، همان ملت های رشید و با ایمانند که به خاطر ایمان و اهداف معنوی، به پا خاسته حتی با تیر و کمان و سنگ، مستعمرین را از خاک خود بیرون می رانند، و تا جان به لب دارند از پای نمی نشینند و سرانجام پیروزی با آنها است. صفحه ۱۳۴

۳- محبوبیت در دل مردم

۳- محبوبیت در دل مردم

در سایه ایمان(۱)

هر فردی از افراد اجتماع، مایل و علاقمند است که مورد توجه و مهر دیگران واقع شود، و در هاله ای از مودت و محبت مردم، فرو رفته و در قلوب مردم که کانون عواطف و احساسات پاک انسانی است جای داشته باشد. تعجب نکنید که گفتیم تمام افراد، خواهان و خواستار این مطلبند، یعنی همه می خواهند مورد توجه و مهر مردم واقع شوند، در

---

۱ . محور سخن در این بحث این آیه مبارکه است: (إِنَّ الّذین آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدّاً)(مریم/۹۶ «;)آنان که ایمان آورده و عمل نیک انجام دهند، ما برای آنان در قلوب مردم مهر و محبّت پدید می آوریم».

--- صفحه ۱۳۵

دوران حیات امواج عواطف مردم به سوی آنها متوجه شده و پس از مرگ آنان را به نیکی یاد کنند. تعجب نکنید! زیرا با یک تجزیه و تحلیل صحیح معلوم می شود که چنین آرزویی، یک تمنای فطری و طبیعی بوده و انعکاسی از «حب ذات» و «خویشتن خواهی» است که در تمام انسان ها بدون استثناء وجود دارد، و کلیه جنبش های معنوی و مادی، از آن سرچشمه می گیرند. «حب ذات» در صورتی که دارای حد و مرزی باشد و انسان حقوق و شخصیت دیگران را نیز مانند خود به رسمیت بشناسد و آنها را فدای «خودخواهی» حساب نشده خود نسازد، از ارکان زندگی اجتماعی صحیح می باشد ولی آن خودخواهی مطلق که بازگشت آن به «جز خودنخواهی» است، غریزه تعدیل نیافته ای است که سبب می شود انسان حقوق و اموال و شئون دیگران را فدای خود سازد، و چنین غریزه تلطیف نشده ای، از رذایل اخلاقی به شمار می رود. خلاصه مهر طلبی در اجتماع، علاقه به داشتن محبوبیت در میان مردم، یک خواست طبیعی و انسانی است و با هیچ اصل اخلاقی تصادم و مخالفت ندارد. از این نظر تعجب نخواهیم کرد وقتی

ببینیم که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در نیایش خود از خدا می خواهد که برای او در دل های مردم مهر و مودت

---------------- صفحه ۱۳۶

به وجود آورد، و کاری کند که مردم او را دوست بدارند.(۱) جالب توجه پاسخی است که از ناحیه خداوند به آن حضرت داده شد و در نتیجه کلیه مهرطلبان را به سازنده مهر و مودت آشنا ساخت، و طی آیه ای چنین فرمود: هر فرد با ایمانی که عمل نیک انجام دهد، ما برای آن شخص در قلوب مردم مهر و محبت به وجود می آوریم.(۲) بار دیگر به مفاد پاسخ خداوند بیندیشیم: چرا یکی از آثار ایمان محبوبیت در میان مردم است؟ یک جمله می تواند پاسخ این سؤال را روشن کند و آن این که افراد با ایمان به خدایی معتقدند که با پیام های مؤکدی که وسیله پیامبران خود فرستاده است، مردم را پس از خداشناسی، به عمل صالح و خدمت به جامعه دعوت نموده، و بزرگ ترین پاداش برای چنین خدمات معین نموده است، طبعاً افراد با ایمان به امید درک یک چنین پاداش های بزرگ و جاویدان، خواه ناخواه دست به یک سلسله خدمات اجتماعی واعمال انسانی زده و گره از کار مردم می گشایند، و ناگفته پیدا است که خدمتگزاران صدیق، و گره گشایان وارسته، همواره مورد علاقه مردم می باشند. تاریخ زندگی بشر به وضوح این مطلب را ثابت می کند که در

----

۱ . تفسیر برهان، ج۳، ص ۲۶. ۲ . سوره مریم، آیه ۹۶:(إِنَّ الّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحات سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرِّحمنُ وُدّاً).

---------------- صفحه ۱۳۷

میان قشرهای با ایمان، افراد با فضیلت و خدمتگزار و دلسوز بیش از گروه های دیگر وجود دارد، زیرا ایمان به خدا و ایمان به سرای دیگر، ایمان به پاداش های مهمی که درباره خدمات انسانی وارد شده است، بزرگ ترین عامل و محرک برای بذل جان و مال در راه رفاه مردم است، از آنجا که فرد با ایمان با دیده وسیع به جهان هستی می نگرد و رشته زندگی را پس از مرگ نیز گسسته و پایان یافته نمی داند، برای کسب رضای خدا، و نیل به پاداش های بزرگ او، گاهی جان و مال خود را وقف زندگی و رفاه یتیمان و درماندگان و بینوایان می نماید، در صورتی که این عامل و محرک در افراد مادی و گروه هایی که از نظر مبانی مذهبی ضعیف و سست می باشند، وجود ندارد. در میان تمام ملل جهان موقوفه های بزرگ، بیمارستان ها و مدارس و کتابخانه ها و سایر خدمات انسانی همگی از آثار مردان و زنان خداشناسی است که برای جلب خشنودی خدا و نیل به مقامات بزرگ معنوی، ثروتی را که با زحمت فراوان به دست آورده اند، با اشتیاق تمام در اختیار جامعه گذارده اند. ولی هرگز مکتب های مادی که برای پایه گذاران و پیروان آنها هدفی برتر از ماده و مظاهر آن نیست، نمی توانند یک چنین افراد خدمتگزار را در دامان خود پرورش دهند. درست است که می توان با پرورش دادن عواطف انسانی و حس نوع پروری، کم و بیش از وقت و ثروت گروهی به نفع اجتماع استفاده

---------------- صفحه ۱۳۸

کرد، امّا این حس در برابر هجوم افکار مادی گری و لذت طلبی که کشنده عواطف انسانی می باشد به قدری ضعیف و ناتوان است که اثر آن در برابر عوامل کوبنده دیگر، بسیار ناچیز می باشد. از این جا معلوم می شود که چرا همیشه پیامبران و راهنمایان آسمانی، خدمتگزاران اجتماع، دانشمندان و پایه گذاران علوم و معارف، پیوسته مورد احترام مردم بوده و پس از قرن ها نیز سیل عواطف مردم به سوی آنها سرازیر است. زمامداری که شنیدن نام او مایه گریه می گردد

پس از درگذشت پیامبر اسلام، محیط سیاسی مدینه طوری شد که شخصیت های مانند «بلال» که در برابر دستگاه خلافت سر فرود نیاورده بودند نتوانستند در مهد اسلام به سر برند و ناچار شدند که مدینه را به عزم توقف در شام و یا نقاط دور دست ترک گویند. بلال مؤذن رسول خدا، یک شب در عالم رؤیا پیامبر را دید که از وی گله می کند که چرا ارتباط خود را با خاندان رسالت قطع کرده است؟ او سراسیمه از خواب بیدار شد، و در ضمیر روشن خود خواب را چنین تعبیر کرد که مدتی است از مدینه بیرون آمده و

به زیارت قبر پیامبر و دیدار بازماندگان او نرفته است، از این نظر عزم سفر کرد و وارد مدینه گردید.

------------------ صفحه ۱۳۹

شب هنگام فرزندان پیامبر از وی درخواست کردند که سحرگاه هنگام طلوع فجر، اذان بگوید. او با این که با خود پیمان بسته بود که پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) اذان نگوید، ولی ناچار شد که خواهش عزیزان پیامبر را بپذیرد، از این نظر موقع صبح بالای مأذنه رفت، مردم مدینه که از ورود بلال بی خبر بودند وقتی آهنگ مؤذن رسول خدا را شنیدند به یاد دوران پر فضیلت رسول خدا، به یاد زمامدار دادگر و خدمتکار آیین خدا، افتادند و همگی از خانه ها در حالی که اشک از دیدگان آنان سرازیر بود، بیرون ریختند. وقتی بلال سومین فصل اذان را گفت و در آن به رسالت محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) بزرگ پیشوای جهان بشریت شهادت داد، ولوله عجیبی در مدینه رخ داد: زنان و دختران با گریه و ناله به سوی مسجد آمدند و به دیدار مؤذن رسول خدا شتافتند.(۱) آیا ریشه این علایق و عواطف، این اشک ها و گریه ها، جز این است که رسول خدا در پرتو خدمات ارزنده ای که به جهان انسانیت انجام داده بود، دارای چنین محبوبیت بی نظیر شد؟ محبوبیت در افکار عمومی
گاهی بر اثر تبلیغات دروغین می توان محبوبیت موقتی به دست

----

۱ . اسدالغابه، ج۱، ماده بلال.

------------------ صفحه ۱۴۰

آورد، ولی موقعیت و محبوبیتی که بر اثر جار و جنجال و تبلیغات دروغین به دست می آید، به زودی نقش بر آب می شود، امّا محبوبیت دائم در دل یک ملت، حاکی از یک واقعیت خلل ناپذیری است که این محبوبیت و موقعیت را درباره آن شخص به وجود آورده است. امیرمؤمنان(علیه السلام)می فرماید: داوری های نیک مردم درباره یک فرد یا افراد، در محکمه عدل الهی پذیرفته می شود و گواه بر صلاح و رستگاری واقعی آنها است.(۱) علی(علیه السلام) در فرمان تاریخی خود به استاندار مصر چنین می فرماید: ای استاندار آگاه باش به وسیله سخنانی که خداوند بر زبان بندگانش درباره افراد جاری می کند می توان نیکوکاران را شناخت پس باید بهترین اندوخته های تو کردار شایسته تو باشد. پرهیزگاری از عوامل محبوبیت است
گذشته از این، افراد با ایمان بر اثر ترس از کیفر گناه، از یک سلسله گناهانی که موجب سرازیری خشم و نفرت مردم به سوی انسان است، پرهیز می نمایند و از خیانت، ظلم و ستم، دروغ و تهمت، سخن چینی و غیبت و... اجتناب می کنند و به جای آنها، از

----

۱ . إنّما یُستدلُّ عَلی الصّالِحینَ بِما جَرَی اللّهُ لَهُمْ عَلی أَلْسُنِ عِبادِهِ .نهج البلاغه، نامه امام به مالک، نامه۵۳.

------------------ صفحه ۱۴۱

عدل و دادگری، راستگویی و درستکاری، حفظ حیثیت و آبروی مردم، پیروی می نمایند. ناگفته پیدا است این نوع صفات عالی انسانی بسان آهن ربا مهر و مودت و عواطف مردم را به سوی فرد با ایمان می کشاند.

------------------ صفحه ۱۴۲

۴- اتحاد و اتفاق و همبستگی

۴- اتحاد و اتفاق و همبستگی

در سایه ایمان به خدا (۱)

اگر ما در هر مسأله ای از مسائل اجتماعی شک و تردید کنیم، و یا در ثبوت آن به تجربه و آزمایش و برهان و گواه نیازمند باشیم،

درباره

---

۱ . محور سخن در این بحث، این آیه مبارکه است: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعاً وَلا تَفَرَّقُوا وَاذْکُروا نِعْمَهَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ وَکُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٔ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیاتهُ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ).(آل عمران/۱۰۳). «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت های خدا را به یاد آورید که چگونه دشمن یکدگر بودید. او در میان دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدیید و شما بر لب گودالی از آتش بودید که خدا شما را از آن نجات داد. خداوند این چنین آیات خود را بر شما آشکار می سازد شاید پذیرای هدایت شوید».

--- صفحه ۱۴۳

لزوم اتحاد و همبستگی یک اجتماع و منافع سرشار آن، شک و تردید به خود راه نمی دهیم و هرگز در جهان کسی را پیدا نمی کنیم که بگوید: پراکندگی و دودستگی خوب و سودمند است، اتحاد و اتفاق بد و مضر می باشد. زیرا کوچک ترین سودی که از اتفاق عاید اجتماع می گردد، همان پیوستن نیروهای کوچک و پراکنده به یک دیگر است و در سایه چنین پیوستگی نیروی عظیمی به وجود می آید که می تواند مبدأ تحولاتی در شئون مختلف زندگی گردد. سدهای بزرگ جهان که به صورت دریاچه ای جلوه می کنند، از پیوستن رودهای کوچک که به تنهایی نه قدرت تولید برق دارند و نه چندان به درد کشاورزی می خورند پدید می آید، اجتماع این رودهای کوچک، در یک نقطه، دریاچه ای به وجود می آورد که قدرت تولید صدها هزار کیلووات برق در ساعت را دارد و با آن هزاران هکتار زمین را می توان زیر کشت درآورد. این منافع سرشار از کجا است؟ از به هم پیوستن قطرات کوچک و رودهای ضعیف و ناچیز است. قدرت اتم برای همه روشن است: یک دانه اتم قدرت و نیرویی ندارد، و به قدری ضعیف و ناچیز است که حتی با قوی ترین میکروسکوب ها نمی توان آن را دید. امّا از به هم پیوستن اتم های بی شمار، قدرتی به وجود می آید که انفجار چند عدد از بمب های

--- صفحه ۱۴۴

اتمی، می تواند به تمدن و زندگی بشر در روی زمین خاتمه دهد،و در ظرف چند دقیقه کره زمین را به صورت توده ای از آتش و تلی از خاکستر درآورد. سرچشمه اتحاد

اکثر جامعه شناسان می گویند:انسان یک موجود اجتماعی است و در ساختمان وجودی و آفرینش وی تمایلات شدید به زندگی دسته جمعی نهفته است. اکنون باید دید یک چنین حیات اجتماعی در سایه چه عواملی تحقق می پذیرد؟ امروز گروهی از جامعه شناسان معتقدند که عواملی به نام های نژاد، زبان، وحدت ارضی و خون، عناصر سازنده ملیت و وحدت ملت ها است، اجتماعی که از عناصر مزبور به وجود می آید همان است که در علم حقوق به آن «ملت» می گویند و در سایه یکی از این عوامل می توان اجتماع واحدی را ساخت که در کنار یکدیگر زندگی صمیمانه داشته باشند. ولی آنان از یک مطلب غفلت ورزیده اند و آن این که اجتماعی که افراد آن دارای عقاید گوناگون و خواست های متفاوت هست و هر کدام و یا هر طبقه ای برای خود «ایده» و فکری دارند چگونه می توانند به صورت یک ملت واحد که همبستگی کامل در میان آنها حکمفرما

--- صفحه ۱۴۵

باشد، زندگی نمایند؟ درست است که عوامل مزبور به اتحاد و اتفاق و همبستگی جامعه کمک می کند، ولی تا یک وحدت فکری و روحی و یگانگی در هدف و عقیده در کار نباشد اتحاد و پیوستگی افراد تحت این عوامل و عناصر غیر ارادی، پایدار نخواهد بود. و اگر روزی برای یک هدف مشترک دست اتحاد به سوی هم دراز کنند، و دست همدیگر را به عنوان برادری بفشرند، پس از نیل به هدف چیزی نخواهد پایید که اختلاف فکری و روحی، اختلاف خواسته ها و اراده ها، تصادم و تضاد عجیبی، در میان آنها

بوجود خواهـد آورد و آنها را از هم جـدا خواهـد ساخت. جامعه ای که محور فکری و عقیـده ای واحـد نداشـته باشد و افراد آن به صورت دسـته های گوناگون بر محور یک سلسله عناصـر غیر ارادی گرد آینـد، ضامن وحـدت اجتماعی نـدارد زیرا مسیر زندگی انسـان را فکر و عقیـده تعیین می نمایـد نه عوامـل غیر ارادی. و اگر روزی در میـان یـک ملت هم نژاد و همخـون و هم زبـان، پیوند معنوی و اتحـاد در عقیـده به وجود آیـد بـا از میـان رفتن، این عوامـل، ضـربه ای بر اتحـاد و ملیت آنها وارد نمی آیـد. اینجاست که پیشوایان بزرگ بشر که از مکتب وحی الهام می گیرند اساس ملیت را «وحدت فکر و عقیده» دانسته و افراد آن اجتماع را که

------------------ صفحه ۱۴۶

از نظر عقیـده و طرز تفکر وحدت نظر دارند برادر یکدیگر خوانده اند و جمله (إِنّما المؤمنون إِخوة)(۱) شعار آنها را در این قسمت تشکیل می دهـد. بزرگ ترین پیشوای بشـر «محمـد (صـلی الله علیه وآله وسـلم)» در سـخنان تاریخی خود، افراد هر اجتماع را بسان اعضای یک بـدن انسانی دانسـته که یک وحدت فکری و عقیده ای همچون روح واحد بر آنها حکومت می کند و قلوب آنان را به هم پیوند می دهد.(۲) خلاصه عناصـر مادی بی روح ماننـد نژاد، زبان، خون و... که از درون انسان الهام نمی گیرد نمی تواند مبنای یک ملیت و اساس یک زنـدگی مشترک و سازنـده یک جامعه واحد باشد به طوری که الفت و صـمیمیت و همبسـتگی کامل میان آنهـا حکمفرما گردد بلکه افرادی که در پرتو این عناصـر دور هم گرد آمـده انـد سـرانجام بر اثر تضاد افکار و اختلاف تشـخیص و تباین هدف، وحدت و اتفاق و هماهنگی خود را از دست می دهند. سنگ بزرگ تر

علاوه بر این کسانی که می خواهند زیر لوای این عناصر مادی،

----

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰. ۲. سفینه، ج۱، ص ۱۳.

------------------ صفحه ۱۴۷

ملت هـا را به هم نزدیـک سازنـد هرگز مـدعی آن نیسـتند که می توان با این عوامل همه افراد بشـر را با یکـدیگر برادر نمود و همه جامعه ها را می توان در یکدیگر ادغام کرد بلکه مدعی آن هستند که تحت لوای این پدیده می توان افراد زیادی را با هم پیوند داد و متحد ساخت. ولی نویسـندگان اعلامیه حقوق بشر گام فراتر نهاده بدون در نظر گرفتن یک وحدت فکری و عقیده ای حتی بدون در نظر گرفتن این عناصر مادی خواسته اند همه افراد بشر را برادر و برابر یکدیگر قرار دهند و در نخستین ماده منشور خود چنین می نویسـند: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده اند از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، همه دارای عقل و وجدانند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند». شـما کمی در این ماده که نتیجه و عصاره افکار جمعی از متفکران بزرگ جهان است بیندیشـید آیا اصولاً امکان دارد، دو گروه یا دو نفر که از نظر عقیـده و فکر، هـدف و مسـلک، تشـخیص مصالـح و منافع، با هم اختلاف نظر دارنـد، در کنار یکـدیگر با روح برادری زنـدگی کنند. مثلاً هندوی گاوپرست، پای گاو مقدس جان می سپارد، و آن را مظهر الوهیت و خدا می دانـد و اگر به بینـد که گـاو در میان ریل های قطار خفته است فوراً قطار را ترمز کرده و به پاس احترام آن، ساعت ها معطل می گردد، تا خود حضـرت گاو، با کمال آزادی برخیزد و راه بیفتد و فرد خداپرست معتقد است همه جهان برای بشر کامل آفریده شده است باید او در سیر تکاملی کار خود از مواهب و طیبات جهان

------------------ صفحه ۱۴۸

بهره منـد گردد، و خوردن گوشت گاو را مثلاً نه تنها کار بد نمی داند بلکه معتقد است برای تقویت بدن و کمک به بهداشت لازم است. آیـا فکر می کنیـد که این دو نفر اگر چه از نظر زبـان و نژاد و خون و تاریـخ، قـدر مشترک داشـته باشـند می تواننـد در کنار یکدیگر برادروار زندگی نمایند، تا چه رسد که حتی این عوامل نیز بر آن دو نفر حکومت نکند. اینجا است که ارزش جامعه سازی اسـلام و برتری عامل (ایمان) که آن را سازنـده وحدت و پدید آرنده اتحاد معرفی کرده است، روشن می گردد. اگر پیامبر عالیقدر

اسلام قلوب گروه های مختلف را به هم پیوند داد، و از ملت های مختلف آن، که هر کدام دارای نژاد و زبانی بودند، ملت واحد و به هم پیوسته ای ساخت، و آنها را برادر و برابر یکدیگر قرار داد به خاطر این بود که قبلاً یک وحدت فکری و عقیده ای در میان آنان بوجود آورد و مسیر زندگی همه را یکسان و برابر قرار داد و تمام «ایده ها» را به «ایده» واحد مبدل ساخت. آفرین بر همت آن اوستاد *** صد هزاران ذره را داد اتحاد

-------------------- صفحه ۱۴۹

۵- احساس مسئولیت

۵- احساس مسئولیت

در پرتو ایمان(۱)

در جهان آفرینش ، هر موجودی برای خود وظیفه مخصوصی دارد که به طور فطری و غریزی و یا به طرز طبیعی آن را انجام می دهد، و از عهده مسئولیت و کاری که بر دوش آن نهاده شده است به خوبی برمی آید. یک نگاه ساده به جهان طبیعت این مطلب را به طور روشن ثابت

----

۱ . محور سخن در این بحث، آیه مبارکه یاد شده در زیر است: (وَإِذْ قالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لَمْ تعظُونَ قَوماً اللّه مُهلِكُمْ أَوْ مُعذّبهم عَذاباً شَديداً *قالُوا مَعْذِرَةً إِلى رَبّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُون).(اعراف/۱۶۴) «آنگاه که گروهی از ایشان گفتند: برای چه قومی را که خدا هلاک کننده آنهاست یا آنان را به عذابی سخت گرفتار خواهند کرد، پند می دهید؟ ـ در پاسخ ـ گفتند: تا عذری در پیشگاه خدایتان باشد و شاید آنان دوری جویند».

-------------------- صفحه ۱۵۰

می نماید. مثلاً هر روز خورشید مقادیر زیادی نور و حرارت برای پرورش جانداران و پایداری حیات و زندگی در کره خاک، روانه زمین می نماید. زمین با گردش وضعی خود، زمان را به دو صورت مختلف درآورده شب و روز و تاریکی و روشنی را که یکی از شرایط استقرار حیات است پدید می آورد، این کره گردان با محور متمایل خود در هر ثانیه با سرعت ۱۸مایل به دور آفتاب می چرخد و فصول چهارگانه ای که اساس استقرار حیات در آن است پدید می آیند. در ساختمان یک گیاه صدها مسئولیت ووظیفه وجود دارد و هر کدام از ریشه و ساقه و شاخه و برگ و گل... وظیفه خود را انجام می دهند. مثلاً بوته شبدر ماشینی است به تمام معنی شگفت آور و حیرت انگیز که دائماً رشد می کند. تاکنون بشر این همه ماشین آلات شگرف ساخته، ولی هرگز آن ماشین ها با این گیاه نمی توانند برابری کنند، زیرا این گیاه هر روز هزاران فعل و انفعال فیزیکی و شیمیایی انجام می دهد، و آنچه که دستگاه آفرینش از خلقت آن انتظار دارد به طرز جالبی تحویل می دهد. در میان تمام موجودات جهان بدن خود ما، و در میان اعضاء زیاد آن دو عضو حساس را مورد بررسی قرار دهیم و پس از دقت بر

-------------------- صفحه ۱۵۱

وظیفه شناسی هر دو تحسین بگوییم. قلب ما مانند موتور خودکار در خواب و بیداری مشغول حرکت است، و در هر دقیقه تقریباً ۷۰ مرتبه باز و بسته می شود، و این عمل خون صاف و اکسیژن دار را که حامل مواد غذایی است به آخرین نقطه بدن رسانیده و در مقابل آن خون کثیف و کبود رنگ «وریدها» را به سوی خود جذب نموده، آن را برای تصفیه به ریه ها می فرستد و پس از تصفیه کامل با آغوش باز آن را به خود می پذیرد. دستگاه گوارش ما بزرگ ترین آزمایشگاه جهان می باشد، این آزمایشگاه عجیب از هنگام طفولیت انسان تا حدود سن پنجاه سالگی مرتکب هیچ خبط و اشتباهی نمی شود، در حالی که به وسیله مواد و مصالحی که

به این آزمایشگاه می رسد، متجاوز از یک میلیون نوع ذرات مختلف، تهیه می شود. بنابراین موادی که در این آزمایشگاه شیمیایی تجزیه و ترکیب و تهیه می شود، بیش از موادی است که آزمایشگاه مصنوع دست بشر، می تواند تهیه نماید. شبکه ارتباطات و طریقه حمل و رساندن این مواد به سلول ها به قدری جامع و مرتب است که تا به حال هیچ طریقه و سیستم حملی و نقلی شبیه آن دیده نشده است.(۱) اینها نمونه هایی از پدیده های طبیعی است که از فطرت و غریزه و

---

۱ . راز آفرینش، ص ۳۵.

--- صفحه ۱۵۲

یا از روی قوانین طبیعی، وظایف محوله را به طرز صحیح و مطلوب انجام می دهند. و به هر نقطه از نقاط جهان بنگریم این قانون عمومی «انجام مسئولیت ها» را مشاهده می نماییم. طبیعت عالی ترین آموزشگاه است

بررسی دقیق و همه جانبه در جهان آفرینش به ثبوت می رساند که این همه فعل و انفعال ها، این همه انجام وظایف و تحمل مسئولیت ها برای استقرار حیات و زندگی در کره خاک است، تا موجود زنده ای به نام انسان به وجود آید و از این سفره گسترده بهره مند گردد. آیا با این وضع می توان اندیشید که هر موجودی دارای وظایفی باشد ولی انسان کوچک ترین وظیفه ای نداشته باشد، می توان تصور کرد که به هر موجودی خدمتی محول شده، امّا انسان با این اندیشه و عقل بزرگ مسئولیتی به دوش او گذارده نشده باشد؟ و به گفته معروف سعدی: همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار *** شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری روی این محاسبات انسان نیز در طی زندگی دارای مسئولیت ها و وظایفی است که به دوش او گذارده شده است.

--- صفحه ۱۵۳

احساس مسئولیت نشانه شایستگی است

هیچ می دانید که احساس مسئولیت و مسئولیت پذیری، نشانه لیاقت و شایستگی انسان است و پیوسته عظمت وظیفه و مسئولیت، نشانه بزرگی شخصیت می باشد. کسانی که افتخار را در نداشتن مسئولیت می دانند، و شاید آن را یکی از نقاط قوت خود می شمارند، باید متوجه باشند نبودن مسئولیت و وظیفه همیشه نشانه بی لیاقتی و لا اقل ناتوانی است. دانشمند بزرگوار شیعه در قرن هفتم اسلامی، مرحوم سید رضی الدین بن طاووس در کتاب خود به نام «کشف المحجهٔ» که برای راهنمایی پسران خود نوشته است، چنین می گوید: ای فرزند! هنگامی که بالغ شدی و خداوند تو را به شرف کمال بلوغ مفتخر گردانید، به جایی رسیدی که شایستگی پیدا کردی که برای خدا نشست و برخاست کنی، و با او سخن بگویی، در پیشگاه مقدسش کمر خدمت به بندی تاریخ آن را یادداشت کن و آن را نزد خدا بهترین اوقات خود قرار داده، و عید بگیر بلکه در هر سال سالگرد روز بلوغ خود را جشن گرفته و خدا را سپاسگزار باش، زیرا در آن روز عقل تو را کامل نموده و به شرافت دنیا و آخرت راهنمایی فرموده است.(۱)

---

۱ . کشف المحجهٔ، فصل۱۰۴، وی این کتاب را به عنوان راهنما در سال ۶۴۹ برای دو فرزند خود صفی الدین و رضی الدین نوشته است.

--- صفحه ۱۵۴

بی تفاوت ها و بی بهرگان از احساس

گروهی را می شناسیم که در برابر هر نوع حادثه و دیداری بی تفاوتند، نه گره کار کسی را می گشایند، و نه با شیوه بدی مبارزه می نمایند، نه کسی را از بدبختی نجات می دهند، و نه در برابر فساد اجتماعی به مقاومت برمی خیزند. کاملاً خونسرد و بی تفاوتند. منطق آنان این است که «موسی به دین خود و عیسی به دین خود» و یا این که «هیچ گاه دو نفر را در یک گور نخواهند گذارد»

اینـان، افراد بی شخصـیتی هسـتند که هیـچ نوع فعـل و انفعال خارجی در روح و روان آنان اثری نمی گـذارد، یا دارای روح خشـنی هسـتند که هرگز از خارج انفعالی پیـدا نمی کنند. خدا به گروهی از ساحل نشـینان دریا دسـتور داد که شـکار ماهی را در روزی از روزهای هفته (شـنبه) تعطیل کنند ولی دسـته ای طماع و آزمند، که چشم پوشـی از درآمد برای آنان سـخت و مشکل بود، با کندن جدول ها و نهرها و ایجاد گودال هایی در سواحل دریا، که فشار آب و «مد» دریا همه آنها را همان روز پر از ماهی می کرد و موقع سرازیری «جزر» دریا جلو آنها را با وسایلی می گرفتند، و به دسـتور الهی اعتنا نکرده و از طریق حیله و تزویر و «کلاه شرعی» به کار خود ادامه داده و چنین وانمود می کردند که ما به فرمان الهی گوش داده و دست به شکار ماهی نمی زنیم.

------------------ صفحه ۱۵۵

گروهی با این دسـته به مبارزه برخاسـته و آنان را انـدرز می دادنـد که یک چنین کار با شـکار مسـتقیم فرقی نـدارد، و از آن ها می خواسـتند که دست از این کـار زشت بردارنـد. در این لحظه «بی تفـاوت هـا» به این افراد اعتراض کرده و می گفتنـد با آنها چه کار دارید؟ آنان را به حال خود واگذار نمایید. دسته اوّل که در خود احساس مسئولیت می کردند معتقد بودند که یکی از وظایف افراد با ایمان این است که در زنـدگی برای هـدایت گمراهان بکوشـند. به اعتراض آنان چنین پاسـخ می دادند: «ما در پیشگاه پروردگار شما مسئولیم و تا آن جا که احتمال تأثیر دهیم بایـد در این راه گام برداریم».(۱) از دیدگاه امام صادق(علیه السـلام) مسلمان واقعی آن کسی است که کمک به وضع دیگران و اصلاح و ترمیم حال آنان، جزو برنامه روزانه او باشد، و اگر به فکر دیگران نباشد و در خود هیچ نوع مسـئولیت نسبت به مسلمانان احساس نکند، نمی توان او را مسلمان نامید.(۲) و یا اگر ناله انسانی را بشنود و کمک به او نکند و به ندای استغاثه او پاسخ نگوید نمی توان چنین فردی را مسلمان نامید.(۳)

----

۱ . (قـالُوا مَعـذرةً إلی ربّکُمْ وَلَعَلَّهُمْ یَتَّقُون)(اعراف، ۱۶۴). ۲ . من أصبـح لا ـ یهتم بأمور المسـلمین فلیس بمسـلم. اصول کافی، چاپ سنگی، ص ۳۹۰. ۳ . من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم. اصول کافی، ص ۳۹۰.

------------------ صفحه ۱۵۶

چرا همه در برابر یکدیگر مسئولیم؟

در زنـدگانی دسـته جمعی هیچ فردی نمی تواند برای سود و زیان خود حساب جداگانه ای باز کند، و در برابر آلودگی و تبهکاری افراد جـامعه، بی تفـاوت باشـد. در روزگـاری که بشـر در جنگـل ها و شـکاف کوه ها و در غارهای تاریـک، بـه سـر می برد، و به صـورت خانـواده های کـوچک دور از هـم در پی معـاش و زنـدگی بـود، جا داشــت هر خانواده ای بـرای خود حسـاب جـداگانه ای بـاز کنـد، و از گناه و آلودگی دیگران نهراسـد. ولی در جهانی که همه افراد آن به صورت یک خانواده بزرگ درآمـده انـد، و عوامل متعـددی همه را به هم مربوط ساخته است، همگی در سود و زیان با هم شـریک و سـهیم هسـتند، و اگر گوشه ای از اجتماع مـا، دچـار آلودگی گردیـد چیزی نمی گـذرد که آثـار آلودگی در نواحی دیگر اجتمـاع پدیـد آمـده، و بر اثر پیوسـتگی اجتماع و روابطی که میـان طبقـات جـامعه وجود دارد، آلودگی و گنـاه به مناطق دیگر نیز سـرایت می کنـد، و دامن افراد بی تفاوت را که در برابر آلودگی دیگران احساس مسـئولیت نمی کردند نیز می گیرد. پیامبر بزرگ اسـلام(صلی الله علیه وآله وسلم) این حقیقت علمی و اجتماعی را با مثال

------------------ صفحه ۱۵۷

جالبی روشن ساخته است: هنگامی که یکی از یاران کنجکاو وی درباره علل محدودیت هایی که اسلام برای افراد متظاهر به گناه و آلودگی قائل شـده، و از طریق کیفرهای شدیـد این نوع آزادی را از آنان سـلب کرده است سؤال نمود، رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله وسـلم)هـدف اسـلام را دربـاره این محـدودیت هـای اخلاـقی و اجتمـاعی بـا بیان یک مثال روشن ساخت. این مثال با توضیـح

مختصری چنین است: فرض کنید کشتی مسافربری چند طبقه ای است که صدها مسافر در طبقات مختلف آن نشسته، و هر کدام برای هدفی رنج سفر را بر خود هموار نموده است، یک نوع آزادی صحیح و منطقی بر سر همه مسافران سایه افکنده، و هر کدام مطابق ذوق و سلیقه خود سرگرم کاری هست. در این میان اگر مسافری که از جان خود سیر گشته است به بهانه آزادی بخواهد بدنه کشتی، و یا جای پای خود را به وسیله ای سوراخ کند، آیا اصول آزادی که همگی به آن احترام می گذارند، چنین عمل تخریبی را تصویب می کند؟ به طور مسلم نه، زیرا سرنوشت تمام افراد در این کشتی به هم پیوسته است، و تمام مسافران تا روی آب قرار دارند، و بر کشتی سوارند، در سود و زیان با هم سهیم می باشند و بر اثر سوراخی که در بدنه کشتی یا نقطه دیگر آن پدید بیاید، آب دریا کم کم به داخل آن نفوذ کرده و پس از لحظاتی کشتی با تمام مسافران و کالاهای تجارتی آن، به زیر آب ها فرو

----------------- صفحه ۱۵۸

می رود.(۱) اجتماعی که افراد در آن زندگی می کنند بسان کشتی است که سرنوشت همه را از هر نظر به هم پیوند داده است و هیچ فردی نمی تواند در برابر بیماری های روحی، و انحطاط اخلاقی دیگران خود را بی تفاوت قلمداد کند. موضوع آلودگی اخلاقی مانند آلودگی هوای یک شهر است اگر هوای شهری آلوده و مسموم گردد زیان آن به همه می رسد. حس«محاکات و همرنگی»

از موضوع حس «محاکات» و همرنگی، که در تمام طبقات کم و بیش وجود دارد نباید غفلت کرد چه بسا ممکن است سرچشمه آلودگی اجتماع به گناه، افراد معدودی باشند، ولی دیگران روی حس محاکات و همرنگ شدن به دنبال آنها بروند. از این نظر دانشمندان معتقدند که بیماری های اخلاقی، بسان آلودگی های میکربی است که

----

۱ . صحیح بخاری، ج۳، ص ۱۸۱، باب القرعة فی المشکلات حدثنی الشعبی انّه سمع النعمان بن بشیر رضی اللّه عنهما یقول: قال النبی(صلی الله علیه وآله وسلم): مثل المدهن فی حدود اللّه والواقع فیها مثل قوم إستهموا سفینهٔ فصار بعضهم فی أسفلها وبعضهم فی أعلاها فکان الذی فی أسفلها یمرّون بالماء علی الذین أعلاها فتأذوا به فأخذفأسا فجعل ینقر أسفل السفینهٔ فاتوه فقالوا مالک؟ قال تأذیتم بی ولابدّ لی من الماء فإن أخذوا علی یدیه أنجوه ونَجّوا بأنفسهم وإن ترکوه أهلکوه وأهلکوا أنفسهم.

----------------- صفحه ۱۵۹

به صورت برق آسا در اجتماع انتشار می یابد، همان طور که مثلاً بیماری «التور» خودی و بیگانه نمی شناسد و با سرعت سرسام آور اجتماع بزرگی را آلوده می کند، همچنین مفاسد اخلاقی بر اثر تأثیری که دوست در دوست، همکار در همکار دارد آن چنان نفوذ می کند که گروهی را به لب پرتگاه سقوط می کشاند. بی جهت نیست که پیشوایان بزرگ مذهبی ما، کسانی را که در مجامع عمومی به گناه تظاهر می کنند به کیفرهای سخت محکوم نموده و معتقدند که زیان چنین گناه نه تنها متوجه شخص گناهکار می گردد، بلکه دامنگیر اجتماع نیز می شود.(۱) روی این بررسی، مسئله حس مسئولیت و لزوم مبارزه با انحرافات اخلاقی و کژی های اجتماعی، یک مسأله سیاسی و حساب شده و مطابق با اصول مسلم علمی است و ما برای حفظ سعادت خود هم باشد (تا چه رسد سعادت دیگران) نباید در برابر مفاسد بی طرف و بی تفاوت باشیم. گذشته از این که سعادت ما نیز در این راه است، اصولاً دلسوزی و نوعدوستی و راهنمایی افراد یکی از عالی ترین مظاهر تجلی عواطف انسانی است، و نشانه یک انسان کامل آن است که مراتب مهر دوستی

----

۱ . انّ المعصیهَ إذا عمل بها علانیهً ولم یُغیّر علیه اضرّت العامهَ وذلک انّه یُذل بعمله دینَ اللّه ویَقتدی به أهلُ عداوهٔ اللّه(وسائل،

ج ۱۱، ص ۴۰۷).

------------------ صفحه ۱۶۰

خود را نسبت به هم نوع خویش در مواقع انحراف و آلودگی و بروز نشانه های بدفرجامی وی آشکار سازد، و خود را در برابر سرنوشت دیگران مسئول بداند. جلوگیری از انتشار فساد در دل اجتماع ولو با اجراء قوانین کیفری یک نوع خدمت صادقانه به سعادت اجتماع است، از این نظر امیرمؤمنان(علیه السلام)، پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله وسلم)را طبیب روحی معرفی نموده و قوانین کیفری اسلام را که برای یک فرد گناهکار ناگوار است مانند ابزار جراحی دانسته که اطباء به وسیله آن ریشه بیماری را می سوزانند، چنان که می فرماید: پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) طبیبی است روحانی که برای معالجه بیماری های اخلاقی و اجتماعی پیوسته در گردش است و مرهم های (تعالیم و معارف) خود را برای طبابت بیماران آماده نموده و ابزارهایی را تفتیده ساخته (تا به هنگام ضرورت به کار برد) و از هر کدام به مورد خود استفاده می کند. و بدین وسیله دل های تاریک را روشن و گوش های سنگین را شنوا، و زبان های بسته را باز می کند. از نظر (۱)امیرمؤمنان(علیه السلام) هر نوع راهنمایی و احیاناً شدت عمل در جلوگیری از انتشار فساد مرهمی است که بر روی زخمی گذارده

----

۱ . طبیب دوّار بطبه، قد احکم مراهمه، واحمی مواسمه، یضع من ذلک حیث الحاجهٔ إلیه من قلوب عَمی وآذان صمّ، وألسنهٔ بُکم. نهج البلاغه عبده، خطبه ۱۰۴.

------------------ صفحه ۱۶۱

می شود، و یا داغی است که ریشه بیماری را می سوزاند. او به مسأله مسئولیت آن قدر اهمیت می دهد که نه تنها انسان را در برابر انسان مسئول می داند حتی او را در برابر جانداران و مزارع و آبادی ها، مسئول دانسته و می فرماید: «اتقوا اللّه من عباده وبلاده فانّکم مسئولون حتّی عن البقاع والبهائم».(۱) «از مخالفت خدا درباره بندگان خدا و حفظ و حراست شهرها بپرهیزید، زیرا شما نه تنها در برابر انسان ها مسئولید بلکه در برابر جنبندگان و آبادی ها نیز مسئولیت دارید». پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و پیمان جوانمردان

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نمونه بارزی از انسان کامل است . در دوران جاهلیت که همه اصول اخلاقی و اجتماعی از جهت دوری از تعالیم پیامبران، زیر پا قرار گرفته بود عربی با کالای مختصری وارد مکه گردید شخصی به نام «عاص بن وائل» آن را خرید ولی قیمت کالا را نپرداخت، مرد ستمدیده چاره جز این ندید که در موقع طلوع آفتاب که سران قریش در اطراف کعبه می نشستند بر بالای کوه «ابوقبیس» قرار گیرد، و طی اشعاری جوانمردان عرب را برای حمایت خود دعوت

----

۱ . نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱.

------------------ صفحه ۱۶۲

نماید، و مضمون نخستین شعر او این است: «ستمدیده ای که از خانه و زندگی خود باز مانده است درباره ستمی که در موقع فروش کالای خود متوجه او شده است از شما استمداد می کند». وقتی اشعار استغاثه آمیز او به پایان رسید پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) که در آن روز بیش از بیست بهار از عمر او نمی گذشت، از جای برخاست و گروهی از جوانمردان مکه با او همراه شدند و در خانه یکی از مکّیان پیمانی بستند که از پای ننشینند و تا آنجا که امکان و قدرت دارند از حقوق مظلومان دفاع نمایند. سالیان درازی از وقت آن پیمان گذشته بود و حضرتش هنوز به آن، از دیده احترام می نگریست و در دوران رسالت خود می گفت: من آن پیمان را به عنوان یک مسئولیت وجدانی و انسانی و به منظور انجام وظیفه ای که بر دوش همگان است بستم و اگر همین حالا

نیز به آن دعوت شوم اجابت می کنم و به پیمان خود وفا دارم.(۱) مردگان زنده نما

یکی از نشانه های بارز حیات در یک فرد این است که هر موقع هستی و زندگی او مورد هجوم دشمن قرار گرفت نیروهای خود را برای دفاع از حریم حیات خود بسیج کند، مثلاً هر روز بدن انسان مورد

---

۱ . سیره ابن هشام، ج ۷۱ ص ۱۳۳.

---------------- صفحه ۱۶۳

هجوم انواع میکروب ها قرار می گیرد که اگر گلبول های داخل بدن به دفاع از آن برنخیزند، حیات فردی به خطر افتاده و پس از مدتی در آستانه مرگ قرار می گیرد. روی این مقیاس، ملتی را می توان ملت زنده خواند که از نشانه های بارز حیات برخوردار باشد، ملت سست و مرده، گروهی که حاضر نیستند با زبان خویش و فعالیت های صحیح خردپسندانه، در اصلاح اجتماع خود بکوشند و انواع میکروب های اخلاقی و مفاسد اجتماعی را از طریق زبان و از طریق پند و اندرز، از طریق اجرای قوانین از بین ببرند. راستی باید چنین ملت را ملت مرده زنده نما خواند. اینجاست که ارزش گفتار حکیمانه پیشوای پرهیزکاران امیر مؤمنان برای ما روشن می شود که او در ضمن سخن کوتاه خود جمعیتی را که حاضر نیست ؛تذکرات صحیح به افراد آلوده دهد، و در باطن از کارهای زشت مجرمان تنفر جوید «مردگان زنده نما» خوانده و می فرماید: «فهو میت الأحیاء».(۱) در حکومت های مترقی امروز جهان که سیستم حکومت آنها حکومت مردم بر مردم است این سنخ نظارت جنبه طبیعی دارد، زیرا سرچشمه قدرت خود مردم است. نمایندگان مجلسین نمایندگان مردم

---

۱ . وسائل، ج ۱۱، ص ۴۱۴.

---------------- صفحه ۱۶۴

و زبان مردمند، دولت که زاییده اکثریت مجلس سنا و شوری است نقشی جز فرمانبرداری و اجرای رأی نمایندگان ملت ندارد. بنابراین ملت می تواند در تمام شئون کشور نظارت بنماید زیرا سرچشمه قدرت و علت پیدایش و تشکیل سازمان های دولتی، ملت است و هر موقع هر نوع انحرافی را در سازمان های اداری و تشکیلات کشوری مشاهده کرد می تواند فوراً انتقاد کند و نظر بدهد و به میزان انحراف، لحن انتقاد خود را شدیدتر سازد زیرا مبدأ نیرو او است، و تمام قدرتمندان در پرتو قدرت او قدرتمند گشته اند. این همان نظارت ملی است که جهان متمدن آن را به صورت عالی ترین اصل پذیرفته و اسلام چهارده قرن پیش آن را پایه گذاری نموده و لقمان حکیم نیز به آن اشاره فرموده است. مسأله نظارت ملّی که همان وظیفه «امر به معروف» و «نهی از منکر» است یکی از اصول محکم و حیات بخش مسلمانان است که متأسفانه کم تر به ارزش آن توجه می شود. و گاهی آن را مخالف آزادی می دانند، در حالی که یک وظیفه ملی و دینی است که از گسترش مفاسد جلوگیری می کند. برای این که از اهمیت این اصل، آگاه شوید، توجه شما را به خبر زیر که اخیراً رخ داده است جلب می کنیم: «مایکل کوک»، محقق نام آور آمریکایی هشت سال پیش با

---------------- صفحه ۱۶۵

نگارش کتاب «امر به معروف و نهی از منکر در اسلام»، دقیق ترین اثر اسلام شناسی غرب را به دست داد. به گزارش خبرنگار «بازتاب» این نویسنده برجسته برای نگارش کتاب مذکور، به واکاوی دقیق اصول فقهی و حقوق اسلامی پرداخته و به منابع اصلی اسلامی رجوع کرده است. به تازگی ترجمه فارسی این اثر منتشر شده است، امّا آنچه جالب توجه است، جرقه خلق این اثر مهم توسط «مایکل کوک» است. به گزارش سایت کتابخانه تاریخ اسلام و ایران، کتاب مفصل و مستند «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» در دو مجلد به بازار کتاب آمد. نویسنده این اثر، «مایکل کوک» است که در حوزه تحقیق و پژوهش در اسلام

و حوزه تمدن اسلامی، شهرتی بسزا دارد و یک بار هم جایزه سال بهترین آثار در زمینه علوم انسانی را در آمریکا نصیب خویش کرده است. در حال حاضر، مایکل کوک استاد دانشگاه «پرینستون» در آمریکاست و تاکنون چندین کتاب و ده ها مقاله در حوزه های مختلف اسلام شناسی تألیف کرده است. برخی از این مقالات به فارسی نیز درآمده است. کتاب امر به معروف و نهی از منکر با عنوان انگلیسی« The opppnents of the writing of traditons in early Islam» که در سال ۱۹۹۷ چاپ شده است، در نوع خود بزرگ ترین اثر فقهی -

--------------- صفحه ۱۶۶

تاریخی است که تاکنون یک شرق شناس در یک موضوع فقهی مشخص نگاشته و با تتبعی گسترده این مبحث را از دیدگاه مذاهب و گرایش های مختلف اسلامی و بر اساس متون شناخته شده مورد بررسی قرار داده است. داستان نگارش این اثر و انگیزه مؤلف در این باره، در آغاز آن مقدمه آمده است. این داستان چنان است که در شامگاه روز پنجشنبه۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ در ایستگاه قطار شهری شیکاگو در حضور جمعی از مردم، زنی مورد تجاوز قرار می گیرد. یکشنبه بعد از آن روز «نیویورک تایمز» خبر آن را از قول پلیس به چاپ رساند. نکته مهم در گزارش پلیس آن بود که به جز یک نفر آن هم پس از تمام شدن ماجرا، هیچ کس برای کمک به قربانی از جای خود حرکت نکرد و این به رغم آن بود که این تجاوز در ساعت های پر رفت و آمد روز انجام شد. فریاد زن هم بی پاسخ ماند. اندکی بعد کار آگاه مارتین گفت: چندین نفر به آن صحنه می نگریستند و زن از آنها کمک خواست، امّا هیچ کس به او پاسخی نداد. جالب آن که تجاوزگر به قربانی خود در همان حال، دستور می دهد که لبخند هم بزند و او هم به اجبار چنین می کند. در این میان از جمع حاضرین تنها یک نفر پس از فریادهای مکرر زن که مورد تجاوز قرار گرفته به خیابان می رود، جلوی ماشین پلیس را می گیرد و از آنان می خواهد تا برای دستگیری آن شخص اقدام

--------------- صفحه ۱۶۷

کنند. از این سرگذشت می توان به اهمیت مسأله امر به معروف و نهی از منکر توجه نمود که چه نقشی در اصلاح جامعه دارد و این نویسنده غربی پس از مشاهده این بی تفاوتی بر آن شده است که کتابی درباره امر به معروف و نهی از منکر از دید اسلام بنویسد . ناشر ترجمه آن بنیاد پژوهش های اسلامی وابسته به آستان قدس است که آن را در دو مجلد در مهرماه ۱۳۸۴عرضه کرده است.

--------------- صفحه ۱۶۸

۶- انضباط و نظم پذیری

۶-انضباط و نظم پذیری(۱)

نظم و انضباط، مایه ترقّی و پیشرفت و سبب بهره گیری از توانمندی های جامعه است. هیچ فردی در جهان، نمی تواند نظم را نکوهش کرده و هرج و مرج را ستایش کند و این از گزاره هایی است که خرد هر بشری آن را درک کرده و پذیرا می باشد.

----

۱ . محور سخن در این اثر ایمان، آیه مبارکه یاد شده در زیر است:(إِنّما الْمُؤْمِنونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذا كانُوا مَعَهُ عَلى أَمْر جامِع لَمْ يَذْهَبُوا حَتّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِر لَهُمُ اللّه إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)(نور/۶۳). «مؤمنان کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند. هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند، تا از وی کسب اجازه نکنند جلسه را ترک نمی کنند، در حقیقت کسانی که از تو کسب اجازه می کنند، آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. هرگاه برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنها که

خواستی اجازه ده و برایشان آمرزش بخواه. خدا ، آمرزنده مهربان است».

--------------- صفحه ۱۶۹

در مسأله اداره امور جـامعه، نظم امری حیاتی است، خصوصاً آنگاه که گروهی تحت رهبری فرمانـدهی به جهاد پرداخته و دو سپاه در برابر یکدیگر صف آرایی کنند. در این موقع است که سربازان جهادگر باید تحت فرماندهی واحدی به پیش روند و شرّ دشمن را دفع کننـد، ولی هرگاه در این شـرایط هر فردی و گردانی خودسـرانه، عمل کنـد، طبعاً در انـدک زمانی از پای درآمده و دشـمن منضبط، همه مواضع نیروهای مجاهد را تصرف می کند. در جنگ خندق، سپاه یهود و مشرکین دست به دست هم داده و لشکری در حـدود ده هزار جنگجو به خـدمت گرفته بودند و سـیل آسا از اطراف جزیرهٔ العرب حرکت کرده و مدینه را مانند نگینی در میان خود گرفتند. این نبرد، بسیار برای مسلمانان حساس و سرنوشت ساز بود. گویا در همین نبرد است که پیامبر فرمود: «بَرَزَ الإسلامُ کُلُّهُ إلی الشِّرکِ کُلّهِ «؛»اسـلام و کفر با تمام قوا رو در روی یکـدیگر قرار گرفته انـد». در این شـرایط حساس، مؤمن از منافق بازشـناخته می شود. فرد با ایمان، به خاطر هـدف، نبرد می کند، و تا پای جان از دسـتور فرمانده خود سرپیچی نمی کند، در حالی که منافق به دنبـال فرصت است تـا جبهه را با عـذرهای گوناگون ترک کنـد. قرآن یادآور می شود که در همین نبرد گروه منافق که فاقـد ایمان بودنـد، به رعب و وحشت دامن زده و از پایمردی افراد با ایمان می کاستند و احیاناً به حضور پیامبر می رسیدند و می گفتنـد: خانه های ما در معرض خطر است. اجازه دهید ما جبهه

--------------- صفحه ۱۷۰

را برای صیانت زن و فرزند خود، ترک کنیم. در حالی که هدف آنان فرار از جنگ بود. قرآن این حقیقت را در این آیه یادآور می شود: (وَإذْ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْهُمْ یا أَهْلَ یَثْرِبَ لا ـ مُقامَ لَکُمْ فَارْجِعُوا وَیستاذِنُ فَریقٌ مِنُهُمُ النَّبِی یَقُولُونَ إنَّ بُیُوتنا عَورَهٔ وَما هِیَ بِعَورَهٔ إنْ یُریدُونَ إلاّ فِراراً).(۱) «و نیز به خاطر آوریـد زمانی را که گروهی از آنها گفتنـد: ای اهل یثرب ـ ای مردم مـدینه ـ اینجا جای توقف شما نیست. به خانه های خود بازگردید و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می خواستند و می گفتند: خانه های ما بی حفاظ است در حـالی که بی حفـاظ نبود، آنهـا فقـط می خواست از جنـگ فرار کننـد». این شـیوه افراد منافق و مؤمن نماست که در مواضع حساس فرمانده و رهبر را ترک گفته و در فکر خویش می باشـند، در حالی که گروه با ایمان تا آخرین قطره خون در میدان نبرد با شرک و نفاق اسـتقامت ورزیده و اگر هم ضـرورتی پیش می آید که به طور موقت مرخصی بگیرد، رهبر را از جریان خود، آگاه می سازد و با اذن او به طور موقت و در حد ضـرورت میدان نبرد را ترک می کند. آیه مبارکه در آغاز بحث، به این نوع انضباط اشاره می کند و

----

۱ . سوره احزاب ، آیه۱۳.

--------------- صفحه ۱۷۱

می فرمایـد: «مردان با ایمان کسانی هسـتند که اگر درباره موضوعی با هم اجتماع کردنـد، بدون اذن او اجتماع را ترک نکرده، و به حضور خود ادامه می دهنـد...». مسأله استیـذان در ترک جبهه، شأن نزول آیه است، و الاّ ـ رعایت نظم و انضـباط یک اصل فراگیر است که بایـد جـامعه اسـلامی را دربرگیرد. اصولاً ـ اسـلام به معنای تسلیم در مقابل فرمان خـدا و پیامبر اوست، بر خلاف تسـلیم در مقابل هوا و هوس و یا خـدایان ساختگی. فرد مسـلمان آن است که در تمام شـئون زنـدگی تسلیم برنامه های الهی بوده و بر خدا و پیامبر سـبقت نگیرد. قرآن در آغاز سوره حجرات، به این اصل کلی اشاره می کنـد و می فرمایـد: (یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تُقَـدِّمُوا بَیْنَ یَـدَی اللّه وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللّهَ إنَّ اللّهَ سَـمیعٌ عَلیمٌ). «ای افراد با ایمان در هیـچ موردی بر خدا و پیامبر سـبقت نگیرید و از مخالفت خدا بپرهیزید، خداوند شـنوا و داناست». هدف آیه ، ایجاد روحیه انضباط اسلامی، در همه افراد با ایمان است. انضباطی که آنان را از هر

نوع تقدم و پیشی گرفتن بر خدا و پیامبر وی باز دارد و از ایجاد هر نوع تردید و دودلی ، در دستورات جلوگیری کند. روح و حقیقت انضباط اسلامی این است که همه افراد

--------------- صفحه ۱۷۲

بایـد احکام و قوانین و حقوق فردی و اجتماعی را از یک نقطه الهام بگیرند، و از یک سرچشمه سیراب شوند، و از یک فکر که از همه فکرها برتر و بالاتر است، پیروی نمایند.(۱) اندیشه «عرفی شدن دین» یک جریان خطرناک است که هدفی جز حذف دین و جایگزین کردن عقل گروهی ندارد، و در حقیقت می خواهد آن اصل اساسی که شرائع آسمانی بر آن اصل استوارند، و آن تسلیم در برابر اراده و تشریع خداست را زیر پا بگذارد، و دوری از این را در قالب «عرفی شدن دین» رسمیت دهد. تو گویی شریعت اسلام، برای برهه ای از زمان، آمده است که مردم عقل و خردی برای زندگی نداشتند ولی اکنون که به حد تکامل رسیده اند، دیگر نیازی به شریعت الهی نیست، ولی گویندگان این سخن، غافل از آنند که هنوز بشر در ابتدایی ترین مسائل زندگی به توافق نرسیده و آن مسأله اصول اقتصادی است که هر مکتبی برای خود اصولی را پیشنهاد می کند. هنوز در مرکز عقل جمعی، ژاپن و هند بت های چوبین و فلزی و گاوان سفید را می پرستند، آیا با این وضع می توان گفت که بشر از دین و تشریع الهی بی نیاز شده است؟ مروّجان این نظریه تصور می کنند که بشر در مسائل مادی به اوج

----

۱ . نظام اخلاقی اسلام، ص ۳۱.

--------------- صفحه ۱۷۳

تکامل رسیده و می تواند، زمام زندگی خود را به دست بگیرد و کاروان بشریت را رهبری کند، ولی این افراد با چشم بسته این سخن را می گویند. درست است بشر از نظر تکنیک و صنعت پیش رفته است امّا این تکنولوژی هرگز برای بشر خوشبختی نیاورده است، از نظر آمار ۸۵٪ ثروت دنیا در دست ۱۵٪ جمعیت آن و ۱۵٪ ثروت در اختیار ۸۵٪ جمعیت قرار دارد. آیا با این وضع می توان گفت که بشر از عواطف دینی و علایق معنوی بی نیاز شده است و خوشبختی را برای جامعه به ارمغان آورده است؟ امروز ثروتمندان جهان برای افزایش ثروت و فروش سلاح، جنگ های موضعی و مقطعی را در خاورمیانه و نقاط دیگر پدید می آورند تا از این طریق سلاح های خود را به فروش برسانند و پولی را که در برابر نفت به آنان پرداخته اند، پس بگیرند، آیا جامعه ای با این روحیه از عقل و خرد کافی برخوردار است؟ افزایش آمار جرم و جنایت و کشتار جمعی و نسل کشی در جهان و گسترش اعتیاد ویرانگر نشانه افول خردگرایی و حاکمیت عقل بر افراد و گروه هاست. این گروه در قضاوت، چشم خود را به نقطه خاصی دوخته و از یک قضیه جزئی، گزاره کلی می سازند ولی هرگز با دید وسیع به افغانستان ویرانه، و عراق آشوب زده، و آفریقای زرخیز ولی غرق در

--------------- صفحه ۱۷۴

فقر و گرسنگی و آسیای پر جمعیت ولی عقب مانده از علم و صنعت نمی نگرند. آنها چشمان خود را به کاباره های گروهی از ثروتمندان غرب دوخته و تصور می کنند که جهان به همانجا محدود می شود، ولی اگر با دید وسیع به مجموع شش میلیارد انسان می نگریستند می فهمیدند که بشر تا چه گرفتار چنگال ظلم و ستم و جنایت شده است؟ آنان از آثار سازنده ایمان به خدا و تسلیم در برابر حق که مطامع و آزها را مهار می کند و گرایش به ظلم و جنایت را به انسان دوستی و به تعبیر قرآن (رُحَماءُ بَیْنَهُم)تبدیل می کند ، بی خبر هستند، و این اصلی است که هرگز بشر در هیچ دوره از زندگی خود، از آن بی نیاز نیست. قانون الهی چون ضامن اجرای درونی دارد، به خوبی در جامعه اجرا می شود، و در حقیقت، ضامن اجرای آن همراه خودش است ولی اگر تشریع الهی را از میان برداریم و به قوانین عرفی اکتفا کنیم ;این اصل گرانبها را از دست داده و به هرج و مرج در جامعه کمک کرده ایم.

ما در مورد نقد این اندیشه غربی که از زبان برخی از افراد شرقی در ایران شنیده می شود، رساله ای نگاشته ایم که می توان برای توجه به بی پایگی این اندیشه به آن مراجعه کرد. و این رساله با عنوان «عرفی

------------------ صفحه ۱۷۵

شدن دین» در نقد نظریه عرفی شدن نگاشته و منتشر شده است. *** این آثار شش گانه سازنده ایمان را تقدیم جوانان ارجمند نموده و دیگران را دعوت می کنیم که این بحث ها را پی گیری کنند و دیگر آثار حیات بخش ایمان را در زندگی فردی و اجتماعی به رشته تحریر کشند، و در همگی به آیات الهی و احادیث معصومین و داوری های روشن خرد تکیه کنند. به امید روزی که این پیشنهاد جامه عمل بپوشد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹